



یک ملت ایستادگی

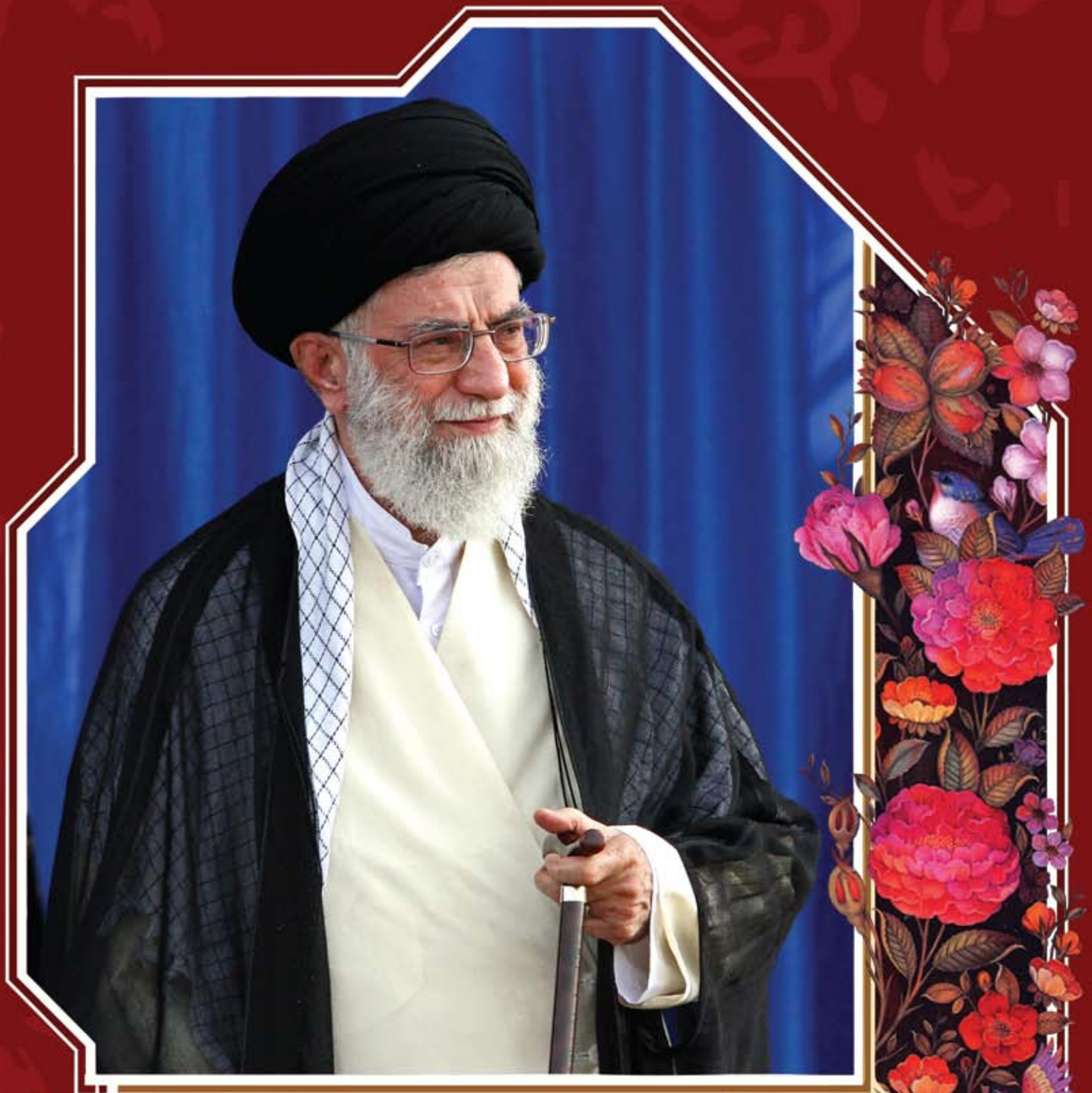
با مطالب و دیدگاه‌هایی از:

- دکتر علی اصغر کاراندیش معاون وزیر و رئیس کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور
- دکتر مهدی گلشنی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- دکتر غلامرضا منتظری نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی
- حجت الاسلام والمسلمین مهدی ایمانی پور، معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- دکتر سید احسان قاضی زاده هاشمی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی
- دکتر محسن مجبی معاون توسعه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان پدافند غیرعامل کشور
- دکتر امیرحسین بانکی پور فرد عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی
- سعید جابری انصاری دبیر کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



پرچمداران اسلام

شهادت پرچمداران ارزشهای اسلامی بودند. سعی کنید این ارزشها را حفظ کنید. پرچمی را که شهیدان شما جانانشان را برای آن دادند، این پرچم را نگذارید کوچک، حقیر و ضعیف بشود. خدا هم کمکتان خواهد کرد.



مقام معظم رهبری:

الان سالها است که دشمنان از منافذ فرهنگی دارند تلاش می کنند ملت ما را از راه انقلاب و راه جهاد و راه مبارزه برگردانند؛ می بینید، شماها می دانید... چه دارد انجام می گیرد در این کشور از طرف دشمنان، برای اینکه انقلاب را به فراموشی بسپرنند، امام را به فراموشی بسپرنند، خط روشن انقلاب را در بین خطوط گوناگون گم کنند؛ دارد تلاش می شود. آماج این حمله هم چه کسانی هستند؟ در درجه اول جوان ها هستند؛ یعنی سعی می کنند این جوان ها را، این نسلی را که نه انقلاب را دیده، نه امام را دیده، نه دفاع مقدس را دیده و امروز هم جوان است، از انقلاب جدا کنند، مفاهیم غیر انقلابی و ضد انقلابی را به این نسل تفهیم کنند. برای این کار دارد تلاش انجام می گیرد؛ سال ها است دارد تلاش می شود.

۱۳۹۶/۰۷/۱۱

ما
مبارزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان اثر: ویژه نامه تاب آوری فرهنگی

سفارش دهند:

کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مدیر مسئول: دکتر علی اصغر کاراندیش

سر دبیر: سعید جابری انصاری

شورای سردبیری:

دکتر محسن محبی، حجت الاسلام والمسلمین حسین ملکی، دکتر محمد مهدی انصاری، دکتر علی اسماعیلی، دکتر مهدی محمدی، زهره صیادی، حامد سهرابی، اسماعیل اسفندیار، دکتر لادن حیدری، مهندس علی غیانی، حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا ارباب سلیمانی، سید کاظم بهبهانی و حنا رضایی کویایی

باتشکر ویژه از: دکتر پدram پاک آئین، مهندس حسین سیفی مرزان، همایون امیرزاده، سید حمید سیدی و مهندس جواد موحد

باتقدیر از عوامل اجرایی: مهندس مهدی تشکری، مهرداد صفری و همکار خدماتی علی عبدی مقدم

عکاس: محمد ملک

سال تدوین: تابستان ۱۴۰۰

وب سایت: <https://padafand.farhang.gov.ir/>

اطلاعات تماس:

نشانه فضای مجازی: info@farhang.gov.ir

تلفن گویا: ۳۳۹۶۰۵۵

پیامک: ۱۰۰۰۳۸۵۱۱

صندوق پستی: ۱۱۴۹۴۳۳۸۱



فهرست

- ۵ پدافند فرهنگی: تاب آوری فرهنگی و حفاظت از امنیت فرهنگی یک ملت
- ۶ پدافند فرهنگی ضامن صیانت از «هویت ملی»
- ۹ «کار فرهنگی» از دیدگاه دیده بان انقلاب
- ۱۲ مروری بر اهداف و سیاست های پدافند غیرعامل فرهنگی
- ۱۶ قلم روشنفکران: پشتوانه سرنیزه رضاخان
- ۱۸ شرط افزایش تاب آوری باور به «راه حل فرهنگی» است
- ۲۰ ترویج «خودباوری» راهبرد توسعه پدافند فرهنگی
- ۲۲ افکار عمومی و نقش مدیران فرهنگی در مواجهه با جنگ روانی
- ۲۳ تحلیلی بر جنگ شناختی در عرصه رسانه ای
- ۲۴ مولفه های قدرت فرهنگی گفتمان «قاسم سلیمانی»
- ۳۰ الزامات دیپلماسی فرهنگی و زمینه های گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی
- ۳۲ نگاهی به عملکرد کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳۴ سردار جلالی: «قاسم سلیمانی» رستم زمانه ماست
- ۳۶ راهبردهای سازمان پدافند غیرعامل کشور برای ارتقای تاب آوری فرهنگی
- ۳۸ مدیریت فرهنگی و افزایش تاب آوری ملی
- ۴۰ سواد رسانه ای گمشده فضای مجازی
- ۴۲ لزوم ایجاد رصدخانه مقابله با تهدیدات فرهنگی
- ۴۶ شبکه های اجتماعی: ستادهای فرماندهی جنگ های نوین
- ۵۴ برنامه های وزارت ارشاد برای ارتقای تاب آوری اجتماعی و فرهنگی با محوریت زنان
- ۵۶ بایسته های مدیریت فرهنگی در تراز انقلاب اسلامی
- ۵۸ کشورها بدون تاب آوری فرهنگی مجبور به تسلیم هستند
- ۶۰ تاب آوری فرهنگی پایه ها و بنیادها



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان پدافند غیرعامل کشور

پدافند فرهنگی؛ تاب‌آوری فرهنگی و حفاظت از امنیت فرهنگی یک ملت



سعید جابری انصاری

با پدیده‌ای به نام جنگ نرم روبه‌رو شد. در کبان ملت‌ها هیچ امری به اندازه فرهنگ دخیل و تاثیرگذار نیست و جنگ نرم این دارایی را هدف قرار داده است. مفهوم فرهنگ دربرگیرنده کلیه شئون زندگی افراد یک جامعه است و به غیر از عوامل وراثتی، مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی اعضای یک جامعه معین را شامل می‌شود، در این شرایط است که با مفهوم و جایگاه امنیت فرهنگی به عنوان یکی از مولفه‌های امنیتی مواجه خواهیم شد. مولفه‌ای که در دنیای امروز برای کشورهایی که توسعه پایدار را به عنوان هدف اساسی دنبال می‌کنند جزو منافع حیاتی به حساب می‌آید.

امنیت فرهنگی به عنوان بعد داخلی و نرم افزاری امنیت ملی، می‌تواند تاثیر بسزایی در جهت‌گیری و سیاست‌گذاری‌های یک کشور در جهت تامین اهداف و چشم‌اندازهای پیش‌رو برای حصول منافع ملی و امنیت ملی کشور داشته باشد.

اماتامین امنیت فرهنگی در برابر حمله‌های شناختی و نرم‌زمانی دشوارتر شد که پیشرفت فناوری قدرتمند ارتباط، زمینه ارسال پیام را به داخل کشورها هموار ساخت. این پیام‌ها و اطلاعات چیزی جز افکار، اندیشه‌ها، تصاویر و فرهنگ‌ها نیست. این‌ها همه درباره مفهوم امنیت ملی سوال‌هایی بسیار جدی و چالش برانگیزی را مطرح می‌کند. این در حالیست

«مجموعه اقداماتی که بدون بکارگیری سلاح و تجهیزات نظامی باعث کاهش آسیب‌پذیری، افزایش پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران، تداوم کارکرد فعالیت‌های ضروری و تولید بازدارندگی دفاعی در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود»؛ این شاید ساده‌ترین و البته کامل‌ترین تعریف از مفهوم پدافند غیرعامل باشد. شاید تا همین چند سال پیش کسی این فکر را به ذهن خود راه نمی‌داد که ماهیت تهدید بتواند از جنگ افزار به مفهوم سخت‌افزاری آن فراتر برود. مفاهیمی همچون جنگ روانی نیز بیشتر محدود به زمان جنگ بود. شکست‌های مداوم لشکرکشی‌های ارتش‌ها بزرگ و استقلال کشورها از زیر یوغ استعمار و انقلاب کشورها تحت سلطه علیه حاکمان دست‌نشانده، نظام سلطه را وادار به یک چرخش و تغییر عظیم در راهبردهای خود کرد. آنها اینک به دنبال راه‌حل‌هایی کم‌هزینه‌تر و البته بسیار تاثیرگذارتر از جنگ‌های سخت و پرهزینه بودند. ملت‌های آزاد اکنون با چرانی بسیار مخرب روبه‌رو بودند که به جهت نرم‌افزاری بودن و غیرمشاهده بودن آن، هشدار دلسوزان و کارشناسانی که متوجه خطر شده بودند گوش شنوایی نداشت.

جنگ سخت جای خود را به سلاحی برنده و خطرناک به لطافت ابریشم داده بود. اینگونه بود که جهان

که تامین امنیت فرهنگی و حفاظت و پاسداری از هویت ملی یک ملت مسلمان با پیشینه غنی فرهنگی اهمیت و ضرورت خاصی می‌یابد. حفاظت از امنیت فرهنگی یک ملت، با چنین خصوصیتی نیازمند یک نقشه راه است که بتواند ضمن احصای آسیب‌پذیری‌های و مخاطرات فرهنگی برای مقابله با آن، برنامه و راهبرد داشته باشد. این نقشه راه، تحت عنوان "پدافند فرهنگی" شناخته می‌شود. هدف نهایی پدافند فرهنگی نیز ارتقای "تاب‌آوری فرهنگی" است.

تاب‌آوری فرهنگی مفهومی است که به نقش فرهنگ و زمینه فرهنگی تأکید داشته و مشخص می‌کند که چگونه فاکتورهای فرهنگی می‌توانند نقشی بسزادر موفقیت‌سازگاری ایفا کنند. در واقع ساز و کار تاب‌آوری فرهنگی شبکه‌ای از اعمال اقدامات متقابل، تعهدات و درخواست‌ها و دارایی‌ها، پویایی، سازگاری و تطبیق را تبیین می‌کند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مهمترین متولی حوزه فرهنگ کشور، بدون شک نقش حساس و کلیدی در راهبری سیاست‌های فرهنگی کشور در جهت ارتقای تاب‌آوری فرهنگی ایفا می‌کند. همین احساس ضرورت سبب شد تا مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های اخیر با همکاری سازمان پدافند غیرعامل کشور، راهبردهایی متمرکز بر تاب‌آوری فرهنگی، اتخاذ کنند که این اقدامات و تلاش‌ها به صورت متمرکز در کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری و دنبال شده است. به یاری خداوند متعال این کمیته در سال‌های اخیر اقدامات بسیاری را برای ارتقای تاب‌آوری حوزه فرهنگی کشور راهبری کرده است که ثمره این تلاش‌ها، در "تدوین سند راهبردی پدافند فرهنگی کشور" تبلور یافته که به عنوان یک سند بالادستی، افق پیش‌رو را مشخص کرده است. این ویژه‌نامه تلاشی است برای توسعه، تحکیم و تمرکز بر مفاهیم تاب‌آوری فرهنگی در چارچوب پدافند فرهنگی و مروری است بر تلاش‌های چند سال اخیر کمیته پدافند غیرعامل وزارت ارشاد اسلامی در این راه خطیر. تا چه مقبول افتد و چه در نظر آید.





بررسی پایداری فرهنگی در برابر آسیب‌ها و تهدیدات فرهنگی - اجتماعی در گفتگو با دکتر کاراندیش

پدافند فرهنگی ضامن صیانت از «هویت ملی»

تبیین سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی

جهیزیه دختران دم بخت محل، همه اجزای فرهنگی باشکوه و زیبایی هستند که می‌تواند ملت ما را در اتحاد و پیوستگی دائم نگه داشته و موجب تاب‌آوری بیشتر و بهتر افراد و خانواده‌ها شود. ما باید بتوانیم زوایا، ارکان و اهمیت تاب‌آوری فرهنگی را در سطح دانشگاهی هم تفسیر و تبیین کنیم. اگر که رابطه بین فرهنگ و تاب‌آوری کمتر در مطالعات دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته، امیدوار هستیم که دانشگاه و دانشگاهیان، پژوهش و پژوهشگران عزیز ما به این مقوله توجه کنند. دانشگاه است که باید توضیح دهد که چرا برخی افراد در فرهنگ‌های مختلف، با جلوه‌ها و داشته‌های فرهنگی متفاوت، در روزهای سخت از توانایی و تاب‌آوری بیشتر و بهتری برخوردار هستند. ما باید بتوانیم چگونگی این سازوکار و این فرآیند را توصیف کنیم تا مشخص شود فرآورده‌های فرهنگی و سرمایه‌ها چگونه بر تاب‌آوری اجتماعات و افراد و خانواده موثر هستند.

داشته‌های فرهنگی می‌تواند به افراد کمک کند که با شادی و شادکامی، توانایی و موفقیت بیشتری زندگی کنند. حتی بسیاری از مداخلات حمایتی در سطوح اجتماعی و خانوادگی هم می‌تواند از جنس جلوه‌ها و سرمایه‌های فرهنگی به شمار آید. این چیزی است که برای مواجهه با افراد در روزهای سخت بسیار مهم و حائز اهمیت است. فرهنگ می‌تواند از افراد در معرض خطر به خوبی پشتیبانی کرده و این ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های ثابت، پایدار و همیشگی، حفاظت و صیانت کند. مداخلات حمایتی سازگار با فرهنگ، بسیار با تاب‌آوری خانواده‌ها و جوامع حائز اهمیت است. خوشبختانه این دستمایه‌ها و سرمایه‌های فرهنگی، در ایران اسلامی سرفراز و باشکوه ما، پرشمارند. از جشن گل‌ریزان پهلوانان مادر زورخانه‌ها با عطر سلام و صلوات و زنگ و ضرب زورخانه گرفته تا گوشت قربانی و اطعام ایتم، سنت زیبا و پسندیده قرض‌الحسنه، و حتی چادر پهن کردن برای تهیه

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است فرهنگ از افراد در معرض خطر به خوبی پشتیبانی کرده و ارزش‌های فرهنگی به عنوان ارزش‌های ثابت، پایدار و همیشگی، از جامعه حفاظت و صیانت خواهد کرد و مداخلات حمایتی سازگار با فرهنگ، بسیار با تاب‌آوری خانواده‌ها و جوامع حائز اهمیت است. مشروح گفت و گوی خبرنگار ما با دکتر علی اصغر کاراندیش معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس کمیته پدافند غیرعامل این وزارتخانه را در ادامه می‌خوانید؛

اساساً مفهوم تاب‌آوری و فرهنگ چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

با وجود آنکه مقوله تاب‌آوری و فرهنگ و رابطه بین این دو برای سال‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته بود اما واقعیت این است که داشته‌ها و جلوه‌های فرهنگی جزو دارایی‌هایی است می‌تواند زندگی اقوام را بسیار متمایز در این عرصه معرفی کنند.





ها و ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور در یک فرآیند تدریجی بدون وجود پیوست فرهنگی قابلیت اجرا نخواهند داشت. بحث پیوست فرهنگی که به طور جدی در سالهای اخیر مورد تاکید سیاستگذاران کلان فرهنگی کشور قرار گرفته است در طرح های توسعه نیز بر روی آن تاکید مواکد صورت گرفته است. به طوریکه طرح های بزرگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند پیوست فرهنگی است، طبیعی است که بحث پیوست فرهنگی به جدیت باید دنبال شود.

مالگرو پیوست فرهنگی را به عنوان یک نظام در نظر بگیریم، یعنی مجموعه ای که از ورودی، فرآیند و خروجی، بازخورد و نظارت تشکیل شده است، در بحث پیوست فرهنگی، ما باید به یک زیرنظام تهیه پیوست فرهنگی دست بیاوریم. به عبارتی متولی بحث پدافند فرهنگی، باید به بحث تدوین پیوست های فرهنگی در همه حوزه های مرتبط با فرهنگ و هنر نگاه و ورود جدی داشته باشد.

▶ چه شد که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لزوم توجه به رویکرد مبتنی بر پدافند غیرعامل در حوزه فرهنگ احساس شد؟

باتوجه به دغدغه های رهبر معظم انقلاب درباره تأثیرات مخرب ضد فرهنگی بیگانگان، در سال های اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تلاش های بسیاری برای سیاست گذاری، راهبری و برنامه های اجرایی هدفمند در این حوزه را در دستور کار قرار داده است. موضوع پدافند غیرعامل به عنوان یکی از راهبردهای مناسب در قالب سیاست های کلی نظام ابلاغ شده است. خوشبختانه با درک شرایط و لزوم احصا و چاره اندیشی در مورد تهدیدات فرهنگی، همکاری و هم افزایی خوبی برای نهادینه و اجرایی کردن فرهنگ مصون سازی و تاب آوری در موضوعاتی مانند سیاست، اقتصاد، آموزش و غیره به صورت برنامه ای و پانگه به تیادلات بین المللی در عرصه های مختلف شکل گرفته و نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باتوجه به حیطة ماموریت های بی شمار بوده است.

باتوجه به برنامه ریزی ها و تلاش های کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با سازمان پدافند غیرعامل کشور مذاکرات قابل توجهی داشته ایم و جلسات کارشناسی متعددی با حضور صاحب نظران و اساتید دانشگاهی برگزار کرده و در نهایت با تدبیری که وزیر محترم ارشاد داشتند تفاهم نامه ای بین این وزارتخانه و سازمان پدافند غیرعامل کشور با موضوع پدافند غیرعامل فرهنگی امضا شد.

▶ این تفاهم نامه چه اهمیتی دارد و چه گره از مشکلات فرهنگی کشور را خواهد گشود؟

این تفاهم نامه یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی کشور با هدف تاب آوری و ایمن سازی

▶ چند سال است مقوله فرهنگ، تاب آوری و پدافند غیرعامل به هم گره خورده اند. بسیاری می پرسند این سه مقوله چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ پاسخ شما چیست؟

در مورد رابطه فرهنگ، تاب آوری و پدافند غیرعامل باید گفت که؛ پدافند غیرعامل در واقع به مانند کوه یخی می ماند که بیشتر قسمت های آن ناپیدا و تنها بخش کوچکی از آن قابل مشاهده است. ویژگی پدافند غیرعامل این است که قبل از آنکه تهدید بروز کند باید آمادگی ها را ایجاد کند تا در هنگام بروز تهدیدات، نقش آفرینی کرده و تأثیر خود را نشان دهد.

در بررسی بخش فرهنگی پدافند غیرعامل، باید آن را در سپهر و جغرافیای پدافند غیرعامل ببینیم.

جامعه ما یک جامعه دینی و معتقد به باورها و ارزشهای بنیادین دینی و مذهبی است. بدون شک یکی از بزرگترین ارکان تاب آوری جامعه ایرانی، همین تمسک جستن و توسل جستن به باورها و بنیادها و فرهنگ دینی و مذهبی ماست.

از سوی دیگر در دنیای امروز، مفهوم تاب آوری در چارچوب یک گفتمان دفاعی مطرح شده است. سوالی که باید در زمینه پایداری پرسیده شود این است که چه چیزی با چه عواملی باعث تاب آوری می شود و چه کسی و در چه شرایطی تاب آوری را ایجاد و تقویت می کند که فرهنگ یکی از مهمترین عناصر تاب آوری فرهنگ است. در جنگهای جدید هدف کاهش تاب آوری مردم است. در دنیای امروز کشورهایی که به دنبال استقلال خود از سلطه گران هستند اما ج تهدیدات، تجاوزات، دسیسه ها و... قرار می گیرند. این شرایط در مورد کشوری مانند ایران که با انقلاب اسلامی به یک نظام سلطنتی ۲۵۰۰ ساله خاتمه داد و نه تنها استکبار ستیز است بلکه به الگوی استکبارستیزی در جهان تبدیل شده است بسیار پیچیده تر و دشوار تر است. دشمن که با انواع و اقسام روشهای سخت از توطئه کودتا گرفته تا تحمیل جنگ ۸ ساله به دنبال نابودی انقلاب بود پس از ناکامی به سراغ شیوه ای پیچیده مبتنی بر روش های نوین جنگ شناختی رفت که آنچه ماتحت عنوان جنگ نرم می شناسیم تنهایی از اجزای آن است. در جنگ نرم، دشمن به آرامی، از داخل جبهه خودی، مقاومت مردم را کاهش داده و روش هایی را اتخاذ می کند تا مردم در مسیر کمک به دستیابی آن اهداف قرار گیرند. در حقیقت جنگ نرم و سخت یک هدف را دنبال می کنند.

▶ در سالهای اخیر با مقوله جدیدی تحت عنوان پیوست فرهنگی روبه رو هستیم. پیوست فرهنگی به چه معناست؟

پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کار ساز، پیوند مدیریت راهبردی با مدیریت اجرایی کشور را با محوریت فرهنگ فراهم می سازد و تمامی لایه



▶ اجزای فرهنگی ایرانی - اسلامی است که می تواند ملت ما را در اتحاد و پیوستگی دائم نگه داشته و موجب تاب آوری بیشتر و بهتر افراد و خانواده ها شود

▶ در جنگ های جدید هدف کاهش تاب آوری مردم است و کشورهایی که به دنبال استقلال خود از سلطه گران هستند اما ج تهدیدات، تجاوزات، دسیسه ها و... قرار می گیرند

▶ در جنگ نرم، دشمن به آرامی، از داخل جبهه خودی، مقاومت مردم را کاهش داده و روش هایی را اتخاذ می کند تا مردم در مسیر کمک به دستیابی آن اهداف قرار گیرند

▶ متولی بحث پدافند فرهنگی، باید به بحث تدوین پیوست های فرهنگی در همه حوزه های مرتبط با فرهنگ و هنر نگاه و ورود جدی داشته باشد

▶ در ناتوی فرهنگی دشمنان، پدافند غیرعامل فرهنگی ضرورتی انکارناپذیر در صیانت از هویت ملی و دینی محسوب می شود که در زمینه آموزش باید بیشتر از گذشته تلاش شود

▶ سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور در واقع راهنمایی برای احصا تهدیدات فرهنگی و نقشه راهی برای برخورد و پاسخ به این تهدیدات است. پاسخ هایی اضطراری و جامع که تداوم کارکردهای فرهنگی و تاب آوری فرهنگی ما را تضمین کند و وفق پیش رور برای ما مشخص کند





بود و نیازمند یک تلاش همه جانبه بین مدیران فرهنگی و اتخاذ تصمیمات مناسب است. از مهمترین نکات مورد توجه در این تفاهم نامه تأکید بر همکاری های مشترک علمی و پژوهشی در حوزه آسیب های فرهنگی و اجتماعی و بهره گیری از نقش تأثیرگذار اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه است.

تهیه طرح جامع دفاع فرهنگی و سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور و فرهنگ سازی اصول، مفاهیم و گفتمان پدافند غیرعامل در بین نخبگان، دانشگاهیان و آحاد مردم ما حاصل همین تفاهم نامه و اقدام مشترک وزارتخانه و سازمان پدافند غیرعامل کشور است.

سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور به چه مواردی اشاره دارد و چه کارکردی خواهد داشت؟

در حوزه آفند و پدافند می بایست راهبرد متناسب با حرکت جبهه ای دشمن در عرصه فرهنگی برای صیانت از هویت ملی مورد توجه قرار گیرد. بدون شک رسالت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همه ارکان فرهنگی و هنری با توجه به ظرفیت های این بخش در دو بُعد فرهنگ عمومی و تخصصی حائز اهمیت است. خوشبختانه در سال های اخیر اقدامات خوبی در زمینه آموزش و فرهنگ سازی موضوع پدافند غیرعامل انجام شده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدامات خوبی در زمینه آموزش و فرهنگ سازی موضوع پدافند غیرعامل انجام داده است. معاونان و رؤسای سازمان های تابعه، تلاش های قابل توجهی برای شناسایی نقاط آسیب پذیر داشته اند و تلاش شده است در سراسر کشور ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری نماینده پدافند غیرعامل در استاندارای ها، گام های جدی را برای راهبری کمیته فرهنگی پدافند غیرعامل بردارند.



از اصول اصلی و اولویت های پدافند غیرعامل برشمرد که باید برای تحقق آنها برنامه ریزی و تلاش شود. امروز با توجه به تهاجمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی، گسترش پایداری ملی در این حوزه بسیار مهم است و نهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی متولی فرهنگ کشور برای حضور و مشارکت مردم در این پایداری و از سوسوی افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران را می تواند تقویت کند.

امروزه دفاع از یک کشور به تقویت حوزه رسانه، ایمنی و پایداری آن بستگی دارد و اگر این بخش سرنوشت ساز نتواند در شرایط تهدید به درستی عمل کند آسیب ها و تبعات منفی و جدی بر آن کشور وارد خواهد شد. سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور در واقع راهنمایی برای احصای تهدیدات فرهنگی و نقشه راهی برای برخورد و پاسخ به این تهدیدات است. پاسخی که اضطراری و جامع که تداوم کارکردهای فرهنگی و تاب آوری فرهنگی ما را تضمین کند و وفق پیش رو را برای ما مشخص کند.

باتشکر از شما که این وقت را در اختیار ما قرار دادید
من از شما متشکرم.

در ناتوی فرهنگی دشمنان، پدافند غیرعامل فرهنگی ضرورتی انکارناپذیر در صیانت از هویت ملی و دینی محسوب می شود که در زمینه آموزش باید بیشتر از گذشته تلاش شود. در شرایطی که دشمن با استفاده از ماهواره ها و فضا های مجازی بدون مانع مشغول شایعه پراکنی و ارسال اخبار نادرست برای رسیدن به آمل و آرزو های خود که همان به انحطاط کشاندن جوانان و فروپاشی خانواده ها برای دستیابی به منابع ملی کشور است در این شرایط پدافند غیرعامل برای کاهش تلفات نیروهای غیررزمی و حفاظت از افکار عمومی موضوعیت پیدا می کند که برای جلوگیری از این اقدام شوم دشمن، اطلاع رسانی به موقع و درست به مردم و روشننگری های خاص می تواند از میزان تاثیر بمباران فرهنگی و خبری دشمن در جنگ نرم جلوگیری کند.

دشمنان با تغییر افکار، آرمان ها و اختلال در سبک زندگی به ایران لطمه می زنند لذا جنگ نرم موجب تغییر سبک زندگی مردم شده و این تهدیدات برای مثال شبکه های مجازی هم تهدید و هم فرصت هستند اما باید نکات مثبت و منفی آن ها را پیدا کرد تا در هیچ شرایطی دچار ضربه دشمن نشویم. افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران را می توان





«کار فرهنگی» از دیدگاه دیده بان انقلاب

▶ «آتش به اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است!

ما خُلل و فرج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این را، هم مجموعه های مسئول دولتی، هم مجموعه های گسترده ی عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. «آتش به اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان بابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند.

خطبه های نماز عید فطر - ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

▶ هشدار درباره واردات فرهنگی

اگر چنانچه مادر زمینه ی دفاع مقدس، کار فرهنگی کردیم، تولید فرهنگی کردیم، این تولید، کشور را غنی خواهد کرد، نیروهای انسانی ما را غنی و قوی خواهد کرد و در مقابل توطئه های دشمنان قوی می شوند. ما برای اقتصاد هم نیرو بخوایم باید قوی باشد، برای فرهنگ هم نیرو بخوایم

تشکیل کارگروه های فرهنگی است؛ این کاری که الان دارد انجام می گیرد؛ این الان وجود دارد. بنده با بسیاری از این ها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد... یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من... گفتم، مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه های فعال در زمینه های فرهنگی که اینها می توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند.

از اول انقلاب هم همین جور بوده، الان هم همین جور است.

الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید - جوان متشکل و با فکر و صاحب ذهن فعال - که دست به کار فرهنگی می زند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئت عزاداری ای این ها می توانند روی جوانها تأثیر بگذارند، روی محله تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی ای را در یک مجموعه ای به وجود بیاورند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

رهبان معظم انقلاب اسلامی در مقطعی مختلف در خصوص الگوی کار فرهنگی مطلوب تدابیر و فرمایشاتی داشته اند. در ذیل تلاش داریم تا به برخی از مهمترین این بیانات اشاره کوتاه و خلاصه ای داشته باشیم.

▶ جریان سازی فرهنگی کنید!

شما اساتید محترم متدین و انقلابی باید کاری کنید که جریان انقلابی و فکری و اسلامی در دانشگاه، جریان رایج بشود. این [کار] احتیاج به این هم ندارد که حتماً با امکانات امنیتی و انتظامی و غیره [باشد]؛ نخیر، این کار، کار انسانی، کار اسلامی، کار فرهنگی است؛ جریان سازی است. خوب، طبعاً دانشجویها سؤال دارند؛ جوانند، این سؤالات را اساتید انقلابی پاسخ بدهند.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها - ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

▶ کارگروه های فرهنگی تشکیل دهید!

نمونه هایی از کارهایی که میتوانند نسل جوان را در نقش و شأن محور بودن حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آنها بدهد... یکی



باید قوی باشد، برای مسائل مدیریتی کشور هم نیروی خوب بخواهیم باید قوی باشد؛ این فرهنگ است که انسانها را تقویت می‌کند و انسانهای قوی به وجود می‌آورد. سرچشمه‌ی قوت فرهنگی، از جمله همین سرچشمه‌ی فیاض نیروهای دفاع مقدس است. اگر توانستیم از این استفاده کنیم، فرهنگ کشور قوی خواهد شد؛ این تولید فرهنگی است. در فرهنگ هم - مثل مسائل اقتصادی - اگر تولید نکردیم، به واردات احتیاج پیدا می‌کنیم. مثل مسائل اقتصادی است که شما اگر چنانچه تولید داخلی نداشته باشید، واردات می‌آید جای تولید داخلی را می‌گیرد. وقتی واردات آمد جایگزین شد، نتیجه این میشود که بعد تولید داخلی هم دیگر نمیتواند کمر راست کند؛ یکی از مشکلات امروز ما همین است؛ واردات فراوان - شاید تا حدود زیادی بی حساب و کتاب - در بخش‌های مختلف، در مقابله با تولید ناقص؛ فرهنگ هم همین جور است. اگر شما تولید فرهنگی نکردید، واردات فرهنگی - چه به صورت رسمی، چه به صورت قاچاق - وارد کشور می‌شوند. الان واردات فرهنگی زیاد است؛ بنده در این زمینه اطلاعات فراوانی دارم و به مسئولین هم گاهی هشدار می‌دهیم؛ ان شاء الله توجه کنند، بعضی‌ها هم توجه می‌کنند.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور -
۱۳۹۵/۱۲/۱۶

▲ از تولید اثر فرهنگی مهم تر اثرگذاری فرهنگی است!

ما فقط دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم؛ البته بلاشک تولید کتاب یا تولید فیلم و تولید هنری مهم است؛ منتها در کنار این، پیدا کردن مخاطب یا به یک معنا تولید مخاطب [هم] مهم است. سعی کنید کتاب را بتوانید به ذهن مخاطبین برسانید.

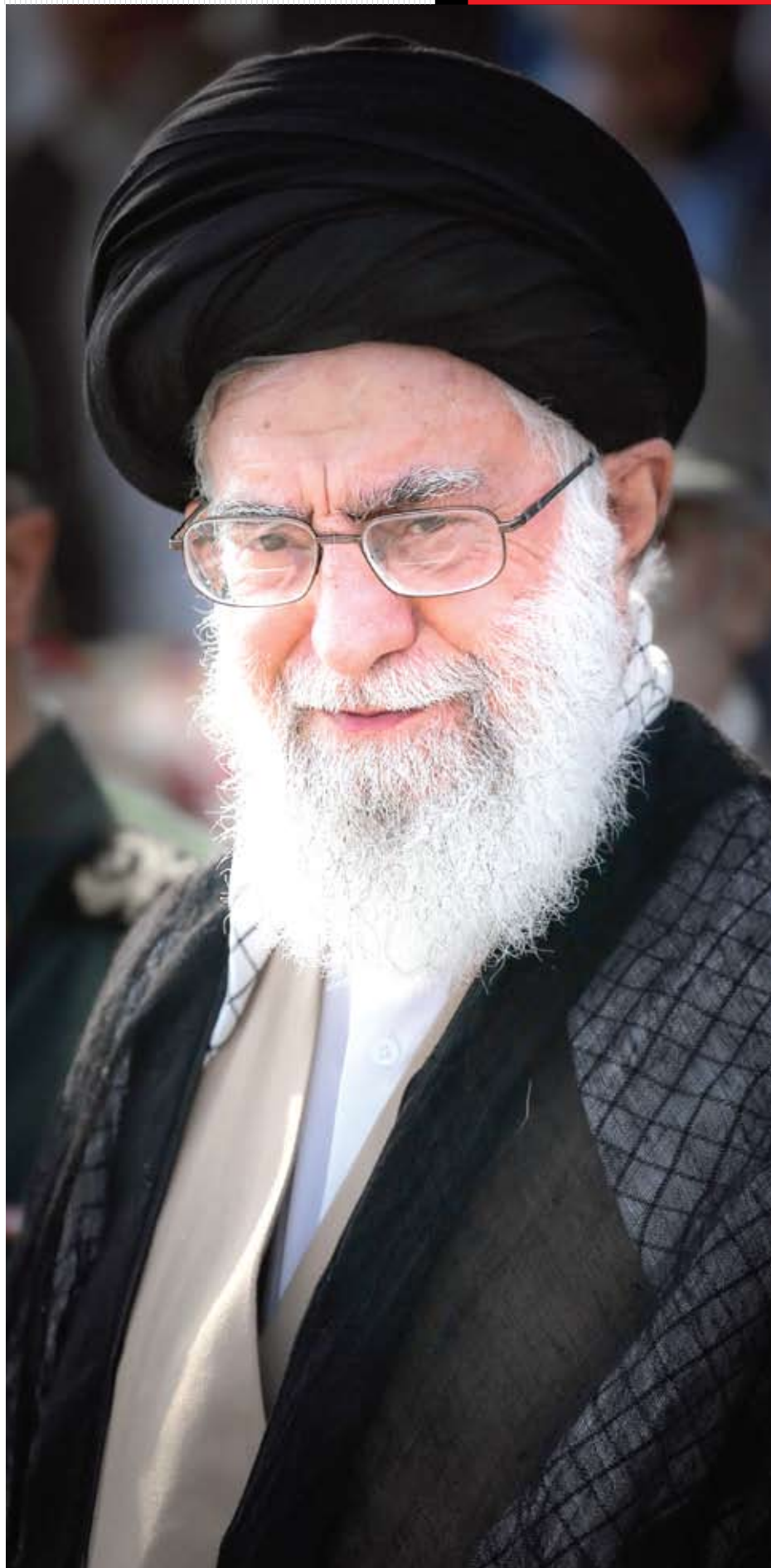
بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهارهزار شهید استان گلستان -
۱۳۹۵/۰۹/۱۵

▲ حرکت فرهنگی باید عاقلانه باشد!

اگر بر اثر جو زندگی برویم سراغ مثلاً فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، این خلاف یک حرکت فرهنگی عاقلانه است.

[در زمینه‌ی فرهنگ] راه صحیح این است که برنامه ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش‌های خوب، و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پد آفند.

مادر زمینه‌ی فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل می‌کنیم، هم در مورد پد آفند ضعیف عمل می‌کنیم؛ به نظر من بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعاً به آن بپردازیم. محصولات فرهنگی، کتاب، سینما، تئاتر، شعر، مطبوعات و نیز شخصیت‌های فرهنگی؛ فرض کنید که یک شخصیت فرهنگی هست که همه‌ی عمر خودش را در راه انقلاب گذاشته، یک شخصیت فرهنگی هم هست که هر وقت توانسته به انقلاب نیش زده؛ شما رفتارشان با این دو نفر چه جور است؟ شما که مسئول دولتی هستید یا مسئول فرهنگی هستید یا مسئول وزارت مثلاً ارشاد هستید یا وزارت علوم هستید یا سازمان تبلیغات اسلامی هستید - فقط مخصوص کارهای دولتی نیست، دیگران



حمایت از مجموعه های خودجوش مردمی در عرصه فرهنگی

مجموعه های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می کنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه ای خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می کنند، خودشان فکرمی کنند، خودشان تلاش می کنند و کار فرهنگی می کنند - روز به روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگ اند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه مسلمان ها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچه های انقلابی، به روی بچه های حزب اللهی باز کنند؛ این ها می توانند کار کنند و دارند کار می کنند؛ کارهای فرهنگی بارزتری دارد انجام می گیرد. در همه ی زمینه ها جوانان انقلابی ما می توانند تلاش کنند، کار کنند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

کار فرهنگی در دانشگاه یعنی...
کار فرهنگی دانشگاه باید این جوری باشد که افرادی مؤمن، متخلق - با اخلاق خوب - انقلابی تربیت کند.

جوانی که تربیت میشود در کار فرهنگی، باید به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشته باشد به استقلال کشورش؛ مؤمن به مبانی انقلاب و نظام، مؤمن به فرهنگ اسلامی، خوش بین، خوش روحیه. کار فرهنگی این است.

بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه ها، پژوهشگاه ها، مراکز رشد و پارک های علم و فناوری - ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

فرهنگ باید مدیریت شود

رها سازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد؛ یعنی مراقبت بشود آنچه اصل است، این است که مبانی انقلاب و مبانی استقلال کشور امام و مانند این ها باید محفوظ باشد.
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

هم همین جور هستند - یاصداوسیما، رفتار شما و برخورد شما با این دو آدم چه جور است؟ این خیلی مهم است. آن کسی که عمرش را در خدمت انقلاب و در خدمت دین بوده، آیا این [طور] است که مورد تکریم و ترجیح شما باشد، نسبت به آن کسی که در همه ی عمرش حالا یک قدم [هم] در راه دین و انقلاب که برنداشته، گاهی اوقات ضربه هم زده، نیش هم زده؟ خب، اینها مهم است، این هانکاتی است که باید به آنها توجه داشت. ما اگر به این نکات توجه نکنیم و بر اثر جو زدگی برویم سراغ مثلاً فرض کنید که فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، خب این خلاف یک حرکت فرهنگی عاقلانه است. بنابراین من، هم معتمد روحیه ی آزاد اندیشی وجود داشته باشد، [هم] برنامه ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی برنامه گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش های خوب، و جلوی ضربه ها و حملات و مانند این ها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پد آفند.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

کار فرهنگی در دانشگاه، اصل است

کار فرهنگی در دانشگاه، اصل است؛ یک کار فوق برنامه، یک کار حاشیه ای نیست؛ به کار فرهنگی اهمیت باید داده بشود. البته معنای کار فرهنگی کنسرت آوردن در دانشگاه یا مثلاً فرض کنید که حرکات موزون در دانشگاه نیست؛ اینها کار فرهنگی نیست، اینها کار ضد فرهنگی است. کار فرهنگی یعنی کاری که ذهن ها را با فرهنگ انقلاب و فرهنگ اسلام آشنا کند؛ این کار فرهنگی است. مسئولان میدان را برای دانشجویهای ارزشی و برای استادان ارزشی باز کنند؛ بگذارند استادان ارزشی و دانشجوی ارزشی، به معنای واقعی کلمه در محیط دانشگاه تنفس کنند.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها -

۱۳۹۵/۰۳/۲۹





باتوجه به حمله‌های ضد فرهنگی دشمن اتخاذ سیاست‌های بازدارنده و تاب آوردن رهبر معظم انقلاب و مسئولان فرهنگی کشور بوده است. پدافند غیرعامل به مجموعه اقدامات غیر مسلحانه‌ای گفته می‌شود که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن

عمومی موضوعیت پیدامی‌کند که برای جلوگیری از این اقدام شوم دشمن، اطلاع‌رسانی به موقع و درست به مردم و روشن‌گری‌های خاص می‌تواند از میزان تاثیرمباران فرهنگی و خبری دشمن در جنگ نرم جلوگیری کند. نکته حائز اهمیت در مورد پدافند غیرعامل این است که اقدامات در این حوزه، قبل از خطر انجام می‌گیرد تا موجب کاهش آسیب‌پذیری در زمان وقوع یک بحران شود و کاملاروشن است که این یعنی برنامه‌ریزی دقیق و جامع بر اساس بررسی کلیه شرایط با یکاگرگیری نیروهای متخصص. بر این مبنای ضرورت داشتن برنامه دفاع غیرعامل

- وضعیت آسیب دیدگان
- پایدار نمودن مردم به زندگی جمعی و ترغیب روحیه ملی
- ایجاد انسجام اجتماعی
- عدم بزرگ‌نمایی مشکلات و حوادث
- تداوم برنامه اطلاع‌رسانی و ارتباط با مردم
- فعالیت اطلاع‌رسانی قبل از وقوع تهدید و بحران
- ارتباط مستقیم با مردم و مسئولین و انتقال نظرات طرفین برای کاهش مشکلات
- تهیه طرح تهدیدنمونه‌ومثالی در رسانه‌ها، آمادگی برنامه دفاع غیرعامل را افزایش می‌دهد.

مروری بر اهداف و سیاست‌های پدافند غیرعامل فرهنگی

می‌شود. در تعریفی دیگر پدافند غیرعامل، تمهیداتی است که در زمان صلح صورت می‌گیرد. امروزه مردم نیازمند خدمات متفاوتی بوده و نیز به دنبال محیطی آرام و قابل سکونت درون شهرها با آسایش هستند و عمده‌ترین هدف پدافند غیرعامل، ایمن‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های مورد نیاز مردم است که باید با یک برنامه ریزی و طراحی در توسعه پایدار کشور نهادینه شود. برای اصلاح زیرساخت‌های فعلی راهکارهایی با مهندسی مجدد الزامی است. پدافند غیرعامل به دو بخش پدافند سخت و پدافند نرم تقسیم می‌شود. در پدافند سخت اقدامات سخت‌افزاری مثل اقدامات مهندسی، پیشگیری، پیش‌بینی و کاهش مخاطرات و در پدافند نرم استفاده از تاکتیک‌هایی است که مشتمل بر برنامه‌ریزی و آماده‌سازی سیستم و سازمانهاست. پدافند غیرعامل خود به خود باعث افزایش روحیه عمومی شده و در مقابل هزینه‌های زیادی به دشمن تحمیل می‌کند بنابراین هزینه‌های کمتری نسبت به دفاع عامل دارد.

در حوزه هنر و رسانه‌های گروهی، امری ضروری است. چنین برنامه‌ای با آموزش دست‌اندرکاران و کارکنان حوزه فرهنگ و رسانه تکمیل می‌شود. همراهی با مردم و خدمت به کشور در موقعیت‌های بحرانی و تهدید علیه امنیت ملی از جمله ضرورت‌های این برنامه‌ریزی است. همچنین تنظیم دستورالعمل‌ها برای شرایط تهدید و بحران و روشن بودن وضعیت هر یک از حوزه‌ها امری ضروری می‌باشد. در بحران‌ها، رسانه‌ها ابتکار عمل را در دست می‌گیرند و مردم و مسئولین پیش از گذشته نیازشان به رسانه‌ها افزایش می‌یابد لذا برنامه دفاع غیرعامل در رسانه‌ها به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای بالایی نیاز دارد. در شرایط تهدید، نظم اجتماعی کاسته شده و عدم ارتباط مناسب افراد و کاسته شدن کارایی نهادها و سردرگمی‌های مختلف موجب می‌شود هیچ چیز در جای خود قرار نداشته باشد اما داشتن برنامه پیش‌بینی قبلی، لازم نیست آزمون و خطاهای متعدد صورت گیرد. شیوه‌داره رسانه‌ها در شرایط بحران و تهدید از تجربیات زیادی بهره‌مند است و بصورت شناخته شده‌ای در جهان مورد توجه قرار دارد. رسانه‌ها در شرایط بحران به طرق زیر می‌توانند عمل نمایند:

- سازماندهی گروه‌های خبری و اطلاع‌رسانی برای شرایط بحران به هر حال در جنگ‌های جدید، بدون زیرساخت‌های رسانه‌ای پایدار، ایمن و آزمایش شده، قادر به اداره جامعه نخواهیم بود. امروزه رسانه در حکم یک سلاح عملیاتی و دفاعی است و تضمین پایداری آن در شرایط بحرانی نکته بسیار بااهمیتی است و فقدان آن می‌تواند راهبردهای عملیات روانی دشمن علیه مردم و دولت را تسهیل و عملی سازد. امروزه دفاع از یک کشور به تقویت حوزه رسانه و ایمنی و پایداری آن بستگی دارد و اگر این بخش سرنوشته ساز نتواند در شرایط تهدید به درستی عمل کند آسیب‌ها و تبعات منفی و جدی بر آن کشور وارد خواهد شد. به عنوان مثال اگر در زمان بروز بحران، رسانه ملی یک کشور نتواند جلسه دولت یا چهره رئیس جمهور را به مردم نشان بدهد یا نتواند به عملیات روانی دشمن پاسخ مناسب بدهد در این صورت ممکن است شایعاتی بین مردم قوت بگیرد و آرامش و اطمینان آن‌ها را سلب نماید. بنابراین وجود سند راهبردی پدافند فرهنگی رسانه‌ای برای کشور لازم و ضروری است. همچنین امروزه، زندگی در جوامع مختلف آمیخته با فرهنگ و ابعاد وسیع آن است یعنی فرهنگ در تمامی ابعاد زندگی بشر، حضوری همیشگی و تأثیری عمیق دارد. "حوزه فرهنگ"
- انتشار دستورات عملی و اطلاعات مرتبط با آمادگی مردم برای رویارویی با تهدیدات و بحران‌های پیش‌آمده
- آموزش عمومی برای مقابله با تهدیدات و بحران‌ها
- انتشار اطلاعات صحیح درباره شدت و میزان رویداد و کاهش اضطراب و افزایش آرامش فکری مردم
- حمایت از اقدامات دولت و دولتمردان به منظور ایجاد وفاق اجتماعی
- تسریع در عملیات نجات و رسیدگی به



در شرایطی که دشمن با استفاده از ماهواره‌ها و فضا‌های مجازی بدون مانع مشغول شایعه‌پراکنی و ارسال اخبار نادرست برای رسیدن به آمل و آرزوهای خود که همان به انحطاط کشاندن جوانان و فروپاشی خانواده‌ها برای دستیابی به منابع ملی کشور است در این شرایط پدافند غیرعامل برای کاهش تلفات نیروهای غیررزمی و حفاظت از افکار

مورد نظر پژوهشگران در این تحقیق طبق سند مهندسی فرهنگی کشور، نظام واره‌ای است از "عقاید و باورهای اساسی"، "ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها" و "مصنوعات"، که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.

فرهنگ در عین حال که بستر علائق و فهم مشترک است، محملی برای روابط بین ذهنی و تولید فکری انسان، جهت‌یابی، تنظیم و هماهنگی اعمال و مناسبات او در جامعه است. فرهنگ والاترین عنصری است که هویت و موجودیت هر جامعه‌ای را تشکیل داده و سرنوشته آن را رقم می‌زند. امروزه، جوامع به فضایی وارد شده‌اند که هرگونه فعالیت در این فضا مستلزم برنامه‌ریزی و توجه جدی به فرهنگ و خرده فرهنگ‌های مربوط به آن است. یعنی هر یک از جوامع برای هر گونه تغییر و تحول و رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف باید از مسیر فرهنگ و تغییر و تحول و رشد

و توسعه آن عبور کنند. در واقع همه نهادها و سازمان‌های جامعه باید مبتنی بر یک رویکرد سیستمی و واحد بر پایه چشم‌انداز فرهنگی کشور و مبانی و اصول بنیادی و ارزشی نسبت به این تغییر و تحول اقدام نمایند که طبعاً این وضعیت مستلزم برنامه‌ریزی و طراحی یک نقشه جامع فرهنگی است. نقشه‌ای که مبتنی بر فرهنگ و ماهیت و کارکرد آن و هماهنگی با مبانی و استاد بالادستی بوده و در برگیرنده مجموعه‌ای جامع، پویا و آینده‌نگر باشد. افزون بر این، ضمن تبیین اصول و مبانی سیاست‌ها، اهداف، و الزامات مورد نیاز، بتواند تغییر و تحول و دستیابی

به رشد و تکامل مسیر صحیح راهبردها ساختار ارزشی، چشم‌انداز، راهبردها ساختار مسیر صحیح به رشد و تکامل

ساز و کارهای لازم، ضعف در تخصص مورد نیاز و... عملی نگردیده و پیامدهای متعددی را نیز بدنبال داشته است. طبعاً طراحی و تدوین سند راهبردی جامع پدافند غیرعامل فرهنگی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه همین احساس نیاز و بر اساس مبانی و اسناد بالادستی مورد توجه قرار گرفته است که تدوین آن بسیار ضروری می‌باشد. ابعاد مختلف مسائل پدافند غیرعامل فرهنگی و رسانه‌ای مورد توجه در این پژوهش به شرح ذیل است:

- هدایت، راهبری و هماهنگی فرماندهی برنامه‌ها و فعالیت‌های حوزه فرهنگ و هنر و رسانه مبتنی بر اجرائی کردن گام دوم انقلاب بر اساس سند
- شناسایی، ارزش‌گذاری سرمایه‌ها و دارایی‌های فرهنگی - هنری کشور در چارچوب اسناد بالادستی فرهنگ
- بررسی علل آسیب و چالش‌های فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام فرهنگی کشور
- توسعه و تعمیق آموزش‌های پدافند غیرعامل با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای
- نهادینه سازی اصول، الزامات و ملاحظات پدافند غیرعامل در برنامه و پروژه‌های توسعه فرهنگ و هنر و رسانه‌ای کشور
- رصد، پایش، تشخیص و هشدار تهدیدات، ارتقای هوشمندانه و توانمندسازی ظرفیت‌های موجود
- استفاده حداکثری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هنرمندان، انجمن‌ها، سرمایه‌گذاران و اصحاب فرهنگ و هنر در نهادینه سازی فرهنگ پدافند غیرعامل
- ایمن‌سازی، پایداری زیرساخت‌ها و دارایی‌های فرهنگی و هنری کشور در برابر آسیب‌های احتمالی
- جلب مشارکت مردمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی حوزه فرهنگ و هنر
- گفتمان‌سازی پدافند غیرعامل در جامعه فرهنگی و هنری و رسانه‌ای کشور به منظور صیانت از سرمایه‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی
- تقویت قدرت دیپلماسی رسانه‌ای، تاب‌آوری و ایجاد زمینه صدور فرهنگ در راستای خنثی‌سازی تهدیدات و سناریوهای ناتوی فرهنگی دشمن
- ساماندهی و راهبری دیپلماسی نظام مدیریت فرهنگی و هنری و رسانه‌ای در برابر آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های نوین در فضای سایبری
- تربیت مدیران فرهنگی و نیروی انسانی مجرب با رویکرد دفاعی
- پایدار، ایمن و مقاوم سازی زیرساخت‌های اصلی اطلاع‌رسانی ملی در برابر تهدیدات
- آموزش، تمرین، مانور و تولید آمادگی‌های مستمر در ساختار دفاع فرهنگی کشور

فرهنگی را بر پایه مبانی ایرانی اسلامی نشان دهد. بدیهی است که تدوین چنین نقشه‌ای برای هر یک از وزارت‌خانه‌ها با توجه به نقشی که در توسعه مبانی فکری و ارزشی و آموزش مهارت‌های رفتاری دارند، از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد. نقشه‌ای که تاکنون به دلایل مختلف همچون نبود احساس نیاز از سوی مدیران و نداشتن دغدغه جدی در این خصوص، فراهم نبودن





۱۳۵۷

انقلاب اسلامی

توقف تهاجم فرهنگی

انقلاب اسلامی که آمد
مثل منش به سینه مهاجم خورد



ناتوی فرهنگی و هجوم رسانه‌ای



غارت منابع نظری و معنوی



شیخون و قتل عام فرهنگی



ایجاد جبهه جدید فرهنگی



شروع دوباره تهاجم فرهنگی

۱۳۸۸

یک ناتوی فرهنگی به وجود آورده‌اند مثلاً یک سر مایه‌دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل، طبق ادعای خودش که در مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخطوطه‌ها را ختم

۱۳۷۹

حکمت زورگویان آمریکایی بر غارت منابع نظری و معنوی و تهدید است کردن ملت ایران از این پشتوانه اقتدار خویش است

۱۳۷۸

افزایش رسانه‌های بیگانه معاند و پیمانان نیابتی آنها با اهداف براندازی نظام جمهوری اسلامی مشابه طرح فروپاشی شوروی

۱۳۶۷

بعد از جنگ، جبهه جدید فرهنگی معاند به شکل جدی مشغول کار شد

۱۳۶۲

تهاجم در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتمان‌های غلط و کج‌اندیشه شروع شد

تهاجم فرهنگی جدید



نقود فکری و فرهنگی

دشمن سعی میکند در زمینه‌های فرهنگی، از بویژه‌های رایج توفست این جامعه را بر یا نگه دارد اختلال و رخنه در آنها به وجود می‌آورد. میلیاردها خرج میکنند برای این مقصود این رخنه و نقود فرهنگی است

۱۳۹۵

۳۸ سال



تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بود، روشهای نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد.

۷۹/۱۱/۲۷

سید

بیش از ۱۵۰ سال تهاجم فرهنگی

«تهاجم فرهنگی» شبیخون فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... بخشی از کلیدواژه‌هایی هستند که رهبر انقلاب برای تبیین جزئیات و ظرافت‌های تهاجم فرهنگی دشمن تاکنون به کار برده‌اند. یکی از رویکردهای ایشان در پرداختن به موضوع تهاجم فرهنگی، بررسی روند تاریخی این هجوم بی‌رحمانه در ۲۰۰ سال اخیر بوده است. در این اینفوگرافیک آراء و نظرات رهبر انقلاب در این باره مرور شده است.

دوره قاجار
ورود
فرهنگی غرب

۱۲۱ سال



ترویج تقلید فرهنگی



تبلیغ فرهنگی



تحصیل فرهنگی



تحقیر فرهنگی



آغاز استعمار

۱۲۸۲ در دوران مشروطیت و بعد از آن، روشنفکران ما علیه فساد این فساد که اگر ایران بخواند پیشرفت کند باید از قریب مرتباً با غربی‌ها کامل بشود. این بهر تقدیر محض.

۱۲۷۸ به خاطر دوران قاجار نگاه کنید! ببینید چقدر کشش از اروپا به قصد مسیحی کردن مردم به این جا آمده‌اند! الله اعلم. مثل دکانی که به گاهدان می‌زند. نغمه‌ها برای ترویج مسیحیت باید به کار روند. آنها موفق نشدند.

۱۲۶۸ متأسفانه در ایران پادشاه قاجار که به فرهنگ غرب توجه شد آنچه که واقعا نشان تلقی، تعاض و تکامل فرهنگی بود در اوضاع با غرب انجام نگرفت؛ بلکه نوعی تحصیل فرهنگی رخ داد.

۱۲۶۸ من سفرنامه‌ی لیکونر (سیاستمدار انگلیسی) را می‌خوانم. دیدم در سال ۱۸۱۰ که او به ایران آمده برداشت او از فرهنگ و پیشرفت در ایران این است که باید به عنوان یک شاگرد آن چه را که در غرب هست درست بگیرد.

۱۱۷۸ جان جنکین، مأمور انگلیسی، اسما هندلی، اهل فرانسه و گران فیست برای رجال در ساری و سیاستمداران واد ایران شد و نلسون ویرانگر انگلیسی حکومتی ایتالی را به‌شدت در مشت گرفتند.

دوره پهلوی
دوران
خودباختگی

۵۸ سال



تشدید
تقلید فرهنگی



فرهنگ و ایمان زدایی
غیرت‌زدایی



تحقیر فرهنگ و
اعتقادات ملت ایران



حذف دین و
علمای دین



ترویج فساد
و ابتدال

۱۲۹۹ کسانی که رئیس‌جمهور پهلوی را روزگار آوردند هیچ کدام از شاخصه‌های ملت را حاضر نبودند. تحصیل کنند. ببینید خودباختگی تا کجا.

۱۲۹۴ در دوره‌ی حکومت سید پهلوی با باورهای مذهب و معنوی و نیروبخش به جامعه، ایمان و اعتقادات، را از مردم به تدریج بیرون کشیدند و غیرت‌زدایی و ایمان‌زدایی کردند.

۱۲۹۹ رژیم پهلوی ایمان و فرهنگ و اعتقادات ملت ایران را به تفسیر گرفته و با تحقیر آن و ترویج تعصبی فرهنگ غربی به مبارزاتی جدی با خودباختگی و اعتقاد به نفس این ملت بزرگ گمر بسته بود.

۱۲۹۹ استعمارگران در ایران دین را از محیط دانشگاه حذف کردند. راه پیدا کردن این سلفه این بود که دین را حذف کنند. اهل دین و علمای دین را حذف کنند یا اگر به کل از بین نمی‌بردند آن را به صورت‌های بی‌جانی تبدیل کنند.

۱۲۹۷ دست‌گذاشتن آن روز می‌داشتند که مراکز معنوی را گوداره به شهوات و فساد کنند این کار اعتقاد و طبعاً برده‌امیزی انجام می‌شد.



قانون استعماری «کشف حجاب» اگر چه با نام رضاخان پهلوی شناخته شده، اما واقعیت آن است که او چه در آینده و فکر چه در اجرا اقدام تنهانی نبوده است. مجموعه‌ای از چهره‌های فرهنگی استعماری، او را به این راه راهنمایی کرده و در ادامه، راهش را هموار کردند. رهبر انقلاب در بیانات خود پس از بازدید از نمایشگاه «حماسه گورهای شاه» فرمودند: «شخصیت‌های فرهنگی معروف زمان رضاشاه، مثلاً علی‌اصغر حکمت در قضیه کشف حجاب نقش ایفا کردند، نقش استعماری ایفا کردند، یعنی آن پشت جبهه‌ی حقیقی رضاشاه اینها بودند. رضاشاه تفنگ دستش بوده و اینها کسانی بوده‌اند که فکرمی ساختند و به رضاشاه جهت‌گیری می‌دادند که او تفنگ را کجا به کار ببرد.»

با نگاهی به تاریخ، روشنفکران و تجددخواهان در نسبت با روند مدرنیزاسیون رضاشاه، به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروهی از آن‌ها از این پروژه مدرن سازی با تمام توان

پشتیبانی کردند و رضاشاه را در هیئت پادشاهی تجدیدخواه که به عنوان یک موهبت تاریخی برای اجرای آرمان ایران مدرن وارد حیات سیاسی و اجتماعی ایران شده، ستودند. این گروه تا بر عهده گرفتن مناصب گوناگون حکومت پیش رفتند و از هیچ همراهی‌ای چه در مقام اجرا و چه در مقام تئوری پردازی دریغ نکردند. به این ترتیب «طبقه‌ی متوسط جدید» و به ویژه بخش روشنفکری آن یکی از عناصر و ارکان دولت مدرن و بوروکراتیکی را تشکیل داده‌اند که در قرن بیستم در ایران کم‌وبیش استقرار یافت. «این دسته از منورالافکران بر این باور بودند که این اقبال بلند، بهترین فرصت است تا با کمک قدرت قاهره‌ی دولت، تجدید را اگر چه نه به وجه کامل اما تا جای ممکن و به تدریج در فرهنگ و اندیشه‌ی جامعه‌ی ایرانی رسوخ داد. در فضای سیاسی کشور، «حزب تجدید»، هم از حامیان و بانیان انتقال سلطنت به خاندان نوساخته‌ی پهلوی بود، و هم مجموعه‌ای از چهره‌های تجدیدخواه را گرد هم آورده بود که مطابق با ریشه‌ها در بودن مذهب در جامعه‌ی ایرانی، به

روشنفکر شاخصی که در این ماجرا نقشی پررنگ و اجرایی دارد، علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت در کابینه‌ی محمود جم است. او به دستور رضاشاه، مسئول تأمین مقدمات قانون کشف حجاب شد. حکمت، در خاطره‌نگاری این واقعه، ضمن آنکه کلیت اقدامات رضاشاه در حوزه‌ی زنان را با عنوان «برکات و سعادت پرده‌کشایی زنان ایران» می‌ستاید، این چنین شرح می‌دهد که روزی شاه پهلوی از او خواست بر خلاف تعلل کفیل پیشین وزارت معارف، در اسرع وقت مقدمات کشف حجاب را فراهم کند. حکمت می‌نویسد که در پاسخ به این دستور ملوکانه، با ارائه‌ی تأییدی حکمی - فلسفی گفته است: «این رسم نه تنها برخلاف تمدن است بلکه برخلاف قانون طبیعت است زیرا که در دنیا هیچ دو جنس مذکور و ناث در نباتات و حیوانات خلق نشده که جنس ماده از جنس نروری خود را پنهان کند...» برای همین امر، حکمت در جایگاه کفیل وزارت معارف، مقدمات و مراسمی را تدارک دید تا زنان ایرانی را به مرتبه‌ی نباتات و حیوانات ارتقا دهد تا بیش از

گزارشی درباره همکاری و هم

قلم روشنفکران؛ پشت



این نتیجه رسیده بودند که «اصلاحات را نه با توسل به توده‌ها بلکه باید از طریق اتحاد بانخبگان قدرت-ترجیحاً با مرد قدرتمندی مانند رضاخان-ممکن سازند». یک تحلیل جامعه‌شناسانه نشان می‌دهد که افراد شاخص حزب تجدید، از مؤمنین درجه یک آرمان‌های مدرن والیتبه مذهب گریز بودند. گروه دومی از متجددان هم بودند که اگر چه اصل و محتوای اقدامات رضاشاه را پذیرفته بودند ولی پسندیدند، اما به دلیل فضای اختناق و خودکامگی حاکم بر حکومت و شخصیت او، مدرنیزاسیون رضاخانی را ناقص و نه‌اینها نوعی از «دیکتاتوری روشنگر» و «استبداد منور» تلقی می‌کردند. این جنس روشنفکران، صرف تغییرات فرهنگی را کافی نمی‌دانستند و انتظار داشتند که مدرنیزاسیون سیاسی مانند آزادی و حقوق اجتماعی افراد هم به رسمیت شناخته شود. از این رو بعضی از آن‌ها با از همان نخست و بپای از گذشت چندی از حکومت پهلوی اول، خود را از حمایت رضاشاه عزل کردند و حتی به قیمت جان نیز حاضر به همراهی با او نشدند.

با همه‌ی این‌ها، چنانچه گفته شد هر دو گروه در یک نقطه به یکدیگر می‌رسیدند که آن هم عبارت بود از «ایمان به آرمان تجدید و تأیید روند مدرنیزاسیون ضد مذهب در ایران». تحلیل تاریخی روشنفکری متأخرترین تصریح دارد که «رضاشاه نه یک ضد قهرمان، که ادامه‌دهنده‌ی انقلاب مشروطه و برآورنده‌ی بسیاری خواست‌های بر زمین مانده‌ی مشروطه خواهان صدر اول-البته به جز مسئله‌ی آزادی-بود.» در ادامه به برخی نمونه‌های همکاری و همفکری روشنفکران و حکومت پهلوی اشاره می‌شود:

▲ علی‌اصغر حکمت؛ عامل مباشر اجرای قانون کشف حجاب یکی از جلوه‌های همراهی و همفکری جریان روشنفکری با رضاشاه، مسئله‌ی حجاب بود. کشف حجاب فرهنگی و سپس دولتی، روندی بود که بر اساس انگاره‌های روشنفکری از ترقی در غرب، با کمک ماشین زور رضاخانی محقق شد.

این خلاف تمدن و طبیعت عمل نکنند! نخستین مراسم در تیرماه ۱۳۱۳ برگزار شد که زنان روشنفکر و تحصیلکرده‌ای چون صدیقه دولت‌آبادی، فاطمه سیاح، هاجر زبیب و عده‌ای دیگر، کشف حجاب کردند که حکمت برای آن‌ها «اجر جزیل» به خاطر این خدمت به «آزادی بانوان ایران» مسئلت می‌کند. مراسم کشف حجاب در همین حد توقف نکرد و در دیگر جشن‌هایی که وزارت معارف در کشور برپا می‌کرد، رقص و ورزش‌های موزون هم اضافه شد. این اقدامات از سوی محافل مذهبی و علما با اعتراض روبه‌رو شد که حکمت این اعتراضات را حرکتی «ارتجاعی» از سوی «مجامع محافظه‌کار» می‌خواند. حکمت، به صراحت می‌نویسد که در کنار این اقدامات «ماده‌ی دیگر برنامه آن بود که... یک سلسله مقالات به نظم و نثر در جراید منتشر گردید که همه به زبان پند و اندرز و انتقاد از عادت معمولی نقاب و حجاب سخن می‌گفتند.» او خود یکی از اشعار ایرج میرزا را که ابیاتی اهانت‌آمیز نسبت به حجاب اسلامی دارد، مثال می‌آورد. بنابراین یک برنامه‌ی جامع حکومتی و فرهنگی برای ترویج بی‌حجابی و مضرات پوشش در پیشرفت جامعه و زنان تدارک دیده شده بود.

اما اقدام و پیشنهاد نهایی حکمت به رضاشاه این بود که چون «الناس علی دین ملوکهم» پس شاهنشاه باید نماینده‌ی از زنان بی‌حجاب مقامات عالی مملکت ترتیب دهد تا ضربه‌ی نهایی وارد شود. رضاشاه پس از چند ماه تأخیر، در ففدهم دی ۱۳۱۴ «جلسه‌ی تاریخی رفع حجاب از زنان ایران» را در دانشسرای تهران برگزار کرد. جمع‌بندی رضاشاه از این مراسم این طور بود که «از امروز ملت ایران در صف ملل متمدن داخل شد؛ همیشه اروپاییان ما را به واسطه‌ی عادت‌ن‌ها به حجاب و وجه‌الت و بی‌سوادگی زنان مورد طعن و شماتت قرار می‌دادند ولی بحمدالله این عیب رفع شد...» پس از این رویداد بود که به علت حضوری حجاب بانوان دربار و سران مملکتی، به «کشف حجاب» رسمیت بخشیده شد و در نتیجه بلافاصله «بعضی از زن‌های معلوم الحال به کافه‌ها و اوقاف خانه‌ها

هجوم آورده و همه در مناظر جوانان بوالهوس به رقص پرداخته و آن جوانان به انواع رقص های معمول فرنگستان مشغول دست افشانی و پایکوبی شدند... و از طرف دیگر مأمورین شهربانی... به زنان بی خرم مزاحم شده و آن ها را به اجبار وادار به کشف حجاب می کردند...

سید حسن تقی زاده: غرب گرایی و استبداد منور
نمونه ی دیگر، سید حسن تقی زاده از منادیان غرب گرایی در تاریخ معاصر ایران است. نظرات منتشر شده از سوی او و همفکرانش در مجله ی «کاوه» صورت تجسم یافته ی یک غرب گرایی شدید و خالصانه است. تقی زاده که خود روزگاری رادیکس و روحانیت گذرانده بود، با کنار گذاشتن لباس آخوندی و به ویژه تحت تأثیر میرزا ملکم خان، یک تجدیدخواه دواتشه شده بود که اعتقاد داشت «ما طی هزاران سال گذشته تا امروز هیچ قدم چشمگیری در راه خدمات علمی برای بهبود بشریت برداشته ایم... کاوه می کوشد با سست نمودن بنیادهای این باور کاذب که

فکری روشنفکران بارضاخان

توانه سر نیزه رضاخان

«ایرانیان برترند»، آنان را به اقرار تهیدستی مطلقشان وادار دتا بتوانند متواضعانه در حوزه ی درس ذبیای تمدن و متجدد بنشینند و علم و آداب انسانیت را فراگیرند.»

نتیجه ی منطقی چنین نگاهی به «ایرانی» و «اروپایی»، آن بود که تقی زاده مبالغه آمیزترین و صلیبای غرب گرایی را در تاریخ معاصر ایران از خود به جای گذاشت. او معتقد بود تنها راه جبران عقب ماندگی و رسیدن به ترقی، پیش از هر چیز عبارت است از: «قبول و ترویج تمدن اروپا بلا شرط و قید، و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا (جزاز زبان) و کنار گذاشتن هر نوع خود پسنندی و ایرادات بی معنی که از معنی غلط وطن پرستی ناشی می شود... به سخن دیگر، ایران باید ظاهر و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بی». اما این دیدگاه ها، صرفاً به درج در نشریات و محافل روشنفکری محدود نماند. «این تجدید نظر طلبی اصحاب کاوه که خود از گردانندگان نهضت مشروطیت محسوب می شدند، تأثیر قطعی بر فضای فکری و سیاسی ایران آن روز بر جای نهاد و اندیشه ی حاکمیت متمرکز و مقتدر ملی را به مثابه آرمان بزرگ اجتماعی - سیاسی روشنفکران و سیاستمداران تجدید طلب مطرح ساخت.»

با کودتای ۱۲۹۹، بهترین مجری برای نظریه ی «قبول بلا شرط تمدن اروپایی» پیدا شد. رضاخان، متولی ایجاد استبداد شد و نور منور آن را هم تئوری پردازان غرب گرا از «عقاید علمی و تئورانی اروپا» به عاریه گرفتند و آوردند. تقی زاده و همفکرانش به این باور رسیده بودند که در نبود «مشروطه ی خوب»، «اداره ی استبدادی خوب، ترقی طلب و تمدن دوست که فرنگی ها آن را «استبداد منور» گویند»، تنها سبب حکومت «مفید و موافق صلاح» برای جامعه ی ایرانی است. به این ترتیب، اعمال هر نوع زور و اجبار و اتخاذ هر وسیله ای برای تحقق آرمان مدرنیتراسیون، توجیه خود را پیدا کرد. تقی زاده با «ارائه ی تصویری موحش از مردم و فرهنگ ایران» و «بالا بردن اروپا به عنوان غایت فضایل بشری» مقدمات لازم را فراهم کرد و رضاشاه با «ماشین

جنگی و اجبار دولتی» خود پس از مدت ها ضعف قوای مرکزی، قزاق خیر خواه روشنفکران شد.

به دنبال همین همفکری و همکاری دوجانبه بود که بعداً سید حسن تقی زاده مناصب مختلفی را در دوره ی حکومت رضاشاه تحویل گرفت. وزارت امور خارجه، استانداری خراسان، وزیر مختاری ایران در لندن، وزارت راه و وزارت دارایی، برخی از مهم ترین مشاغل تقی زاده در دوران سلطنت رضاشاه است. شاهکار عملگر او، تمهید و واگذاری امتیاز نفت به مدت ۶۰ سال دیگر به انگلیس ها بود که آن قدر برای او بدنامی به بار آورد که شاه پهلوی مجبور شد او را عزل و به سمت وزیر مختاری به پاریس بفرستد. در مقابل هم، تقی زاده افزون بر این خدمات دولتی و اجرایی، نقشی غیر قابل انکار در جهت دهی فکری و برنامه ریزی برای رضاشاه و استبداد منور او بازی کرد. روشنفکری متأخر ایران هم به روابط نزدیک رضاشاه و تقی زاده معترف است. یکی از همین روشنفکران روایت می کند که «رضاشاه یک پادشاه دیکتاتور بود و تقی زاده

یک شهروند آزادی خواه و وطن پرست؛ و وطن پرستی او تشخیص داده بود که کارهایی که رضاشاه می کرد، در راه خدمت به ایران بود برای ایران آن دوران جز با آن شیوه نمی شد کار مفید کرد. در نتیجه تقی زاده همیشه از رضاشاه با احترام صحبت می کرد.»

فروغی: ناسیونالیسم باستان گرایانه و مذهب گریز
باستان گرایی، ایدئولوژی ترویجی روشنفکران از چند سال پیش از روی کار آمدن رضاخان بود. این روند یادست یافتن به مطالعات مستشرقان از تاریخ ایران قبل از اسلام، از یک سو می خواست پرده از این مقطع ناشناخته ی تاریخ ایران بردارد و از سوی دیگر، آن را مبنایی برای تحول در جامعه ی ایرانی قرار دهد. تا پیش از این، شناخت ایرانیان از این دوران، محدود به روایات ادبی - اساطیری مانند شاهنامه و یاکتب تاریخی مسلمانان می شد. اما مطالعه ی مستشرقین بر آثار باستانی ایرانی و نیز آثار به جامانده از یونانیان در روایت تاریخ ایران قبل از اسلام، منابع جدیدی را در اختیار مورخان قرار داد. کتاب هایی مانند «تاریخ ایران باستان» نوشته ی حسن پیرنیا و «تاریخ ایران از ازل تاریخ تا کنون» به سبک این عصر و زمان، از محمد حسین فروغی، نمونه های شاخص این تاریخ نگاری روشنفکری از ایران قبل از اسلام بود. این میل به باستان گرایی و تعریف هویت ایرانیان با تکیه بر تاریخ قبل از اسلام و حتی آیین های باستانی، به یکی از ویژگی ها و شمایل روشنفکری دوران بدل شد.

ناسیونالیسم باستانی روشنفکران، از جایی به بعد تبدیل به ایدئولوژی مقوم آن حکومتی می شود که اولاً ریشه ی دودمانی قدرتمندی مانند قاجار و صفویه ندارد و ثانیاً برای آرمان مدرنیتراسیون، دنبال مشروعبینی غیر دینی است. در اینجاست که ماشینی توجیه گرو روشنفکری ایران، در خدمت ماشین اجبار و سرزبده ی رضاخان قرار می گیرد. روشنفکران برای این اتحاد هم عبارت بود از اینکه تنها راه ترقی ایران، غرب گرایی در سایه ی یک دولت مقتدر است: «یگانه چاره ای که تقریباً همه ی اندیشمندان ایران دوست برای درمان پریشانی یافتند، دورا به هم پیوسته و یک سویه

بود: ایرانیگری (ناسیونالیسم) در ایدئولوژی دولت نیرومند مرکزی در میدان عمل... نویسنده ی این عبارات، اذعان می کند که اگر چه دستاوردهای دوران اسلامی، دستاوردهای گران بهایی بود اما «ایران پیش از اسلام با سه امپراتوری بزرگ از سویی و آیین های زرتشتی، مهری و مانوی از سوی دیگر... برای ایرانیگری، تکیه گاه جوان پناهی آسیب ناپذیر می نمود». بنابراین، چه از بغض اسلام و چه برای مهر به ایران، تاریخ پرافتخار اسلامی کنار گذاشته شد و ایرانی، هویتی بیرون از این آیین الهی یافت. در یک نتیجه گیری عمومی، از این روایت که برخی معتقدند «در مسیر بازنگاری تاریخ، دویپدیده ی فرنگ ستایی و عرب ستیزی در برابر پردازی هویت ایرانی در قرن نوزدهم مؤثر بود.»

محمد علی (ذکاء الملک) فروغی یکی از مروجان مهم تفکر باستان گرایی و ایدئولوگ بزرگ پهلویسم بود. فروغی در مقاله ی «ایران را چرا باید دوست داشت»، ایران را مسای با ایرانیان باستان می گیرد و حتی آنجایی که از آیین ایرانیان صحبت می کند هم آیین های پیشین از اسلام را مطرح می کند: «کیش باستانی ما «ایرانی» و «درندگی» را مانند بیماری و تاریکی از آثار شیطان و اهریمن خوانده و ایجاد وسایل آبادی و روشنائی و تندرستی را مایه ی تقرب یزدان دانسته است». آنجایی هم که از دوره ی اسلامی، صرفاً تحت عنوان «زمان خلفای عباسی» یاد می کند، باز هم بایک نگاه ناسیونالیستی، همه ی شکوه و جلال و تمدن اسلامی را نه از اسلام که به صرف حضور ایرانیان در میان جامعه ی اسلامی مرتبط می کند و می نویسد: «همه کس تصدیق دارد که جلوه ی خوشی که مسلمین در آن دوره در علم و حکمت و سیاست و صنعت و غیره ها کرده اند، جزو اعظم آن به همت ایرانیان و از اثر وجود ایشان بوده است.»

فروغی چنین نگاهی به ایرانیگری را در خدمت رضاخان درمی آورد. او در نطق تاج گذاری رضاشاه، سخنان شگفت انگیزی درباره ی شاهان باستانی و اتصال بین شاه از راه رسیده ی پهلوی با آن ها ایراد می کند. فروغی با اعطای لقب «پادشاهی پاک زاد ایرانی نژاد»، به رضاخان میرپنج که تا دیروز خاطرهای جز چکمه پوشی از خود به جای نگذاشته بود، او را «وارث بدون شک تاج کی و تخت جم و احیا کننده ی ملک دولت» لقب داد که نسبتی به پیشدادیان و کورش و ائوشیوران می رسد. و در انتها نطق خود را با این شعر به پایان می رساند که: «تورا باد جاویده تخت و کلاه؛ که شایست تاجی و زیبای گاه... به این ترتیب بود که موجی از ترویج باستان گرایی و تبلیغ ایران قبل از اسلام، تا سرحد انتقاد از دوران اسلامی و ذکر خاطرات بد «حملة ی اعراب» به ایران آغاز شد.

سیاست های فرهنگی دولت رضاخان هم متناسب با همین ایدئولوژی برنامه ریزی شد. همان ابتدا، رضایالاتی، احتمالاً به سفارش ذکاء الملک فروغی، نام خانوادگی پهلوی را برای خود برگزید. رضاشاه با این کار، «پادشاهی و آیین کشورداریش را نظراً به ایران پیش از اسلام» پیوند داد. تأسیس فرهنگستان های گوناگون، پالایش لغات عربی از واژگان فارسی، ترویج تاریخ پیش از اسلام و آیین های مذهبی آن عصر، تغییر نام شهرها به نام های فارسی سره، در کنار موج مذهب ستیزی و انتقاد از آیین های اسلامی مانند عزاداری محرم، حجاب و... به عنوان سدی پیشرفت کشور و جامعه ی ایرانی، مجموعه ی این سیاست ها را تشکیل داد. بنابراین ریشه ی عقب ماندگی ها، «اسلام»، مبنای حرکت به سوی پیشرفت در «باستان گرایی» و غایت پیشرفت هم «اروپا و غرب» در نظر گرفته شد.

فروغی در قبال این خدمات فرهنگی، مناصب مختلفی را هم در دستگاه پهلوی به دست آورد. این مناصب که برخی از آن ها در سرنوشته سازترین لحظات تاریخ معاصر ایران به او سپرده شد، مانند رئیس الوزرابی در دوره ی رضاخان و نیز نخست وزیر در دوره ی انتقالی سلطنت به محمد رضا، بهترین فرصت را برای تحقق آرزوی مدرنیتراسیون در اختیار او قرار داد.





گفتگو با حجت الاسلام مهدی شیخ عضو کمیسیون فرهنگی مجلس دهم

شرط افزایش تاب آوری باور به «راه حل فرهنگی» است

فشار که از طرق غیرفرهنگی سعی در کنترل فرهنگ دارند، نه تنها تاب آوری فرهنگی ما را بالا نمی برد، بلکه فرهنگ عمومی را شکننده می کند.

می توانید بیشتر توضیح دهید؟

فرهنگ زاینده بینش ها و گرایش های مردم یک جامعه است. لذا برای شناسایی فرهنگ جامعه و ارکان آن که لازمه هر سیاستگذاری فرهنگی است، باید با دیدی صحیح وارد عرصه شد. در درجه اول باید مردم را بپذیریم. به این معنی که آنها را دسته بندی نکنیم. چون مردم به این اقدامات واکنش نشان می دهند. مسئله مهم بعدی این است که بین مردم تبعیض قائل نشویم. سومین نکته مهم، محترم شمردن حقوق فرهنگی مردم است. رعایت این موارد به نوعی پذیرش و احترام به مردم است. نکته مهم بعدی این است در شناخت ارکان فرهنگی جامعه، نباید به باورهای خود مراجعه کنیم. بلکه باید به جامعه، تاریخ، باورهای مردم که از باورهای کوچک بازاری گرفته تا باورهای اندیشمندانمان، از هر نحله ای که هستند، مراجعه کنیم. چون برآیند همه این ها فرهنگ جامعه است. اینطور نباشد که برای به دست آوردن ارکان فرهنگی جامعه، فقط به طرز فکر مذهبیون یا روشنفکران رجوع کنیم؛ به این دلیل که فقط طرز فکر آنها را قبول داریم. یا اینکه ملاک را فقط عصر حاضر قرار دهیم و به گذشته جاری کشورمان اهمیتی ندهیم. همه این نکات مداخله گر هستند. زمانی که این حالت پیش آمد، می توانیم یک دیالوگ سازنده و مثبت با مردممان داشته باشیم. تفاوتی هم ندارد که آن شخص چه کسی است. می تواند فردی باشد که کار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یا هر چیزی دیگری انجام می دهد یا سازمان، نهاد و نظام حکومتی باشد. توجه به این هاد مطالعات و برنامه ریزی های فرهنگی مهم است.

به نظر شما عدم وجود تاب آوری فرهنگی چه آسیب هایی به دنبال خواهد داشت و برای مقابله با آن چه راهبردی موثر خواهد بود؟

باید متذکر شد و توجه داشت که بواسطه غنای فرهنگ مان فرهنگ جامعه دارای تاب آوری خوبی است. اگر دقت کنید در طول تاریخ هیچ جریانی فرهنگی نتوانسته بر فرهنگ جامعه ما غلبه کند از مغول ها گرفته تا قبل و بعد آنها. برای مثال در زمان رژیم پهلوی، رضا شاه آمد و با حجاب که یک عنصر فرهنگی جامعه بود مبارزه کرد. با وجود اینکه همه امکانات قانونی، فرهنگی و رسانه ای را به خدمت گرفت و قوه قهریه را نیز به میان آورد و همچنین تمدن و فرهنگ جهانی نیز حامی گفتمان ضد حجاب او بود، اما نتوانست به این مسئله فرهنگی غلبه کند. این اتفاق تاب آوری فرهنگی کشور را نشان می دهد. تاب آوری فرهنگی کشور بالا است. متأسفانه گاهی اوقات برخی مسئولان درک صحیحی از واکنش های مردم ندارند، وقتی بخواهیم یک موضوعی، ولو درست را به مردم تحمیل کنیم، حتی اگر صحیح باشد مردم نخواهند پذیرفت. در این شرایط است که مشخص می شود عناصر فرهنگی جامعه را خوب نشناخته ایم. اگر بشناسیم دچار این دست اندازها نمی شویم و کارهای موازی نمی کنیم و هزینه های بی جا هم نمی دهیم. اینجا باید مسئله ای را نیز مورد توجه داشته باشیم و آن اینکه مسائل غیرفرهنگی نیز

این خود گویای این است که اساسی ترین راه مقابله با برخی از معضلات جامعه توجه و سیاست گذاری در این مقوله است.

به نظر شما توجه به چه مواردی در این سیاستگذاری ها (تاب آوری فرهنگی) دارای اهمیت بیشتری است؟

اگر می خواهیم تاب آوری فرهنگی مان زیاد باشد لازمه اش توجه به چند مسئله است. نخست اینکه ارکان فرهنگی جامعه را خوب بشناسیم، آنها را محترم بشماریم و تقویت کنیم. منظور از محترم شمردن این است که گاهی اوقات از دید ما آن فرهنگ در جامعه، فرهنگ سازنده، دینی و... نیست و آن را نمی پذیریم، در واقع به مذاق من نوعی سازگار نیست. در حالی که آنچه واقعیت جامعه است ملاک است. به همین دلیل باید اول آن را بپذیریم و بعد محترم بشمارم و دیدگاه خود را به جامعه عرضه کنم. در آن هنگام ممکن است جامعه بپذیرد یا نپذیرد. بنابراین باید ارکان فرهنگی جامعه را بشناسیم، محترم بشماریم و بعد از اینکه پذیرفتیم، آن موضوع خاص را تقویت کنیم. اگر هم مورد قبول ما نیست با اطلاع رسانی و فرهنگ سازی به مقابله با آن بپردازیم. اگر در سیاستگذاری هایمان به این مسائل توجه کنیم تاب آوری فرهنگی جامعه مان بالا می رود. به عبارت دیگر راه برخورد با مسائل فرهنگی، فرهنگی است و اگر مردم و حاکمان آموختند که راه حل امور فرهنگی، فرهنگی است، آن وقت تاب آوری فرهنگی آن جامعه بالا می رود؛ یعنی باب گفتگوی فرهنگی در امور فرهنگی میان اقشار و طبقات فرهنگی گشوده می شود و چنین گفت و گویی اگر نهادینه شود، تاب آوری جامعه را بالا می برد. پناه بردن به قانون، قوه قهریه و گروه های

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس دهم معتقد است هنگامی که مردم و حاکمان بیاموزند که راه حل امور فرهنگی، فرهنگی است، تاب آوری فرهنگی آن جامعه بالا می رود. در آن هنگام باب گفتگوی فرهنگی در موضوعات مختلف میان اقشار و طبقات فرهنگی گشوده می شود و چنین گفت و گویی در صورت نهادینه شدن، ارتقای تاب آوری جامعه را به دنبال خواهد داشت.

مشروح گفت و گوی خبرنگار ما با حجت الاسلام مهدی شیخ عضو کمیسیون فرهنگی دهمین دوره مجلس شورای اسلامی را در ادامه می خوانید.

تاکنون مفهوم تاب آوری در اکثر تفسیرها در چارچوب یک گفتمان دفاعی مطرح شده است. اما اخیراً مفهوم جدیدی تحت عنوان تاب آوری فرهنگی و وارد گفتمان فرهنگی کشور شده است. از نظر شما توجه به تاب آوری فرهنگی و مولفه های آن در تصمیم گیری های کلان کشور به ویژه در حوزه فرهنگی چه اهمیتی دارد؟

در مواجهه با معضلات جامعه وقتی می خواهیم به درمان یا پیشگیری آن بپردازیم، به این نکته می-رسیم که در برخی از فرهنگ ها معضلات خاصی یا وجود ندارند و با بسیار ضعیف هستند. از اینجا روشن می شود که فرهنگ ها هم مانند بدن انسان به طور خودکامی توانند با معضلاتی که آنها را تهدید می کنند، مبارزه کنند یا اینکه در مطالعات تاریخی با جوامعی مواجه می شویم که با طوفان های سهمگینی مواجه شده اند که آنها را تا مرز نابودی به پیش برده ولی پس از آن دوباره، حتی قوی تر از گذشته، سر پای خود ایستاده اند. می توان این حالت ها را تاب آوری فرهنگی در خرد و کلان نامید.





▶ تاب‌آوری فرهنگی اساسی‌ترین راه مقابله با برخی از معضلات جامعه است

▶ اگر مردم و حاکمان آموختند که راه حل امور فرهنگی، فرهنگی است، آن وقت تاب‌آوری فرهنگی آن جامعه بالا می‌رود

▶ برای شناسایی فرهنگ جامعه و ارکان آن که لازمه هر سیاست‌گذاری فرهنگی است، باید با دیدی صحیح وارد عرصه شد

▶ مسائل غیر فرهنگی مانند نوع رابطه و میزان رضایت مندی جامعه از حاکمان خود و میزان فقر اقتصادی در جامعه نیز در تاب‌آوری فرهنگی تاثیرگذار است

در تاب‌آوری فرهنگی تاثیرگذار هستند. مثلاً نوع رابطه و میزان رضایت مندی جامعه از حاکمان خود و میزان فقر اقتصادی در جامعه.

به عقیده صاحب‌نظران، آموزش عمومی و ارتقاء آمادگی‌های مردمی، سهم بسزایی در موضوعات تاب‌آوری فرهنگی دارند؛ این ظرفیت بالقوه چگونه بالفعل خواهد شد و کدام نهادها بیشترین سهم را در ارتقاء تاب‌آوری فرهنگی به خود اختصاص داده‌است؟

نکته اول این است که نهادهایی که متولی فرهنگ جامعه هستند، ارزیابی صحیح و کاملی از فرهنگ جامعه ندارند. وقتی ارزیابی مان از فرهنگ جامعه صحیح باشد، می‌توانیم برای آن برنامه‌ریزی کنیم. نهادهای متولی فرهنگ دوشکل دارند: نخست اینکه عناصر فرهنگی جامعه را به خوبی شناخته‌اند. برای مثال عناصر خاصی وجود دارد که نهادهای فرهنگی می‌خواهند آن را تقویت کنند، اما نه تنها تقویت نشده بلکه به مرور هم تضعیف شده‌است. اما جریان اتفاقات می‌افتد در حالی که همین‌ها موضوعاتی بوده‌اند که در برهه‌ای دیگر از تاریخ کشور خواسته‌اند عکس آن را عمل کنند و جامعه مقاومت کرده‌است. برای مثال حجاب را ببینید. تقویت حجاب در جامعه پیروسه فرهنگی و دغدغه بسیاری از نهادهای فرهنگی و اشخاص بوده‌است. کارهای بسیاری در این زمینه انجام شده اما چرا هنوز هیچ نتیجه‌ای نداده‌است. باید این چاره‌ها را پیدا کرد. باید جامعه را خوب بشناسیم و سنگ بنای غلط را اصلاح کنیم. قطعاً آموزش و فعالیت‌های فرهنگی در ارتقاء فرهنگی جامعه تاثیر دارد. هر چقدر فرهنگ ما ارتقاء پیدا کند این تاب‌آوری فرهنگی به طور طبیعی بیشتر می‌شود. اگر بخواهیم با عناصر فرهنگی جامعه تبعیض آمیز برخورد کنیم به طوری که به فرهنگ و مردم جامعه برخورد، باعث تضعیف فرهنگ و همان عنصری می‌شود که می‌خواهیم خارج از زوال فرهنگی تقویتش کنیم. منظور از خارج از زوال فرهنگی، استفاده از ابزارهای غیر فرهنگی است. در همین مسئله حجاب دقت کنید که ما خارج از ابزارهای فرهنگی، ابزارهای

دیگری در خدمت گرفتیم که حجاب را تقویت کنیم نتیجه آن برعکس شده‌است.

مهمترین آسیب‌های بخش فرهنگی ما که تاب‌آوری را نشان رفته‌است چیست؟

مسلم است در جامعه جهانی که زندگی می‌کنیم، مدنیت غرب بر همه مدنیت‌هایی که در حال حاضر در جهان است، غلبه دارد. البته منظور از این مدنیت اداره جامعه به شکل مدنی‌اش است که نظم اجتماعی تیلور آن است. در نظم اجتماعی پیشرفت‌های مادی، ساختارهای اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی که ما ضعف داریم، اگر دقت صحیحی به عناصر فرهنگی جامعه نداشته باشیم، قطعاً ضربه خواهیم خورد. مواجهه بایکسری از پدیده‌ها ناشی از این مسئله است؛ مثل مهاجرت جوانان از کشور. گاهی به دلیل یک مناسبات کاری افراد در سطح جهان در حال رفت و آمد هستند، اما اینکه عده‌ای احساس می‌کنند که در جامعه خود نمی‌توانند نفس بکشند و حتماً باید به جایی بروند که به هر قیمتی که شده نفس بکشند، همگی ناشی از آسیب‌های فرهنگی است.

در خصوص این آسیب‌ها بیشتر توضیح دهید؟
مادر کلان مسئله باد و آسیب مواجهیم یک آسیب که از

خارج از کشور نشات می‌گیرد و یکی هم در داخل. قبل از هر چیز متذکر شوم که مسائل فرهنگی را نمی‌توان کاملاً بطور خط‌کشی شده فرض کرد، چرا که بطور اعم، مسائل انسانی شاید متأثر از عوامل گوناگون و تعداد انسانها و در عین حال گره خورده در هم می‌باشند. آن بخش از آسیب‌ها که از خارج می‌باشد و اشاره‌ای هم به آن شده همان فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری است که خود حاصل دو رویکرد یکی اومانیزم و دیگری سرمایه‌داری است. آنچه عمده تهدید در اومانیزم است، خودخواهی متکی بر خواهش‌های نفسانی و آنچه عمده تهدید در رویکرد سرمایه‌داری است، مصرف‌گرایی همراه با تنوع‌طلبی و نوعی تکثرگرایی است که هر کدام از اینها معضلات خاصی را به دنبال داشته‌اند و آنچه تهدید داخلی است عدم توجه و اهتمام به فرهنگ و مسائل فرهنگی از جانب مسئولین و آشنفتگی در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از یک طرف و هزینه کردن عناصر فرهنگی جامعه برای اهداف سیاسی است که پرداختن به آسیب‌ها خود بحثی مفصل می‌طلبد.

با تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید
من هم سپاسگذارم





گفت‌وگو با عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

ترویج «خودباوری» راهبرد توسعه پدافند فرهنگی

ایرانی اسلامی بیگانه است، توضیح داد: میراث فرهنگی و آموزه‌های اسلامی باید در جامعه تعلیم داده شود که خوداتکایی بخش جدایی ناپذیر فرهنگ اسلامی است و همه مطالب در خصوص خودباوری به وفور در آیات و روایات ما تأکید شده است که این موارد می‌تواند در کتب درسی آموزش داده شود.

عضوهیئت علمی دانشگاه توجه به خلاقیت‌های حوزه فرهنگ را در افزایش تاب‌آوری جامعه مؤثر دانست و افزود: طبق روایات قرآن برای غلبه بر دشمنان و تبیین روحیه پدافندی در جامعه، باید خلاقیت داشت و چیزهایی خلق کرد که دشمنان از آن بترسند. اگر دشمن بداند تهاجمات فرهنگی او در برابر خلاقیت جامعه با شکست مواجه می‌شود هرگز به این زمینه ورود نمی‌کند. چه بسا که گاهی با اتکاب آموزه‌های دینی و توجه به خلاقیت‌های فرهنگی می‌توان در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان، هم‌پیروز شد و هم ضربه مهلکی به آن‌ها وارد کرد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تشریح کرد:

مدارس و دانشگاه‌های کشور حاکم بوده و همه راه‌ها به غرب منتهی می‌شود.

وی بایان اینکه تاب‌آوری علاوه بر روحیه دفاعی، مفهوم گسترده‌تری هم دارد، تصریح کرد: تاب‌آوری یعنی جامعه بتواند خود را در برابر تکانه‌های احتمالی حفظ کند و تاب‌آوری فرهنگی به مفهوم اعمال سیاست‌های تبیینی برای مقابله با هرگونه تهاجم فرهنگی است یعنی روحیه خودباوری و ما می‌توانیم به قدری در جامعه گسترده شده باشد که هیچ عامل بیرونی نتواند به فرهنگ و باور ایرانی لطمه بزند.

گلشنی در ادامه افزود: تاب‌آوری با تحمل کردن، متفاوت است و مفهوم جامع‌تری دارد چون در تاب‌آوری جامعه باید به روحیه خودباوری و خوداتکایی برسد و در قرآن هم به آن اشاره شده است که اگر واقعا ایمان و امید داشته باشید، عزتمند و سربلند می‌شوید پس خوداتکایی عزت می‌آورد.

رئیس اسبق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بایان اینکه دانش‌آموزان امروزی با فرهنگ

به اعتقاد عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهبرد همگانی شدن تاب‌آوری، توجه به رسانه و مطبوعات است. راهبرد این مسئله افزایش خودباوری ملی در سطح جامعه به خصوص میان جوانان است.

دکتر مهدی گلشنی نظریه پرداز ایرانی، پژوهشگر فلسفه علم، مترجم، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران است. او از برگزیدگان همایش چهره‌های ماندگار و برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است. «علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم» از جمله کتاب‌های مهم دکتر گلشنی است. وی در گفت‌وگو با خبرنگار مامی گوید: احساس خودباوری و خوداتکایی در همه زمینه‌های کشور آسیب دیده که یکی از علل اصلی آن، عدم توجه به مسائل فرهنگی است. در انتخابات ریاست جمهوری اخیر هم متأسفانه هیچ‌کدام از کاندیداها به دغدغه‌های فرهنگی اشاره نکردند در حالی که وضعیت فرهنگی کشور اصلاً مطلوب نیست، یک تفکر مغشوش در



فرهنگ نخبه فراری باید در جامعه اصلاح شود چون بسیاری از دانش‌آموزان نخبه کشور فقط به دنبال قبولی در دانشگاهی هستند که بتوانند زودتر در کالج‌های غربی پذیرش بگیرند و متأسفانه با غرور ملی و توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی بیگانه هستند.

وی به اهمیت حوزه فرهنگ در تصمیمات کلان کشور اشاره کرد و افزود: مسائل فرهنگی در جامعه اهمیت دوچندان دارد چون توجه به مفهوم تاب‌آوری فرهنگی به اقتصاددان نیز نقشه راه می‌دهد که برای تأمین استقلال کشور باید این مسیر را طی کنیم اما اگر به مسائل فرهنگی توجه نشود؛ تصمیمات کلان کشور هم با نگاه ظاهری اتخاذ می‌شود. تاب‌آوری یعنی با حفظ استقلال و غرور ملی، به نتیجه و فرجام کار دقت شود. متأسفانه در کشور ما به دغدغه‌های فرهنگی کم توجهی می‌شود که نتانیایه ۳ سال پیش اذعان می‌کند ایران از لحاظ قدرت دفاعی پیشرفت قابل توجهی داشته و با اسلحه نمی‌توان به این کشور حمله کرد اما مسائل فرهنگی راه نفوذ و غلبه بر ایران است.

گلشنی گفت: توجه به تاب‌آوری فرهنگی روی همه مسائل و تصمیمات ملی تأثیرگذار است و بی‌توجهی به مفهوم تاب‌آوری باعث شده در مسائل سیاسی نگاه به بیرون و خارج از مرزها بر ظرفیت‌های داخلی اولویت دارد و هنوز هم با وجود شکست در مذاکرات پیشین، بحث برجام و توافق مطرح می‌شود که اگر این تلاش در راستای خودباوری و تولید ملی شکل می‌گرفت تاکنون در خیلی از مسائل خودکفا شده بودیم.

وی راهبرد همگانی شدن تاب‌آوری را توجه به رسانه و مطبوعات دانست و افزود: راهبرد این مسئله افزایش خودباوری ملی در سطح جامعه به خصوص میان جوانان است و می‌توان در رسانه ملی برنامه‌های ویژه تهیه کرد که کشورهای پیشرفته دنیا چه راهی را رفتند و با تلفیق این تجربه‌ها با فرهنگ بومی و اسلامی، روحیه خودباوری و فرهنگ تاب‌آوری را در جامعه توسعه داد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تشریح کرد: اگر فرهنگ درست شود، آسیب‌های اجتماعی به صورت خودکار کاهش می‌یابد چون فرهنگ یک مفهوم عام است و نهاد‌های فرهنگی برای شناخت تبیینی آسیب‌های اجتماعی باید به فرهنگ جامعه توجه کنند که فرهنگ صحیح، آسیب‌های اجتماعی را کنترل می‌کند آسیب‌های اجتماعی باید ریشه‌یابی شود و برای حل آن‌ها حتماً برنامه‌ریزی‌هایی مبتنی بر فرهنگ بومی صورت گیرد.

رئیس اسبق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: پدافند فرهنگی یعنی ذهن جامعه را مجهز کنیم که

“

یک تفکر مغشوش در مدارس و دانشگاه‌های کشور حاکم بوده و همه راه‌ها به غرب منتهی می‌شود

تاب‌آوری فرهنگی به مفهوم اعمال سیاست‌های تبیینی برای مقابله با هرگونه تهاجم فرهنگی است

دانش‌آموزی امروزی با فرهنگ ایرانی اسلامی بیگانه است

با اتکاب به آموزه‌های دینی و توجه به خلاقیت‌های فرهنگی می‌توان در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان، هم‌پیروز شد و هم‌ضربه مهلکی به آن‌ها وارد کرد

نتانیایه ۳ سال پیش اذعان می‌کند ایران از لحاظ قدرت دفاعی پیشرفت قابل توجهی داشته و با اسلحه نمی‌توان به این کشور حمله کرد اما مسائل فرهنگی راه نفوذ و غلبه بر ایران است

آسیب‌های اجتماعی باید ریشه‌یابی شود و برای حل آن‌ها حتماً برنامه‌ریزی‌هایی مبتنی بر فرهنگ بومی صورت گیرد



ما خودمان می‌توانیم همانطور که در مسائل دفاعی و هسته‌ای پیشرفت قابل توجهی داشتیم می‌توانیم همه مشکلات کشور را با خودباوری حل کنیم چون مطالعات فرهنگی می‌تواند جامعه را در مسیر درست قرار دهد و آسیب‌های اجتماعی را بصورت بنیادی شناسایی و مرتفع کند چون منشأ و راه‌حل آسیب‌های اجتماعی فرهنگی است و هرگز نمی‌توان آسیب اجتماعی مانند حجاب را با زور و فشار حل کرد. همانطور که سخنرانی‌های دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد تعداد بسیاری از بانوان آن زمان را چادری کرد؛ آسیب اجتماعی با لطافت فرهنگی کاهش می‌یابد.

گلشنی نقش آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت ارشاد را در حوزه فرهنگ مؤثر دانست و افزود: این ۳ وزارتخانه در حوزه فرهنگ باید در نقش‌آفرینی در مورد وظایف اصلی خود تجدید نظر کنند. چرا که در سیاست‌گذاری‌های خود هیچ‌نگاهی به مفهوم تاب‌آوری و خودباوری نداشتند. کتاب تخریب‌کننده‌ای که روی ذهن جوانان تأثیر می‌گذارد در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود. از این گونه کتاب‌های منفی و مخرب فراوان است مثلاً وقتی یک ملحد کتابی به زبان انگلیسی و عربی می‌نویسد در کشور ما ترجمه می‌شود اما پاسخ به شبهات این کتاب که در همان کشورهای غربی نگارش شده هرگز ترجمه نمی‌شود و این آسیبی است که کتاب می‌تواند به جامعه وارد کند.

وی تشریح کرد: به نظر من هیچ‌کدام از نهادها در ارتقای تاب‌آوری و توجه به پدافند فرهنگی وظیفه اصلی خود را انجام ندادند. برای فرهنگ اصیل اسلامی باید بر اساس مقتضیات زمانه برنامه‌ریزی شود حتی حوزه علمیه هم در حدی که لازم است به وظایف فرهنگی خود عمل نکرد و هوشیاری لازم را نداشت. زمان آیت‌الله بروجردی زمانی که مشخص شد کمونیسم در جامعه رواج پیدا کرده، حوزه علمیه بصورت بنیادین وریشه‌ای روی این مسئله کار کرد. الان نوع شبهات جامعه تغییر کرده اما راه‌حل‌هایی به مقتضیات زمانه برای آن‌ها معرفی نمی‌شود و همچنان به مسائل فرهنگی گذشته تاکید می‌شود در حالی که این هیچ‌نسبتی باتاب‌آوری ندارد. چون تاب‌آوری یعنی ایمن کردن جامعه از هجمه‌های کنونی و توجه به دغدغه‌های پیش‌رو که در این مفهوم برای حفظ جامعه از خطرات احتمالی باید آینده‌نگری کرده‌اند اینک فقط به عبور جامعه از تهاجمات فرهنگی در گذشته اشاره شود.

گلشنی آسیب‌های حوزه جوانان از جمله اشتغال، اعتیاد و ازدواج را بسیار مهم خواند و اشاره کرد: بی‌توجهی به این آسیب‌ها باعث شده دشمن تاب‌آوری فرهنگی جامعه را هدف قرار دهد و با رواج بی‌اعتدای و بی‌دینی جوانان را از فرهنگ اصیل اسلامی دور کند.



افکار عمومی و نقش مدیران فرهنگی در مواجهه با جنگ روانی

عقل اجتماعی سازش با مردم است، «بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به افکار عمومی قطعاً موجب ایجاد تشویش، نگرانی و حتی آتش افروزی می‌شود. با توجه به اهمیت افکار عمومی در کشورهای مختلف و از جمله ایران، به ویژه در سال‌های اخیر، مطالعه آن به عنوان یک مقوله مهم در جامعه‌شناسی، علم سیاست و مدیریت فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است و در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی به آن توجه می‌شود. چرا که یکی از پارامترهای مهم در مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی شناخت افکار عمومی است و امروزه گذار این شناخت منافع بسیاری نصیب بهره‌برداران می‌شود. از سوی دیگر امروز دلیل گسترش نفوذ رسانه‌ها و مطبوعات و تبلیغات به ویژه استفاده از رسانه‌های دیجیتال و بالا رفتن سطح سواد و اطلاعات مردم، مسئله افکار عمومی جدی‌تر به همین دلیل کار مدیران فرهنگی مشکل‌تر شده است. نقش مدیران فرهنگی در حوزه افکار عمومی هدایت افکار است. مدیران فرهنگی باید در افکار عمومی ایجاد موج کنند. موج آفرینی یعنی تأثیر در افکار عمومی و هدایت کردن آن. اگر افکار عمومی به خوبی توسط مدیران فرهنگی هدایت نشوند نمونه‌های منفی چون شایعه در جامعه زیاد می‌شود و چنانچه خوب خبررسانی نشود جو شایعه در جامعه تقویت می‌گردد. هرچه اخبار صحیح‌تر باشد تأثیر شایعه کمتر بوده و شایعات خنثی می‌شود. یکی از اهداف اصلی مدیران فرهنگی تأثیر در عقاید عمومی و متقاعد ساختن مردم در امری است که مورد نظر سازمان و جامعه باشد و این هنری است ظریف ولی کارساز که باید در برنامه‌ریزی مدیران فرهنگی نقش خود را به روشنی نشان دهد.

سعی در ایجاد تغییر فرهنگ‌ها در جهت منافع خود دارد. این مهم در کنار غفلت‌های غیر عمدی و تعمدی بخشی از مدیران در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی موجب پدید آمدن آسیب‌های جدی در حوزه فرهنگی برخی از کشورهای در حال توسعه شده است. یکی از وظایف اساسی مدیران فرهنگی، شناخت و سنجش افکار عمومی است. مدیر فرهنگی باید در ارتباط با مردم بازخوردها و عکس‌العمل‌های آنها را نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی شناسایی کرده و به برنامه‌ریزان و مجریان فرهنگی انتقال دهد. افکار عمومی در واقع قضاوتی است که مورد قبول عامه مردم است که در این قضاوت جنبه عاطفی از جنبه استدلالی آن بیشتر است. یعنی اگر افکار عمومی را ارزش‌گذاری می‌کنیم به این دلیل نیست که دارای پشتوانه عقلی و ادراکی است بلکه جنبه احساسی هم دارد و ممکن است افکار عمومی غلط هم باشد ولی این واقعیت است. در فقه اجماع یک نوع افکار عمومی تخصصی است و اجماع‌علی‌رغم این که ممکن است مطابق واقع نباشد حجیت دارد. حضرت علی (ع) بدلیل افکار عمومی سالیان طولانی خانه نشین شدند و قیام سال ۴۲ حضرت امام خمینی (ره) به دلیل اینکه افکار عمومی با امام هماهنگ نبود نتیجه نداد و امام تبعید شدند. امام صادق در روایتی می‌فرماید: «یک سوم خرد و

دکتر علی اسماعیلی

در دنیای متحول امروز عمدتاً به سه شکل می‌توان به زندگی و حیات اجتماعی ادامه داد. می‌شود مرعوب و مفعول امواج گسترده تحولات و ابعاد عظیم آن بود می‌توان بر این امواج سایه گسترده سرنوشت ساز سوار شد و نیز می‌توان موج آفرید و سایه آن را از خانه و محله و جامعه خود تا اقصی نقاط این دنیای بی‌مرز گسترانید.



با گسترش قدرت فرهنگی و رشد و توسعه آن در جهان، ماموریت دولت‌ها مشمول بذل عنایتی خاص و اعمال ظرافت‌های جدیدی شده به طوری که امروز فرهنگ دروازه‌ای برای فتح جهان و یک منبع قدرت به شمار می‌رود. کسانی که به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی می‌اندیشند باید بدانند که قلمرو و جوهره مسائل فرهنگی در محدوده ملی و فراملی متحول شده و مستلزم تحول در نگرش و رویکرد است. لذا این پرسش به وجود می‌آید که چه کسی و چگونه باید تحولات اساسی فرهنگ را به وجود آورد.

گفته می‌شود برای حل مشکلات نخست باید ابعاد گوناگون مسئله را به دقت مورد بررسی قرار داد زیرا در نگاه طبیب، آینده هرگز نباید تاریک باشد تنها کسی می‌تواند طبیب باشد که در نظر او یک درصد احتمال شفا پررنگ‌تر از ۹۹ درصد احتمال متقابل آن باشد. چرا که تا کسی به آن یک درصد دل نبندد طبابت نخواهد کرد. ناگزیر کسی طبیب است که امیدوار باشد و امیدوار کند و البته این منافاتی با تحذیر بیمار و توجه به واقعیت خطر ندارد. پس از هشدار به بیماری و چشم‌گشودن به واقعیت‌ها آنچه بر ذهن و دل پزشک حاکم می‌شود امید به بهبودی است هر چند احتمال آن بسیار کم است. اینجاست که تفاوت بین روشنفکر مثبت‌اندیش و روشنفکر منفی‌نگر مشخص می‌شود.

تلاش ما این است که بگوئیم بدون دانش فرهنگی اصیل، سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها نتیجه قابل توجهی نخواهد داشت. متخصصین مسائل فرهنگی اعتقاد دارند اگرچه فرهنگ‌ها بسیار قدرتمند و پرنفوذند و از شبکه به هم بیچیده و عظیمی از ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و بخصوص خصائل و معیارها تشکیل شده‌اند و شاید غیر قابل تغییر و اصلاح پنداشته شوند اما باید بدانیم که یکی از ویژگی‌های اصلی فرهنگ، صفت تحول و تغییرپذیری آن است و این موضوعی است که دنیای غرب در یکصد سال گذشته بر روی آن تمرکز کرده و با استفاده از شیوه‌های مختلف به ویژه عملیات روانی و با استفاده از ابزارها و وسایل رسانه‌ای در اختیار، با تمام قدرت،



جنگ شناختی (Cognitive War) یکی از جدیدترین و پیچیده‌ترین جنگ‌های امروزی است که این روزها صحبت بسیاری از آن به میان می‌آید. درباره جنگ شناختی تا کنون مطالب محدودی منتشر شده است. شاید بتوان گفت بیش از یک قرن است که جنگ شناختی در دستور کار قرار دارد اما تا سال‌ها نامی از آن به میان نمی‌آمده است. به عنوان مثال جان کلمن در کتاب «تاویستاک» (Tavistock) درباره مرکزی با همین عنوان در انگلستان برای نخستین بار افشاگری‌هایی را صورت می‌دهد. او که از تاویستاک به عنوان «اولین مرکز شستشوی مغزی جهان» یاد می‌کند، تاریخچه شکل‌گیری این مرکز را به قبل از جنگ جهانی اول مربوط می‌داند. توضیحاتی که در کتاب او درباره شیوه مدیریت افکار عمومی و شستشوی مغزی ناستیتو تاویستاک می‌خوانیم، بیش از این که ما را به یاد جنگ روانی و یا جنگ رسانه‌ای بیندازد، شباهت‌های زیادی با جنگ شناختی دارد. جالب‌ترین که نویسنده این کتاب مأموریت ناستیتو تاویستاک که پیش از جنگ جهانی اول تأسیس شده را طراحی جهان بعد از جنگ جهانی دوم عنوان می‌کند. در واقع جهت‌دهی و شکل‌دهی افکار عمومی و آماجگانی آن‌ها برای نظم‌نویس جهانی که قرار است بعد از جنگ جهانی دوم برقرار شود وظیفه این مرکز بوده است. پرداختن به جنگ شناختی به عنوان یکی از جنگ‌های مدرن را در دوره‌های اخیر در مقاله «قلمرو شناختی جنگ» (Cognitive Domain of War) نوشته جیمز بلک ول نیز مشاهده می‌کنیم. جیمز بلک ول که خود عضو نیروی هوایی ارتش آمریکا است و با کتاب «صاعقه در صحرا» که در آن به جنگ خلیج فارس پرداخته است در ایران شناخته شده است، در آثار مختلف خود به ابعاد مختلف مناسبات نظامی پیش روی ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و در مقاله «قلمرو شناختی جنگ» نیز به موضوع جنگ شناختی پرداخته است. او در این مقاله اعتراف می‌کند که آمریکا سال‌ها قبل در دوران جنگ سرد علیه اتحاد جماهیر شوروی نیز این شیوه جنگ را مورد استفاده قرار داده و معتقد است امروز باید این تجربیات را در ابعادی گسترده‌تر علیه چند کشور از جمله ایران پیاده کرد.

تفاوت جنگ شناختی با جنگ رسانه‌ای اما تفاوت جنگ شناختی با جنگ رسانه‌ای در چیست؟ اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که در جنگ شناختی، رسانه تنها ابزار جنگ نیست بلکه یکی از ابزارهاست. در حالی که جنگ رسانه‌ای تقریباً فقط از ابزار رسانه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برد، در جنگ شناختی این ابزار در کنار ابزارهای متعدد دیگر نقش ایفا می‌کند و مجموعه این ابزارها، مقاصد متنوع‌تر و کارآمدتر را به همراه می‌آورند. شاید بتوان گفت در جنگ رسانه‌ای مهم‌ترین هدف، کنترل جریان اطلاعات است اما هدف از جنگ شناختی و به عبارت بهتر هدف از هر عملیات شناختی بسیار متنوع‌تر است.

هدف از ایجاد رسانه‌ها انتشار اخبار نیست بلکه هدف، مدیریت افکار عمومی است. به عبارت دیگر رسانه‌ها برای انتشار اخبار به وجود نمی‌آیند بلکه برای مدیریت افکار عمومی به وجود می‌آیند. لذا در دهه‌های اخیر شاهد این بوده‌ایم که جریان‌هایی که به دنبال اثرگذاری بیشتر هستند، حتماً در استای راه‌اندازی یک یا چند رسانه قدم برمی‌دارند. در دوره‌های اخیر انحصار رسانه بسیار حائز اهمیت بود چرا که جریان‌هایی که انحصار رسانه‌ها را در



تحلیلی بر جنگ شناختی در عرصه رسانه‌ای

اختیار داشتند، به سادگی افکار عمومی و کنترل جریان اطلاعات را نیز در اختیار خود داشتند. اما با گذشت زمان و تکثیر رسانه‌ها و سپس انفجار رسانه‌ها با پیدایش فضای مجازی، دیگر هیچ رسانه و جریانی نمی‌تواند ادعا کند که کنترل جریان اطلاعات را در اختیار دارد. در گذشته کنترل جریان اطلاعات برای کنترل افکار عمومی اهمیت داشت اما امروز اگر کسی به دنبال کنترل جریان اطلاعات باشد به نظر می‌رسد تلاشی بیهوده را در دستور کار خود قرار داده است.

در شرایط کنونی که انحصار رسانه از بین رفته و هیچ کس نمی‌تواند جریان اطلاعات را در کنترل خود داشته باشد، چه راهبردی باید اتخاذ کرد؟ این جاست که مزیت‌های جنگ شناختی خود را نمایان می‌کند و جنگ رسانه‌ای را به عنوان شیوه‌ای منسوخ به حاشیه می‌راند. نفوذ به ذهن تک‌تک افراد برای دستکاری‌های ذهنی، تغییر نگرش، تغییر و تسلط بر مدل تحلیل اطلاعات در افراد، اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات افراد، پیش‌بینی کنش‌های رقیب، مدیریت هیجانات و احساسات و حب و بغض‌ها، مدل‌سازی ریاضی فرایندهای ذهنی، استفاده حداکثری از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین و سایر اقداماتی از این دست و فراتر از آن، اهدافی است که در

جنگ شناختی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این اقدامات صرف نظر از این که چه کسی کنترل جریان اطلاعات را در اختیار دارد، می‌توان پس از ورود جریان اطلاعات به ذهن‌ها، بر افکار و رفتارهای افراد تأثیر گذاشت و نقشی تعیین‌کننده ایفا نمود.

تصور غالب این است که مرکز فرماندهی هر انسان مغز اوست. مغز است که برای سایر اعضای بدن فرمان صادر می‌کند و اعمال و رفتارهای ما را شکل می‌دهد. اما دانیل کانمن، روانشناس برنده جایزه نوبل اقتصاد اثبات می‌کند اغلب انسان‌ها بیش از آن که بر اساس فکر تصمیم بگیرند بر اساس هیجانات و احساسات تصمیم گرفته و اقدام می‌کنند. از این جهت در جنگ شناختی فقط ذهن به عنوان مرکز فرماندهی اعمال هر انسان مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه حوزه احساسات، علائق و هیجانات نیز به عنوان بخشی تأثیرگذار و غیر قابل چشم‌پوشی مورد توجه جدی است. به همین دلیل است که در کتاب «نبرد برای تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها» (The Battle for Hearts and Minds) که سال‌ها پیش توسط پنتاگون منتشر شد، می‌بینیم که تسخیر هر دو حوزه ذهن و قلب مورد توجه است.

جنگی نامرئی با بی‌نهایت سناریو

دو مؤلف نامرئی بودن و نداشتن محدودیت در طراحی سناریو از امتیازات ویژه جنگ شناختی است. جنگ شناختی جنگی نامرئی است. نه نقشه‌آن معلوم است و نه آرایش نیروها در آن قابل مشاهده عینی است. شوالیه‌ها و سربازان این عرصه بدون هیچ محدودیتی وارد بخش‌های مختلف ذهن حریف خود می‌شوند و مرکز فرماندهی اعمال و رفتارهای او را تحت اشغال و کنترل خود درمی‌آورند. تا جایی که حتی کنش‌های او را به نفع خود مصادره نموده و حریف خود را به مکمل بخشی از پازل خود تبدیل می‌کنند. بسیاری از کشورها امروز به دلیل نداشتن درک درستی از مفهوم جنگ شناختی و قلمرو آن، به فراهم کردن زیرساخت‌ها و مستقر کردن سامانه‌های دفاعی و پدافندی در مرزها و نقاط استراتژیک این قلمرو بی‌توجه‌اند. همین امر موجب می‌شود دشمن بتواند به راحتی و بدون مواجه شدن و مقابله با هیچ مرزبانی، وارد این قلمرو شود و به راحتی کنترل مراکز فرماندهی و مراکز استراتژیک که همان قلمرو شناخت باشد را به دست گیرد.

علاوه بر نامرئی بودن، امتیاز دیگر جنگ شناختی داشتن بی‌نهایت سناریو و عدم محدودیت از این لحاظ است. در هر جنگی سناریوها و عملیات‌های احتمالی آن جنگ تقریباً مشخص و قابل پیش‌بینی است. به عنوان مثال در جنگ نظامی سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی و در کنار این‌ها ایگان‌های سایبری و جنگ الکترونیک و نهایتاً عملیات‌های روانی پشتیبانی‌کننده عملیات‌های جنگی، عرصه جنگ را به طور کلی تشکیل می‌دهند و یگان‌ها و تیپ‌های انسانی، زرهی، الکترونیک و... نیز تقریباً مشخص و قابل شناسایی هستند. در نهایت ترکیبی از این نیروهای مشخص، عملیات‌ها و سناریوهای جنگی را انجام می‌دهند. اما در عرصه شناخت، بی‌نهایت سناریو توسط بی‌نهایت کنشگر می‌تواند اتفاق بیفتد که به هیچ عنوان قابل پیش‌بینی و تخمین نیست. به هیچ وجه نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه اقداماتی، توسط کدام کنشگران، در چه زمانی و برای تکمیل پازل‌های چه سناریویی قرار است انجام پذیرد. بلکه تنها بعد از انجام عملیاتی می‌توان آن را تحلیل کرد و متوجه شد که چه سناریوی شناختی‌ای در دستور کار بوده است.



عارف بهرامی

بدون شک، قدرت مدیریت صحنه نبرد و مذاکات سردار سلیمانی در هدایت و مدیریت صحنه نبرد، همواره زبانزد خاص و عام بوده است. در ترسیم مختصات و تحلیل "قدرت سخت مقاومت"، نقش حاج قاسم عزیز، بسیار پررنگ و محوری می باشد. با این حال، در این مطلب، قصد داریم بر روی "قدرت نرم جبهه مقاومت" و نقش سردار قهرمانمان در تیلور و تثبیت آن سخن بگوییم.

نخست آنکه "حاج قاسم" فرزند خلف خمینی کبیر(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی است. خصلت بنیادین انقلاب اسلامی ایران و رهبران آن، "گفتمان سازی" می باشد. بنابراین، "حاج قاسم" در کنار حماسه ساز بودن خود در میدان نبرد، "گفتمان ساز" است. بی دلیل نیست که ما امروز در کنار "شخصیت حاج قاسم"، از "مکتب حاج قاسم" سخن می گوئیم. قویا تاکید می کنم که "نبردهای حاج قاسم" در منطقه، جملگی "پشتوانه و پیوست گفتمانی و فرهنگی" داشته است. حاج قاسم در زمان نبرد با دشمنان تکفیری، "مروج گفتمان مقاومت و گفتمان انقلاب"

وجه تبلیغاتی، شامل طیف وسیعی از ابزارها، شامل شبکه های اجتماعی، ویدئوهای اینترنتی، مجلات و... می شد. "تروریسم تکفیری" در چنین بستری دست به جذب نیرو از سرتاسر دنیا زد. "خصومت با دیگران" تبدیل به محور و دال مرکزی "گفتمان داعش" شد، به گونه ای که بانیان ایجاد داعش، "تروریسم تکفیری" را در قالب همین "خصومت ذاتی یا اکتسابی" تفسیر کرده و کشتن، سوزاندن، سربریدن و مثله کردن مردم بیگناه را اقدامی طبیعی جلوه دادند.

حاج قاسم، مسیر بسیار سخت و دشواری را در مواجهه با تروریسم تکفیری در پیش داشت. این شهید بزرگوار، از یک سو باید گفتمان خطرناکی که تروریسم تکفیری حول آن شکل گرفته بود را هدف قرار دهد و به صورت همزمان، از نبرد علیه تروریسم تکفیری به مثابه فرصتی برای "تثبیت و ترویج گفتمان مقاومت" استفاده کند. شاید تا الان متوجه شده باشیم که حاج قاسم و یاران ایشان چه ماموریت خطیرو سختی را به سرانجام رسانده و چگونه با توکل به خداوند متعال و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام،

اگر روح اسلامی برای ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده های این کشور را می درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب هایی در انقلاب ایجاد کرد، به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپردند و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده اند و بزرگترین قدرت های مادی را ذلیل خود نموده اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

این جملات حاج قاسم، منبعث از گفتمان امام و رهبری و در نتیجه "تمدن ساز" می باشد. اثبات گری "و مخاطب شناسی" در تک تک جملات و کلمات و صیغتهای این شهید راه انقلاب و مقاومت موج می زند. همان گونه که مشاهده می شود، "توصیه های حاج قاسم" به لحاظ ماهوی و شکلی "مستدل" و "قابل درک" می باشد. در قالب همین جملات می توانید مشاهده کنید که فرمانده ای که شنیدن نام ایشان، حتی پس از شهادت، لرزه بر اندام دشمنان می اندازد، چگونه "متواضعانه" و "اقناع گرایانه" با مخاطبانی که آنها را "برادر" و "خواهر" خود می نامد، سخن می

مولفه های قدرت فرهنگی گفتمان «قاسم سلیمانی»

گوید. این تنها بخشی از عیار و ارزش لایتناهی سردار سلیمانی عزیز می باشد. معتقدم ارزش "وصیتنامه شهید سلیمانی" به اندازه ای است که باید بارها از سوی دوست داران این شهید بزرگوار مورد بازخوانی و تفکر قرار گیرد. ایشان در قسمتی دیگر از وصیتنامه خویش تاکید دارند:

"برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می دانید منزه ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دوران هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رهان نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند."

در این بنامشخص می شود که "نگاه مکتبی و گفتمانی حاج قاسم"، تا چه اندازه ای بر عملکرد ما رهبران و متبحران این شهید عزیز در میدان نبرد با دشمن

علاوه بر "مغز تروریستهای تکفیری"، "قلب گفتمان تروریستی-تکفیری" را هدف قرار داد. محصول نبرد حاج قاسم با تروریسم تکفیری، صرفا کشته شدن تروریستهای مورد حمایت و اشنگتن، تل آویو و ریاض نبود. افشای ماهیت تروریسم تکفیری و آگاه سازی افکار عمومی منطقه نسبت به آنچه داعش، جبهه النصره و دیگر تروریستهای دست ساز غرب در منطقه صورت می دهند، وظیفه سخت و شاید در نگاه اول، ناممکنی بود که حاج قاسم از عهده آن به بهترین نحو ممکن برآمد.

یکی از مفاهیمی که حاج قاسم در اوج نبرد با دشمن، به دنبال "مصدق یابی" و "تاویل" آن بود، "امت واحد اسلامی بود". "دین"، "عقلانیت"، "علم" و "اخلاق" از دیدگاه امام راحل(ره) و رهبر معظم انقلاب به عنوان ارکان چهارگانه تشکیل امت واحد و تمدن اسلامی محسوب می شوند. حاج قاسم نسبت به هر ۴ مولفه ذکر شده، به عنوان اجزای تشکیل دهنده "امت واحد اسلامی" توجه و باور داشت. نقطه اوج تبلور مفهوم "امت واحد اسلامی" را می توان در فرآزی از وصیتنامه این شهید بزرگوار به وضوح دریافت.

جایی این شهید بزرگوار می نویسد:
"بدانید که می دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و

بوده است. این همان رمز ماندگاری شهید بزرگوار ما پس از شهادت مظلومانه ایشان است. در نگاه گفتمانی و مکتبی، "جسم شهید" از بین می رود اما گفتمان سازی "آن نه تنها پس از شهادت متوقف نمی شود، بلکه با شدت بیشتری ادامه می یابد. اینکه تئوریستها و استراتژیستهای آمریکایی اذعان دارند که "شهید سلیمانی" از "سردار سلیمانی" نیز برای دشمنان انقلاب و جهان اسلام خطرناک تر است، ریشه در همین واقعیت دارد.

گفتمان "در مفهوم کلامی آن، مترادف با یک مسیر رویه رشد و یک روند متوالی و جریانساز می باشد. یک گفتمان اصیل مانند گفتمان مقاومت، در ذات خود دارای خصائصی مانند "جاودانگی"، "اقناع گری" و "پویایی" می باشد. زمانی که داعش توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم سعودی در منطقه ایجاد شد، حاج قاسم در دو جبهه "نظامی" و "گفتمانی- فرهنگی" با تروریسم تکفیری وارد نبردی تمام عیار شد و در هر دو نبرد نیز با اقتدار پشت دشمنان قسم خورده اسلام را به خاک مالید. باید بگوییم که "داعش" سعی کرده بود در ماههای اول حضور خود در منطقه، خود را مولد یک "گفتمان" نشان دهد! داعش از زمان ظهورش به طور مستمر از ابزارهای تبلیغاتی که غرب و ارتجاع عرب در اختیار آن گذاشته بودند، برای این گفتمان سازی کاذب استفاده کرد. این



66

حاج قاسم هیچ گاه اسیر "نقاط افتراق خرده فرهنگها و فرهنگها" در منطقه نشد و "اجزای محور مقاومت" را بر اساس "اصول متعالی اسلامی و انقلابی" و بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر متصل ساخت منظومه ای که امروز تحت عنوان "جبهه مقاومت" شاهد آن هستیم، به اندازه ای مستحکم و پیوسته است که حتی پس از شهادت جانگداز حاج قاسم، شاهد زایش و جریانسازی آن هستیم



تکفیری، مسلط و محیط بوده است. در اینجا متوجه می شویم که وقتی از "پیوست گفتمانی" و "پیوست فرهنگی" عملیتهای نظامی حاج قاسم در برابر دشمنان منطقه سخن می گوئیم، منظورمان چیست.

حاج قاسم به درستی دریافته بود که فرقه گرایی، عدم رهبری واحد در بین مسلمانان آگاه، وجود حاکمان ظالم و فاسد، ترویج اسلام آمریکایی، وابستگی کشورهای مسلمان به بیگانگان از مهم ترین چالش های پیش روی امت اسلامی بوده و استکبارستیزی، وحدت و خودباوری مسلمانان و استمرار بیداری اسلامی راهکارهای امام خمینی (ره) و رهبر معظم و حکیم انقلاب حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) برای رفع چالش ها و مشکلات جهان اسلام هستند. ایشان این "یاور" را

تبدیل به یک "نگاه مبنایی" میدان نبرد علیه تروریسم تکفیری کرد. حاج قاسم، به محور اتصال جریانهای مقاومت در کل منطقه تبدیل شد. ایشان اسیر "نقاط افتراق خرده فرهنگها و فرهنگها" در منطقه نشد و "اجزای محور مقاومت" را بر اساس

"اصول متعالی اسلامی انقلابی" و بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر متصل ساخت. منظومه ای که امروز تحت عنوان "جبهه مقاومت"

شاهد آن هستیم، به اندازه ای مستحکم و پیوسته است که حتی پس از شهادت جانگداز حاج قاسم، شاهد زایش و جریانسازی آن هستیم. سردار قائمی عزیز کسائی که مسیر حاج قاسم را ادامه می دهند، میراث بزرگ و

صورت همزمان هدف قرارداد. آری فرمانده شهید ما، جنگ نرم و جنگ سخت با داعش و بانیان تروریسم تکفیری را به صورت همزمان هدایت کرد.

در پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبات شهادت سردار سلیمانی، به نکته بسیار مهم و ارزنده ای اشاره شده است. معظم له در این پیام اشاره فرموده اند:

"شهید سلیمانی چهره ای بین المللی مقاومت است و همه ی دلبرستانگان مقاومت خونخواه او بند. همه ی دوستان - و نیز همه ی دشمنان - بدانند خط جهاد مقاومت با انگیزه ی مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه ی مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ تر خواهد کرد."

رهبر معظم انقلاب از شهید سلیمانی به عنوان "شهید بین المللی مقاومت" یاد کرده اند. شهید بین المللی مقاومت، یعنی انسان آزاده ای که در ذیل "گفتمان مقاومت" می جنگند و خون خود را تقدیم این گفتمان کرده و در نهایت، خونخواهان او نیز طرفداران بی شمار محور مقاومت هستند. این همان سعادت و عزتی است که خداوند به حاج قاسم عطا فرموده و نام ایشان را در قلوب و اذهان مومنین جاودان و همیشگی ساخته است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، حاج قاسم همه ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش بی وقفه ای او در همه ی این سالیان بود. همان پاداش و سعادت است که شهید سلیمانی سالها بود در آرزو و سودای وصل آن آرام و قرار نداشت.

در گفتمان و مکتبی که حاج قاسم پیرو و مروج آن است، اصالت قواعدی الهی و قرآنی مانند «نفی سبیل» و «حفظ کیان امت واحده اسلامی» محرز و مشخص است. ویژگی خاص حاج قاسم این رود که نه تنها لحظه ای این سنتها و قواعد الهی را در میدان نبرد و در میان هیاهو و دغدغه های ناشی از نبرد با تروریسم تکفیری رها نکرد، بلکه رزمندگان جبهه مقاومت و مخاطبان عام و خاص در منطقه و دنیا را حول این "قواعد و سنتهای الهی" با یکدیگر متحد ساخت.

گرانبهارادر دستور کار خود قرار داده اند.

حاج قاسم نه تنها "قدرت نرم انقلاب" را فدای "قدرت سخت در برابر دشمنان" نمی کرد، بلکه نبرد نظامی با دشمنان اسلام را معطوف به اهداف و مولفه های تمدن ساز انقلاب اسلامی صورت می داد. محصول این "جهاد تمام عیار و خدایستدانه" نابودی تروریسم تکفیری در عراق و سوریه بود. استراتژیستهای باتجربه در آمریکا به دولت وقت این کشور (دولت اوباما) تضمین داده بودند که جنگ نیابتی آمریکا در منطقه بامهره های داعش، در مدت زمانی اندک به پایان می رسد و حکومت های عراق و سوریه، کمترین بازگشت پس از آغاز جنگ افروزی داعش در منطقه، به حیاط خلوت سعودیها و صهیونیستها تبدیل خواهد شد. حاج قاسم و رزمندگان مقاومت، در زمانی که کمترین شک و شبهه ای در میان آمریکا و متحدانش در پیشبرد این نقشه باقی نمانده بود، "کالبد" و "روح" تروریسم تکفیری را به



آنچه رهبر انقلاب در طول ۲۲ سال اخیر در برابر مردم فرموده‌اند، گردآوری و دسته‌بندی شده و در اطراف

اوصاف حاج قاسم



شهید زنده



مقاومت

شهیدی که خبیث‌ترین انسانها به ترور او افتخار کردند



از جمله افراد دارای اجازه و جایگاه شفاعت



شهیدی با شهادتی بزرگ در نتیجه جهاد بزرگ



چهره بین‌المللی مقاومت



قوی‌ترین و سرشناس‌ترین فرمانده ضد تروریسم



تربیت شده برجسته اسلام و مکتب امام خمینی



انقلابی‌گری در عین دوری از حزب و جناح‌های داخلی کسی که انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمزش بود



اخلاص و دوری از تظاهر و شجاعت و تدبیر برای خدا خرج می‌کرد



تبدیل عراق به کشوری شبیه سعودی یا رژیم پهلوی



عراق

مشاور فعال و پشتیبان بزرگ عناصر مومن و مرجعیت عراق



ایستادگی در برابر آمریکا



ضعیف‌نگه داشتن فلسطینی‌ها فراموش شدن قضیه فلسطین



فلسطین

برگردن دست فلسطینی‌ها برای مقاومت



تقاضای آتش بس رژیم صهیونیستی بعد از ۴۸ ساعت مقاومت مسلحانه نوار غزه



دست بزرگ

خنثی کردن نفوذ

به خاطر آنچه که شهادت او سرمشاق شد در مقابل او تعظیم می‌کنم

برکات شهادت

ملت در دهان دشمنی زد که او را تروریست معرفی کرد



دشمن، در مقابل عظمت ملت ایران احساس خضوع کرد



چشمهای غبار گرفته را باز کرد



نشان داد انقلاب زنده است





جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



ویژگی های شخصیتی

اره شهید سلیمانی در دیدارها و پیامهای علنی
ملاع نگاشت مکتب حاج قاسم در اختیار شماست.



پیروز در جهاد اکبر



حفظ تقوا و معنویات دوران
دفاع مقدس در سالهای بعد



تلاش بی وقفه در طول
سالیان خدمت



بی پروا از دشمن و حرف این و آن؛
همچنین تحمل زحمت



تسلط بر
عرصه‌ی نظامی



شجاعت و تدبیر در میدان های
نظامی و سیاسی



سخن اثرگذار و
قانع کننده



مراقبت از حدود شرعی
مراقب بود به کسی ظلم و تعدی نشود آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی
برد به دهان خطر میرفت اما مراقب جان همکاران و سربرانش در ملت های دیگر بود



غرب آسیا



ایجاد جنگ داخلی، نابودی
مقاومت ضد صهیونیستی و
تضعیف دولتهای مستقل به
وسیله‌ی ایجاد و پشتیبانی داعش

لبنان



محروم کردن لبنان از
نیروی مقاومت و
حزب الله و بی دفاع کردن
آن در مقابل اسرائیل



م تلاشی شدن و از زمین رفتن
حکومت داعش



قوی تر شدن روز به روز حزب الله و
تبدیل شدن آن به دست و چشم لبنان

ناورد
زندگی

نشه های آمریکا



منابع

- ۷۶/۸/۲۶
- ۸۴/۲/۱۵
- ۹۶/۸/۳۰
- ۹۷/۱۲/۱۹
- ۹۸/۱۰/۱۳
- ۹۸/۱۰/۱۸

ضربه به حیثیت
ا بر قدرتی آمریکازده
شد



با واکنش
قدرتمندانه‌ی سپاه

روسیاهی دولت
آمریکان نشان داده
شد



با اعتراف
به این ترور

جهت گیری
انقلابی مردم
دیده شد



با تکریم مردم از
شهیدان و ارزشهای
انقلاب

وحدت مردم
در زیر پیکر
مطهر او دیده
شد





۱۱ توصیه حضرت آیت الله خامنه ای برای ترویج فرهنگ کتابخوانی

رسم کتابخوانی

امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که «یک واجب دینی» است

من اگر بدانم هر روز یک ساعت حرف بزنم، نتیجه اش این می شود که مردم کتابخوان می شوند، حاضرم روزی یک ساعت و نیم حرف بزنم، منتها چیزهایی هست که با گفتن تنها تمام می شود. اخلاقیات و خلقیات و عادات و رفتارها، این گونه نیستند. وقتی کسی عادت ناپسندی دارد، کافی نیست یک بار بگویم «آقا، این عادت ناپسند است». یک بار بگویم و فکر کنیم که تکلیفمان تمام شد، این طوری نیست، این، گفتن و باز گفتن و به زبانهای گوناگون گفتن و از همه طرف گفتن می خواهد... و متأسفانه، ملت ما، به مطالعه عادت پیدا نکرده است.





کتابخوانی کودکان
 کتابخوانی یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی کودکان است. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنند و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشند.



همراه کتابی
 همراه داشتن کتاب در سفر می‌تواند یک گزینه عالی برای گذراندن وقت باشد. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



کتابخوانی لایحه‌نگاری
 لایحه‌نگاری یکی از روش‌های مهم برای تقویت مهارت‌های نوشتاری و تفکر انتقادی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



نویسندگی
 نوشتن یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



فرهنگ کتابی
 فرهنگ کتابی یکی از مهم‌ترین عوامل برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



روزانه کتابخوانی
 روزانه کتابخوانی یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



مجلس کتابخوانی
 مجلس کتابخوانی یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.



زنگ کتابخوانی
 زنگ کتابخوانی یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی است. این کار به شما کمک می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط بهتری برقرار کنید و علاقه بیشتری به یادگیری داشته باشید.





حجت الاسلام والمسلمین مهدی ایمانی پور، معاون علمی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی معتقد است در دنیای امروز نمی توان به دیپلماسی رسمی صرف به شیوه گذشته، اکتفا کرد بلکه باید سازوکارهای جدیدی در زمینه دیپلماسی فرهنگی اتخاذ شود تا زمینه توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد. حجت الاسلام ایمانی پور، با بیان اینکه در دهه های اخیر شاهد اهمیت روزافزون «فرهنگ» در حوزه روابط بین الملل هستیم به خبرنگار مامی گوید: برخلاف گذشته که کشورها به دنبال استفاده از روش های سخت مانند حمله نظامی برای قدرت نمایی و سلطه بر جهان بودند، در سالهای اخیر، راهبردهای سخت جای خود را به استراتژی های نرم همچون کسب وجهه، اعتبار و نفوذ در افکار عمومی و بین المللی داده است.

وی ادامه داد: این همان قدرت نرمی است که در سالهای اخیر در صدر اهداف دیپلماسی کشورها در سیاستهای بین المللی قرار گرفته است. پرواضح است که این امر با توجه به اهداف، موقعیت، جایگاه، امکانات و ظرفیت های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورها رویکردهای متفاوتی را در دستور کار قرار داده است.

به گفته معاون علمی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در دنیای کنونی هنر «فرهنگ» این است که بازیان نرم، ارزش ها و نگرش های الهام بخش را با خود به آنسوی مرزهای جغرافیایی برده و آزان به عنوان ابزاری برای همراه

معاون علمی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مطرح کرد؛

الزامات دیپلماسی فرهنگی و زمینه های گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی

نقش آفرین باشد و سبب همگرایی دولت و ملت ها شود، توضیح داد: دیپلماسی فرهنگی می تواند زمینه همکاری مشترک را در حوزه معرفی فرهنگ ها و شناخت ارزش های فرهنگی فراهم نموده و موجب تحکیم روابط حسنه بین ملت ها و دولت ها شود که جزو مقوله بسیار پراهمیت مورد تاکید در راهبردهای دیپلماسی است.

دیپلماسی های شهری (خواهرخواندگی ها) تاد دیپلماسی انجمن های دوستی و... را شامل می گردد. توجه به این وجوه، موجب توسعه قدرت نرم کشورها می گردد. معاون علمی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با بیان اینکه دیپلماسی فرهنگی نشان داده است که می تواند در راستای بهبود روابط و مناسبات کشورها

کردن افکار عمومی بهره ببرد. باید با صدق نیت و شناخت درست مخاطب به بیان داشته ها و ارزشها پرداخت تا زمینه تاثیر و نفوذ کلام فراهم شود. آرمان های انقلاب اسلامی و نظام پر خاسته از آن یعنی جمهوری اسلامی ایران، به خوبی چنین ظرفیتی را دارد. آنچه می تواند مانع از موفقیت ما شود یا عدم درک درست از جامعه مخاطب و عدم اشراف به محیط هدف است" و یا "عدم باور و شناخت نسبت به ظرفیت های مولد جمهوری اسلامی ایران" است. فرهنگ غنی ایرانی اسلامی و آموزه های مکتب اهل بیت (ع) گنج بی پایانی است که می تواند زمینه حضور موثر ما را در هر نقطه از جهان فراهم سازد.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی ایمانی پور با بیان اینکه در حال حاضر فرهنگ به عنوان موتور محرکه سایر عرصه ها و زمینه ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است تصریح کرد: کارشناسان و صاحب نظران مسائل بین المللی که زمانی "فرهنگ" را ابزار دیپلماسی سیاسی و اقتصادی می دانستند، اکنون فرهنگ را "هدف دیپلماسی" می دانند.

وی با بیان اینکه توجه به مقوله فرهنگ در حوزه روابط بین الملل، سبب بروز و ظهور مفهوم جدید در ادبیات و مفاهیم بین الملل به نام «دیپلماسی فرهنگی» شد، گفت: دیپلماسی فرهنگی، اکنون وجوه مختلفی یافته است و از دیپلماسی اتاق های فکر تا دیپلماسی علمی و آموزشی و از



66

▲ **دیپلماسی فرهنگی روزآمد و کارآمد، قادر است قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را توسعه داده و فضای تعامل و رشد تفاهات فرهنگی را بین ملت‌ها به وجود آورد**

▲ **کارشناسان و صاحب نظران مسائل بین المللی که زمانی "فرهنگ" را ابزار دیپلماسی سیاسی و اقتصادی می دانستند، اکنون فرهنگ را "هدف دیپلماسی" می دانند**

▲ **دنیای امروز به این واقعیت رسیده است که توسعه روابط فرهنگی و معرفی فرهنگ‌ها به یکدیگر در چارچوب دیپلماسی فرهنگی، می تواند بستری برای توسعه مناسبات اقتصادی بین کشورهاینا باشد**

▲ **انقلاب ما یک انقلاب اسلامی است که پیام جهانی دارد و مخاطب آن محدود به جامعه خاصی نیست. برای انتقال این پیام، می بایست به منافع فراملی اندیشید**



قوی می تواند ضمن ارائه تصویر واقعی و مثبت از انقلاب اسلامی، زمینه ترویج گفتمان انقلاب اسلامی نظیر عدالت خواهی، استکبار ستیزی و صلح طلبی را فراهم نموده و موجب همنوایی ملت‌های مسلمان برای تشکیل تمدن نوین اسلامی گردد.

وی ادامه داد: دیپلماسی فرهنگی در تامل و پیشبرد منافع ملی، کمک شایان توجهی داشته و در ارائه تصویری مثبت از جمهوری اسلامی ایران به ویژه با وجود تبلیغات مخرب دشمنان بسیار موثر است. اما این تمام ماجرا نیست. انقلاب ما یک انقلاب اسلامی است که پیام جهانی دارد و مخاطب آن محدود به جامعه خاصی نیست. برای انتقال این پیام، می بایست به منافع فراملی اندیشید. البته باید به این نکته توجه داشت که دیپلماسی فرهنگی در عرصه بین الملل دارای الزاماتی است. نخست آنکه باید دنیای

وی با بیان اینکه در چارچوب تبادل‌ات فرهنگی که چند سالی است در عرصه بین الملل اهمیت بیشتری یافته است، می توان چهره واقعی یک ملت، ارزش ها و سنت هایش را به سایر کشورها معرفی کرد، تصریح کرد: دیپلماسی فرهنگی علاوه بر گسترش صلح و دوستی بین کشورها زمینه ساز توسعه روابط همه جانبه میان آنهاست. دنیای امروز به این واقعیت رسیده است که توسعه روابط فرهنگی و معرفی فرهنگ‌ها به یکدیگر در چارچوب دیپلماسی فرهنگی، می تواند بستری برای توسعه مناسبات اقتصادی بین کشورهاینا باشد.

حجت الاسلام و المسلمین ایمانی پور توضیح داد: در واقع اگر بخواهیم تعریف درستی از دیپلماسی فرهنگی ارائه کنیم می شود آن را تلاش برای درک متقابل فرهنگی و اعتماد سازی برای پیشبرد مناسبات و روابط بین کشورها و توسعه منافع ملی دانست. از این منظر دیپلماسی فرهنگی زمینه ای برای بسط قدرت نرم و نفوذ معنوی در افکار عمومی کشورهاست.

به اعتقاد وی آنچه که ارزش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی را در چارچوب روابط بین الملل روز به روز بیشتر مشخص کرده است، تغییر و تحولاتی است که در عرصه جهانی شدن به وجود آمده است. در واقع رشد و توسعه ارتباطات به واسطه شبکه جهانی اینترنت و شبکه های اجتماعی به نوعی مرزهای فیزیکی و جغرافیای کشورها را دور نوردیده است. اکنون فناوری ارتباطات و اطلاعات و حجم گسترده انتقال داده ها، نقشی به مراتب بیشتر از ارتباطات رسمی دولتی در ترویج و انتقال فرهنگ و فرآورده های آن ایفا می کند. همین امر تحول دیپلماسی فرهنگی را به دنبال داشته است. امروزه سخن گفتن از دیپلماسی فرهنگی بدون توجه به دیپلماسی عمومی که عمده تامل بر رسانه ها و فضای مجازی است، امکان پذیر نمی باشد.

معاون علمی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ادامه، بی مرزی در عرصه ارتباطات و نزدیک شدن فرهنگ ملل به یکدیگر را، به موازات تهدیداتی که ناشی از تهاجم و حمله فرهنگی است، دریایی از فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدید برای توسعه سطح روابط ملت‌ها و کشورها دانست و متذکر شد: این ظرفیت که از سوی کنشگران و بازیگران سیاسی نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است، ضرورت یک دیپلماسی فرهنگی نظام مند و کارآمدانه تنها ضروری بلکه اجتناب ناپذیر می نماید. واقعیت این است که تنها یک دیپلماسی فرهنگی حساب شده روزآمد قادر است فضای تعامل و رشد تفاهات فرهنگی را بین ملت‌ها به وجود آورد و موجب تقویت پیوندهای منطقه‌ای و بین المللی گردد و در نتیجه تأمین منافع ملی را سبب شود.

وی با بیان اینکه دیپلماسی فرهنگی علاوه بر تأثیرات مقطعی می تواند در دراز مدت اثرمناسی روی ملتها بگذارد، متذکر شد: در دنیای امروز مانند گذشته نمی توان به دیپلماسی سنتی صرف به شیوه گذشته اکتفا کرد. بلکه نیازمند سازوکارهای جدیدی در زمینه توسعه روابط فرهنگی هستیم تنها در این صورت است که می توان از قابلیت دیپلماسی در خدمت اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی بهره برد.

حجت الاسلام ایمانی پور تصریح کرد: یکی از اهدافی که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه دنبال کرده، تلاش برای معرفی چهره واقعی اسلام و انقلاب اسلامی است تا آن را به عنوان الگویی روشن و موفق به جهانیان معرفی کند. جمهوری اسلامی ایران با ارائه یک دیپلماسی

بیرامون خود و فرصت‌های آن را بشناسیم، تهدیدات را احصا کنیم و ضمن اینکه از فرصت‌ها به بهترین شیوه بهره می‌بریم اقداماتی را برای بی‌اثرسازی تهدیدات در دستور کار قرار دهیم. با توجه به اینکه ما با افزایش روزافزون ایران هراسی، اسلام هراسی و شیعه هراسی به عنوان استراتژی کلان غرب برای مقابله با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو هستیم باید حتماً برای پاسخگویی به تهدیدات راهبردهای موثری را پیش‌بینی و عملیاتی کنیم.

نکته‌ای که باید توجه شما و مخاطبان‌تان را به آن جلب کنم این است که زمانی که صحبت از روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی می‌شود، بسیاری کار در این زمینه را منوط به بودجه و منابع انسانی کلان می‌دانند در صورتی که ما در این زمینه بیشتر به عمل جهانی و ابتکار عمل نیاز داریم.

وی توضیح داد: نمونه موفق اقدامات موثر در زمینه دیپلماسی فرهنگی که هنوز پس از سالها بازخورد‌های مثبت آن را دریافت می‌کنیم، نامه‌های روشنگرانه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکا شمالی در سال‌های ۹۳ و ۹۴ است. این نامه‌ها در زمانی مناسب با ادبیاتی روان، پرمغز و مخاطب شناس، با وجود سعی رسانه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی وابسته به استکبار و صهیونیست، از طریق گروه‌های مردمی و شبکه‌های اجتماعی به دست مخاطبان واقعی خود رسید و بازخورد‌های بسیار خوبی داشت. این اقدامات داهیه‌ها و مبتکرانه، نمونه‌ای روشن از تأثیر دیپلماسی فرهنگی است.

واقعیت این است که ما ظرفیت‌های زیادی در اختیار داریم. مروری بر راه‌های شده انقلاب اسلامی و آینده پیش روی آن که بخوبی در بیانیه گام دوم تشریح شده است ما را با ظرفیت‌های عظیمی که در اختیار داریم، آشنا تر می‌سازد. علاوه بر اینکه ما ظرفیت‌های نظری و عملی نهفته در آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع) نظیر مهدویت، عاشورا و اربعین حسینی برخورداریم. اینها ظرفیت‌های بسیار خوبی برای ارتقای دیپلماسی فرهنگی در اختیار ما قرار می‌دهد.

وی متذکر شد: البته باید به این نکته توجه داشت که تبلیغ و کار فرهنگی در آنسوی مرزها، نیازمند اشراف محیطی است، ما باید موقعیت‌یابی صحیحی نسبت به وضعیت موجود و جایگاهمان در کشورهای هدف داشته باشیم.

ذات‌شناسی و مخاطب شناسی در جوامع هدف امری ضروری است. ما باید فرهنگ، آداب و رسوم کشورهای مختلف را بشناسیم تا خدایی نکرده با انجام اقدامات نسنجیده، بهانه به دست دشمنانمان ندهیم. در دیپلماسی فرهنگی باید گام‌ها را حساب شده برداشت.

قالب فعالیت‌های فرهنگی ما برای رساندن پیام اسلام و انقلاب باید با قالب‌های تبلیغاتی کشورهای هدف متناسب باشد. باید طرح‌های تبلیغاتی مناسب با گروه‌های هدف و خط قرمزها را بشناسیم و مولفه‌هایی را به کار بگیریم که فعالیت‌های فرهنگیمان را تقویت کند. باین کار می‌توانیم زمینه فعالیت مبتنی بر اهداف انقلاب اسلامی را در دنیای مدرن فراهم کنیم. در آن هنگام است که می‌توانیم ظرفیت و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را توسعه بدهیم و از بسترهای فرهنگی مان به بهترین شکل استفاده کنیم. برای این منظور ما نیازمند باز تعریف و مهندسی روابط فرهنگی کشورمان هستیم. بکارگیری نیروهای مومن، انقلابی، شجاع و باتدبیر در تراز انقلاب اسلامی، بهره‌گیری از مدل مناسب و تعریف ساختار کارآمد از جمله پیش شرط‌های دیپلماسی موفق فرهنگی است.





جنگ نرم و پرداختن به مقوله مضمون سازی فرهنگی و تبیین واژه پدافند غیرعامل از منظر فرهنگ در بین کارکنان اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه اقدام به تشکیل کمیته پدافند غیرعامل نموده است.

با عنایت به موارد مذکور برخی از راهبردهای دفاع غیرعامل در حوزه‌ی فرهنگی کشور به شرح ذیل می باشد:

- * توسعه‌ی فرهنگ و نهادینه سازی باور عمومی نسبت به تأثیر اقدامات دفاع غیرعامل در کاهش آسیب پذیری ها
- * ارتقاء توان دفاع فرهنگی و آستانه‌ی مقاومت مردم در برابر تهدیدات خارجی
- * ایمن سازی زیرساخت های حیاتی و حساس در بخش فرهنگی، تبلیغاتی کشور
- * استحکام بخشی ساختارها و زیرساخت های فرهنگی کشور
- * ایجاد سامانه‌ی مدیریت بحران مقابله با عملیات فرهنگی و روانی تهدید نم دشمن
- * رصد کردن فعالیت های دشمن و دشمن شناسی تخصصی در زیرساخت های فرهنگی و اجتماعی کشور
- * تولید و ذخیره سازی برنامه های فرهنگی برای زمان تهدید نرم و سخت دشمن
- * اجتماعی سازی فرهنگی دفاع غیرعامل در گروه های هدف

نگاه کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان ها و نهاد های زیرمجموعه این وزارتخانه این است که با ایجاد یک فهم مشترک، ضمن شناسایی فرصت ها و نقاط قوت، آسیب ها و نقاط ضعف احصا شود تا با اختیار قرار دادن ظرفیت های فرهنگی موجود برای افزایش تاب آوری فرهنگی جامعه در برابر حمله های دشمنان، بهترین راهبرد اتخاذ شود.

در این مسیر با بهره گیری از اساتید و کارشناسان خبره، گام های بزرگی در تبیین و شناخت الزامات، ضوابط و باید ها و نبایدهای پدافند فرهنگی هم در سطح ستاد و هم در ادارات کل استان ها و زیرمجموعه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برداشته شد.

در ادامه با گوشه ای از اقدامات و تلاش های کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اختصار آشنا می شویم؛

نهادینه سازی و بازتعریف مفهوم پدافند غیرعامل فرهنگی
یکی از مفاهیمی که اخیراً در موضوع پدافند غیرعامل مطرح شده، موضوع تاب آوری بر اساس پدافند غیرعامل فرهنگی (نهادینه سازی این واژه توسط کمیته پدافند غیرعامل وزارت متبوع طی دو سال اخیر و راه اندازی مجدد کمیته

نگاهی به عملکرد کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از طریق تولیدات، خدمات، فضاهای فرهنگی
رئوس اقدامات، جالش ها و برنامه های کمیته پدافند غیرعامل وزارت ارشاد اسلامی
رئوس و اهم اقدامات، جالش ها و برنامه های کمیته پدافند غیرعامل که با هماهنگی سازمان پدافند غیرعامل کشور تهیه گردیده و از سال ۹۸ در دستور کار کمیته پدافند غیرعامل قرار گرفته به اختصار به شرح زیر است:
الف) برنامه های کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰
ب) اقدامات
تهیه و تدوین سیاست های اجرایی پدافند غیرعامل فرهنگی

فوق الذکر) بوده است.
رویکرد دشمن با شناخت از ظرفیت فرهنگی کشور بعنوان بزرگترین سرمایه و میراث دینی و ملی تبدیل به مدل های تهاجمی نرم مانند "تهاجم فرهنگی و جنگ های شناختی" شده است که تاب آور نمودن جامعه در حوزه های فرهنگی را می توان ظرفیت فرهنگی جوامع برای اندرکنش یا تغییرات در راستای استمرار کارکرد های نظام اجتماعی قلمداد نمود.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعنوان متولی حوزه فرهنگ و هنر در کشور و دارا بودن ظرفیت های متنوع قانونی در اختیار در راستای تأکیدات مقام معظم رهبری در موضوع

کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
از زمانی که فعالیت خود را آغاز کرده در تلاش است تا در گام نخست به تبیین مفهوم پدافند فرهنگی، چیستی، چرایی و باروی این مفهوم بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به تکالیف قانونی خود، باید چنین مسیری را برگزیده است.
این کمیته در طول دو سال فعالیت خود، با تشکیل کمیته هایی در سازمان های تابعه خود و تعیین افرادی به عنوان رابط، تلاش داشته است تا توجه به مأموریت های سازمانی خود، به استقرار پدافند فرهنگی در قالب یک گفتمان فرهنگی در مجموعه وزارت ارشاد اسلامی کمک کند.



برنامه های کمیته پدافند غیر عامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۱۳۹۸-۱۴۰۰	
برگزاری دوره های آموزشی در حوزه های مختلف پدافند غیر عامل در سطح مدیران و کارکنان وزارت ارشاد اسلامی	رزمایش پدافند غیر عامل سایبری در ستاد وزارت متبوع
اجرای برنامه های هفته پدافند غیر عامل	مطالعات مضمون سازی زیرساخت ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سطح بندی در قالب حساس، حیاتی و مهم
حمایت از پژوهش در حوزه پدافند غیر عامل و تدوین سند راهبردی پدافند غیر عامل فرهنگی کشور (بخش فرهنگی و هنری)	برگزاری نشست های تخصصی (هنرمندان، رایزنان فرهنگی، مدیران سازمان های اوقاف و امور خیریه و حج و زیارت و اصحاب رسانه)
تولید فیلم کوتاه، مستند، انیمیشن، موشن گرافیکی و نماهنگ در حوزه پدافند غیر عامل فرهنگی و انتشار در فضای مجازی	تهیه و تولید بسته های فرهنگ سازی پدافند غیر عامل و تنویر افکار عمومی... متن و محتوای نرم افزار های آموزشی، طراحی و تولید محصولات تبلیغی در قالب لوح فشرده، پوستر و... و انتشار در فضای مجازی
اجرای برنامه های آموزش عموم مردم از طریق کانون های فرهنگی هنری مساجد و انتشار در فضای مجازی	تولید و چاپ کتاب با موضوع پدافند غیر عامل فرهنگی
برگزاری دوره های آموزش تربیت مربی پدافند غیر عامل در ستاد وزارت متبوع و سازمان های تابعه و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها	برگزاری جلسات و دوره های آموزشی با توجیهی رای مهندسین مشاور و پیمانکاران در حوزه ساخت مجتمع های فرهنگی و هنری در خصوص رعایت مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان و الزامات پدافند غیر عامل
رصد و پایش تهدیدات و آسیب پذیری های ستاد وزارتخانه، سازمان های تابعه، مراکز ستادی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها	برگزاری نشست های خبری و اطلاع رسانی
تهیه و تدوین سیاست های اجرایی پدافند غیر عامل فرهنگی کشور	تدوین سند راهبردی پدافند غیر عامل فرهنگی کشور

کشور برای نخستین بار در حوزه‌های فرهنگی و هنری و ابلاغ به سازمان‌ها، نهادها و مراکز فرهنگی و هدایت برنامه‌ها در آن چارچوب مشتمل بر:

- * هدایت، راهبری و هماهنگی فرماندهی برنامه‌ها و فعالیت‌های حوزه فرهنگ و هنر مبتنی بر اجرائی کردن گام دوم انقلاب بر اساس سند جامع راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور
- * شناسایی، ارزش‌گذاری سرمایه‌ها و دارایی‌های فرهنگی، هنری کشور در چارچوب اسناد بالادستی فرهنگی
- * بررسی علل و زیرساخت‌های آسیب‌های فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام فرهنگی کشور
- * رصد، پایش، تشخیص و هشدار تهدیدات، ارتقای هوشمندانه و توانمندسازی ظرفیت‌های موجود
- * نهادینه‌سازی اصول، الزامات و ملاحظات پدافند غیرعامل در برنامه و پروژه‌های توسعه فرهنگ و هنر کشور
- * توسعه و تعمیق آموزش‌های پدافند غیرعامل با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی
- * استفاده حداکثری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هنرمندان، انجمن‌ها، سرمایه‌گذاران و اصحاب فرهنگ و هنر در نهادینه‌سازی فرهنگ پدافند غیرعامل
- * جلب مشارکت مردمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی حوزه فرهنگ و هنر
- * ایمن‌سازی، پایداری، زیرساخت‌ها و دارایی‌های فرهنگی و هنری کشور در برابر آسیب‌های احتمالی
- * ساماندهی و راهبری دیپلماسی نظام مدیریت فرهنگی و هنری در برابر آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های نوین در فضای سایبری
- * تقویت قدرت دیپلماسی، تاب‌آوری و ایجاد زمینه‌ساز فرهنگ در راستای خنثی‌سازی تهدیدات و سناریوهای ناتوی فرهنگی دشمن
- * گفت‌وگو، پدافند غیرعامل در جامعه فرهنگی و هنری کشور به منظور صیانت از سرمایه‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی

فرهنگ پدافند غیرعامل در بین مدیران، کارکنان و اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه و مرتب‌ترین به صورت حضوری و وبیناری (۶ هزار نفر ساعت آموزشی و تولید جزوات آموزشی)

ج) چالش‌ها و مشکلات موجود
 از مهم‌ترین چالش‌های پیاده‌سازی راهبردهای پدافند غیرعامل فرهنگی به شرح زیر می‌باشد:
 کمبود منابع انسانی: با توجه به حجم و گستره کار ستادی و اجرایی از چالش‌های مهم در این حوزه کمبود نیروی انسانی و کارشناس متخصص است.
 ساختار سازمانی: با وجود راه‌اندازی کمیته پدافند غیرعامل در وزارت فرهنگ و ارشاد فاقدان پست‌های سازمانی موضوعی از سوی سازمان امور استخدامی کشور برای جذب و بکارگیری نیروی متخصص و کارآمد مشکل آفرین بوده است.
 عدم توزیع و تخصیص منابع مالی برای مصون‌سازی زیرساخت‌ها

با وجود اینکه برابر بند "الف" و "پ" ماده ۱۰۶ قانون برنامه ششم توسعه کشور، دولت مکلف است به منظور افزایش توان دفاعی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای و تأمین منافع و امنیت ملی، حداقل ۰.۵٪ از منابع بودجه عمومی و درآمد‌های اختصاصی را به عنوان سهم تقویت بنیه دفاعی در ردیف‌های تقویت بنیه دفاعی در بودجه سالانه کشور اختصاص دهد، متأسفانه با وجود پیگیری‌های مکرر وزارت متبوع، تا کنون اعتباری از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور به این

امراختصاص داده نشده است. اولویت‌گذاری در فعالیت‌ها، اهداف و مأموریت‌های پدافند غیرعامل فرهنگی با توجه به مأموریت و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های تابعه عملاً با وجود تأکیدات مقام معظم رهبری ناخواسته در اولویت‌های بعدی وظایف سازمانی قرار گرفته است.

پیشنهادات

- * ایجاد ساختار سازمانی پدافند غیرعامل در قالب اداره کل (در سال ۹۱ این ساختار وجود داشته و بعداً حذف و به صورت کمیته فعالیت داشته است)
- * جذب و بکارگیری نیروی متخصص و کارآموده
- * تخصیص اعتبارات سالیانه با توجه به برنامه‌های پیشنهادی سالانه
- * اخذ اعتبارات مورد نیاز پیش‌بینی شده در قانون از سازمان برنامه و بودجه برای ایمن‌سازی، پایداری، زیرساخت‌ها و دارایی‌های فرهنگی و هنری کشور در برابر آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی
- * استفاده حداکثری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هنرمندان، انجمن‌ها، سرمایه‌گذاران و اصحاب فرهنگ و هنر در نهادینه‌سازی فرهنگ پدافند غیرعامل
- * گزارش‌گیری و نظارت و ارزیابی دوره‌ای پروژه‌ها و طرح‌ها در خصوص رعایت ملاحظات پدافند غیرعامل
- * اهتمام و در اولویت نخست قرارداد مأموریت و وظایف پدافند غیرعامل فرهنگی در سطح وزارتخانه و سازمان‌های تابعه



اجرای مقدمات تهیه و تدوین سند راهبردی پدافند غیرعامل فرهنگی کشور
 سطح بندی زیر ساخت ستاد وزارت متبوع و معاونت‌ها، سازمان‌ها و مراکز تابعه و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها
 اعطای دبیری کارگروه فرهنگی پدافند غیرعامل به مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها با هماهنگی وزیر محترم کشور و ریاست سازمان پدافند غیرعامل
 * انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با سازمان پدافند غیرعامل کشور و سایر سازمان‌ها و نهادها از جمله معاونت محترم اجتماعی ناجا
 * برگزاری دوره‌های آگاه‌سازی، آموزشی و نهادینه‌سازی





برگزاری آیین گرامی داشت مکتب سلیمانی و ارتقای قدرت نرم در کمیته پدافند غیرعامل وزارت ارشاد

سردار جلالی: «قاسم سلیمانی» رستم زمانه ماست

آیین گرامی داشت شهدای محور مقاومت با موضوع مکتب سلیمانی و ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با حضور غلامرضا جلالی دبیر کمیته دائمی و رئیس سازمان پدافند غیرعامل و علی اصغر کاراندیش معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کمیته پدافند غیرعامل این وزارتخانه به صورت مجازی برگزار شد. دکتر علی اصغر کاراندیش در این آیین یاد و نام شهید حاج قاسم سلیمانی را گرامی داشت و گفت: مقام معظم رهبری فرموده اند شهید حاج قاسم سلیمانی اهل حزب و جناح نبود و به شدت انقلابی بود. وی افزود: همچنین مقام معظم رهبری درباره شهید حاج قاسم سلیمانی فرمودند این شهید یک فرد نبود بلکه یک مکتب بود. معاون حقوقی، مجلس و امور استان های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: ما در طول تاریخ بویژه در تاریخ انقلاب همواره شاهد این بوده ایم که به دنبال هر شهادتی خون تازه ای در رگ های مردم مسلمان به وجود آمده و شهادت خالصانه شهید سردار حاج قاسم سلیمانی هم اینگونه بود.

رئیس کمیته پدافند غیر عامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی منجر به ایجاد جوش و خروش در

نقش آفرینی حاج قاسم در جبهه جنگ سخت تصریح کرد: جبهه استکبار، تفکر تکفیری را به عنوان زمینه ای برای گشودن جبهه جدیدی از جنگ علیه جمهوری اسلامی از طریق آل سعود مبنای کار خود قرار داد که داعش والقاعده مولود نامبارک آن هستند.

وی ادامه داد: ائتلاف استکبار، در تمام طول جنگ وظیفه پشتیبانی مالی و لجستیکی از داعش را انجام داد و حداکثر فناوری های نظامی در اختیار آنها قرار گرفت. در چنین شرایطی نیروی قدس سپاه به فرماندهی سردار سلیمانی به عنوان محور مقابله با داعش وارد عمل شد.

تشکیل بسیج مردمی نخستین تدبیر حاج قاسم در برابر داعش سردار جلالی با بیان اینکه با تکیه بر تجربه دفاع مقدس نخستین تدبیر حاج قاسم، تشکیل دوازدهم مردمی در سوریه و عراق بود، تصریح کرد: در شرایطی که هیچکس حتی دولت های عراق و سوریه، تصور تاب آوردن در برابر تهاجم و وحشی گری های داعش را نداشتند این حاج قاسم سلیمانی بود که تحت تدابیر مقام معظم رهبری به سازماندهی جبهه مقاومت پرداخت.

وی با بیان اینکه یکی از ویژگی های بارز سردار سلیمانی که در پیروزی جبهه مقاومت تاثیر بسزایی داشت حضور این شهید در خط مقدم میدان نبرد بود در حالی که او می توانست از تهران هم این نبرد را مدیریت کند، تصریح کرد: این کار اعتماد به نفس را در نیروهای جبهه مقاومت برای ایستادگی در برابر داعش ایجاد و تقویت کرد و تاثیر مهمی در این پیروزی داشت.

به گفته رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، پیروزی برداعش در واقع پیروزی در یک جنگ نیابتی مدرن بین جریان انقلاب و جریان استکبار بود که از این نظر حاج قاسم کاری بسیار بزرگ انجام داد. در واقع آمریکایی ها هم در صحنه راهبردی و هم در صحنه تکنیکی متحمل شکست شدند.

حاج قاسم بعد از شهادتش دوباره در قالب مکتب سلیمانی متولد شد

سردار جلالی با بیان اینکه پیشروی در جبهه جنگ نرم بدون توفیق در جبهه سخت ممکن نیست تصریح کرد: در واقع مبنای اقتدار در قدرت نرم، پیروزی در جبهه قدرت سخت است.

وی با بیان اینکه شهادت حاج قاسم نیز خود یک رخداد منحصر به فرد بود، تصریح کرد: نحوه شهادت، ایشان را به یک قهرمان ملی و قهرمان جهان اسلام تبدیل کرد و سبب شد تا خون تازه ای به رگهای جبهه مقاومت تزریق شود. به تعبیری حاج قاسم بعد از شهادتش دوباره و در قالب مکتب سلیمانی متولد شد. رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور با اشاره به اینکه مقام معظم رهبری با مطرح کردن و تبیین ابعاد مکتب سلیمانی، بر ادامه راه این شهید تاکید دارند، تصریح کرد: از مکتب سلیمانی می توان به عنوان مظهر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، برای تولید گفتمان محوری مقاومت و انقلابی گری نام برد.

مردم کشورمان علیه استکبار جهانی شد. در بخش دیگری از این آیین، سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل هم در سخنانی با گرامی داشت یاد و نام سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به چگونگی شکل گیری مکتب سلیمانی از آغاز تا امروز پرداخت.

در ادامه غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور گفت: نحوه شهادت، سردار سلیمانی را به یک قهرمان ملی و قهرمان جهان اسلام تبدیل کرد و سبب شد تا خون تازه ای به رگهای جبهه مقاومت تزریق شود. به تعبیری حاج قاسم بعد از شهادتش دوباره و در قالب مکتب سلیمانی متولد شد. سردار جلالی در ابتدای این مراسم با بیان اینکه برای تبیین ابعاد شخصیتی سردار سلیمانی باید به این نکته توجه داشت که وی نه تنها یک فرمانده بزرگ و نخبه نظامی بلکه به تمام معنادر همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود، وارسته و با تقوا بود، تصریح کرد: فرماندهی شهید سلیمانی را باید از دو دیدگاه «قدرت سخت مقاومت» و «قدرت نرم جبهه مقاومت» مورد بررسی قرار داد.

تفکر تکفیری برای مقابله با جمهوری اسلامی شکل گرفته است

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور با اشاره به



به بیان سردار جلالی، این گفتمان، محور همان مقاومت فعال است که راهبرد مورد تاکید مقام معظم رهبری برای عبور از پیچ تاریخی بزرگی می باشد که ملت ایران در آن قرار گرفته است.

وی ادامه داد: گفتمان مقاومت، در ذات خود دارای ویژگی هایی مانند جاودانگی، اقناع و پویایی است. زمانی که داعش توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و آل سعود در منطقه ایجاد شد، حاج قاسم در دو جبهه نظامی و گفتمانی - فرهنگی با تروریسم تکفیری وارد نبردی تمام عیار شد و همین نیز عامل پیروزی مقتدرانه جبهه مقاومت در برابر دشمنان قسم خورده اسلام شد.

سردار جلالی با بیان اینکه مکتب سلیمانی در واقع نسخه به روز شده مکتب عاشورا است، تصریح کرد: حضور خودجوش جوانان درسوریه و عراق در سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در واقع نمادهایی از قدرت نرم جمهوری اسلامی است.

وی با بیان اینکه تاکید رهبر انقلاب بر سیره و سلوک، رفتار و تفکر حاج قاسم به عنوان مکتب سلیمانی برای تعریف و ترسیم یک الگوی روزآمد مبارزه با استکبار برای نسل جوان انقلابی است، تصریح کرد: جاودان سازی خط گفتمان حاج قاسم و تبدیل آن به یک فرصت برای جریان فکری و انقلابی، از جمله مهمترین وظایف دستگاه فرهنگی ماست.

▲ ویژگی های مکتب سلیمانی

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در ادامه به بیان و تبیین ابعاد مکتب سلیمانی پرداخت و تصریح کرد: قدرت سازی از مردم، اتکای به مردم در دفاع، حمایت و دفاع از مظلوم، نترسیدن از دشمن، شجاعت انقلابی، مدل و الگوی جدید فرماندهی، معنویت در جنگ، رعایت اخلاق و برادری در جنگ از جمله ابعاد نظامی مکتب سلیمانی است.

▲ حضور همزمان حاج قاسم در صحنه های راهبردی و تاکتیکی جنگ

سردار جلالی ادامه داد: حضور در صحنه های راهبردی جنگ همزمان با صحنه های تاکتیکی جنگ یکی از ویژگی های منحصر به فرد و حاصل نبوغ حاج قاسم است که افراد نادری در میان فرماندهان نظامی از آن برخوردارند.

جلالی با بیان ویژگی ها و اقدامات مهم سردار سلیمانی ابراز کرد: مجاب سازی دولت روسیه و شخص پوتین برای حمایت از جبهه مقاومت و به کارگیری توان هوایی و پدافندی از جمله اقداماتی بود که صرفاً سردار سلیمانی می توانست انجام دهد.

به گفته وی در بعد سیاسی نیز مکتب سلیمانی نگاهی جامع به جهان اسلام دارد و مرزهای جغرافیایی جای خود را به مرز جهان اسلام داده است. تاکید بر دیپلماسی دفاعی و تولید قدرت

سیاسی، دفاعی و قدرت نرم در محور مقاومت نیز از دیگر ویژگی های برترین مکتب است. رئیس سازمان پدافند غیرعامل ادامه داد: در بعد سیاست داخلی نیز مکتب سلیمانی مردم راسیاسی نگاه نمی کند بلکه همه را همانند خانواده خود و آنان را ملت و امت می داند و در رفع مشکلات و خدمت به آنها لحظه ای درنگ نمی کند.

▲ وصیت نامه حاج قاسم و ولایت نامه است

وی با بیان اینکه سردار سلیمانی، ولایت فقیه را محور انسجام ملی می دانست، تصریح کرد: بسیاری، وصیت نامه حاج قاسم را ولایت نامه می دانند چون در آن به پیروی از ولایت فقیه برای حفظ انسجام ملی تاکید شده است.

سردار جلالی خاطر نشان کرد: در بعد فرهنگی، خلق مفهوم فرهنگی گفتمان مقاومت از جمله آموزه های مکتب سلیمانی است. در واقع بازتعریف گفتمان مقاومت موضوع مهمی بود که حاج قاسم به آن عینت بخشید. به تعبیری حاج قاسم بر آن لایه ای از فرهنگ دفاعی که می تواند بخش دفاعی کشور را تقویت کند، تاکید داشت.

وی متذکر شد: باز تولید ارزشهای دفاع مقدس دوباره در صحنه جنگ محور مقاومت توسط حاج قاسم و رزمندگان جبهه مقاومت اتفاق افتاد که در واقع محور جدید فرهنگی است که اصحاب فرهنگ و هنر باید به تقویت آن کمک کنند.

▲ قاسم سلیمانی رستم دستان زمانه ماست

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور خاطر نشان کرد: فرهنگ، شخصیت و مکتب سردار شهید حاج قاسم سلیمانی امروز به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مطرح است که در بعد اجتماعی کاملاً می تواند تاثیرگذار باشد و جامعه از برکات آن بهره مند شود و نماد قدرت ملی ما قرار بگیرد.

جلالی با اشاره به اینکه مکتب سلیمانی باید به عنوان گفتمان باور پذیر باشد، تصریح کرد: رستم شاهنامه که یک اسطوره افسانه ای در ایران شناخته شده بود، با شهادت سردار سلیمانی به حقیقت پیوست به گونه ای که اکنون به قاسم سلیمانی به رستم زمانه ما تبدیل شده است.

در ابتدای این آیین سعید جابری انصاری مشاور معاون حقوقی، مجلس و امور استان های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سالروز شهادت شهید سلیمانی و درگذشت آیت الله مصباح یزدی را تسلیت گفت و افزود: ولایت پذیری از ویژگی های این دو بزرگوار بوده است. وی ادامه داد: در عرصه انقلاب اسلامی همواره هر وقت نیاز بوده، شهید حاج قاسم سلیمانی و آیت الله مصباح یزدی حضور موثر داشته اند.

یادآور می شود در این آیین که از سوی کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، مدیران کل ستادی و مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی استانی و شهرستان های کشور هم به صورت ویدئو کنفرانس حضور داشتند.





گفتگو با دکتر محسن محبی معاون توسعه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان پدافند غیرعامل کشور

راهبردهای سازمان پدافند غیرعامل کشور برای ارتقای تاب آوری فرهنگی

زبان، آداب و رسوم و هنجارهای ما توانیم بر سختی ها غلبه کنیم. یک جامعه، یک گروه و یک خانواده می توانند بر اساس ارزش های فرهنگی جامعه تاباورهای گروهی در برابر سختی ها، بحران ها، مسائل، مصائب و مشکلات تاب آوری داشته باشند. این مفهوم بیان کننده این موضوع است که افراد و جامعه می توانند تنها بر اساس ویژگی های فردی و روانشناختی بلکه با حمایت عوامل اجتماعی و فرهنگی با سختی ها مقابله و در نهایت بر آنها غلبه کنند. در دین مبین اسلام و ارزش های فرهنگی مانند توکل به خداوند متعال، قناعت، صرفه جویی، امیدواری، همیاری و پشتیبانی از یکدیگر می تواند بر تاب آوری فرهنگی یک جامعه یا یک خانواده تاثیرگذار باشد.

▶ به نظر شما عدم وجود تاب آوری فرهنگی چه آسیب هایی به دنبال خواهد داشت و برای مقابله به آن چه راهبردی موثر خواهد بود؟
هدف اصلی تاب آوری فرهنگی این است که افراد در هر سطحی چه به صورت فردی چه به صورت گروهی - خانوادگی یا در قالب گروه های اجتماعی و یا

است. تاب آوری فرهنگی در واقع توانایی حفظ و بازبایی ویژگی های فرهنگی است که می توانند شامل ارزش ها و اعتقادات نیز باشد. به تعبیری، تاب آوری فرهنگی، دفاع و مقاومت یک فرهنگ در برابر هجوم فرهنگ بیگانه است. در مورد ارکان تاب آوری فرهنگی نیز باید گفت؛ یکی قدرت بازبایی و حفظ فرهنگ و دیگری ارزش ها و اعتقادات مذهبی و ملی ایرانی و اسلامی است که شامل آداب و رسوم، زبان، اعتقادات، مراسمات دینی، اعیاد و مانند آن است که جزو ارکان تاب آوری فرهنگی است.

▶ توجه به تاب آوری فرهنگی و مولفه های آن چه اهمیتی در تصمیم گیری های کلان کشور به ویژه در حوزه فرهنگی دارد؟

با توجه به شرایط فعلی کشور ما و پیش بینی هایی که در آینده نسبت به شرایط اقتصادی در کل دنیا و به خصوص در جنوب غرب آسیا پیش بینی می شود اهمیت و ضرورت توجه به تاب آوری فرهنگی روز به روز بیشتر احساس می شود به این دلیل که تاب آوری فرهنگی به ما نشان می دهد که چگونه با توجه به پیشینه فرهنگی خود شامل ارزش های فرهنگی،

«مهمترین آسیب های بخش فرهنگی که تاب آوری جامعه را کاهش می دهد به ناامید سازی جوانان، سیاه نمایی وضع موجود و تبلیغ رکود و تنبلی در بین جوانان برمی گردد که برای مقابله با آن باید راهبردهای موثری اتخاذ شود» این را معاون توسعه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان پدافند غیرعامل کشور می گوید. وی معتقد است بهترین راهبرد توجه دادن جوانان و احاد مردم به پاسداشت مولفه های فرهنگ بومی و اسلامی است.

دکتر محسن محبی، معاون توسعه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان پدافند غیرعامل کشور در گفت و گویی ضمن پاسخ به سوالات خبرنگار ما، به تشریح راهبردهای سازمان پدافند غیرعامل کشور برای ارتقای تاب آوری فرهنگی پرداخته است.

▶ تاکنون مفهوم تاب آوری در اکثر تفاسیرها در چارچوب یک گفتمان دفاعی مطرح شده است. اما اخیراً مفهوم جدیدی تحت عنوان تاب آوری فرهنگی وارد گفتمان فرهنگی کشور شده است؟ ارکان تاب آوری فرهنگی چیست؟

تاب آوری فرهنگی هم از رویکرد دفاعی برخوردار



66

نهادهای بتوانند در دوران پس از بحران و پس از جنگ با سختی‌ها مقابله کنند در واقع توانایی مقابله به بحران، به عنوان اصلی‌ترین مهارت در تاب‌آوری فرهنگی مطرح می‌شود. اگر جامعه‌ای تاب‌آوری فرهنگی نداشته باشد و نتواند در برابر بحران‌ها و مواجهه با شرایط سخت عکس‌العمل مناسب انجام دهد طبیعتاً خسارت‌های مالی مالی جانی و اجتماعی برجسته‌تر خواهد شد. همچنین جامعه‌ای که از تاب‌آوری فرهنگی بالایی برخوردار نباشد به مرور زمان در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه تسلیم خواهد شد و رنگ خواهد باخت و بنیان‌ها و ساختارهای فرهنگی خود را از دست خواهد داد. بهترین راهبرد برای مقابله با آسیب‌های ناشی از عدم وجود تاب‌آوری فرهنگی توجه دادن جوانان و واحاد مردم به پاسداشت مولفه‌های فرهنگ بومی و اسلامی جامعه به ویژه در قشر عظیم فرهنگی، دانش‌آموزان و آموزش از سنین پایه و توجه دادن کودکان به ارزشگذاری فرهنگ بومی و جلوه‌های آن در جامعه است.

پدافند فرهنگی به چه معناست و چگونه و با چه ابزاری می‌توان تاب‌آوری فرهنگی را دوام بخشید؟

پدافند فرهنگی در واقع مجموعه اقداماتی است که بدون سلاح انجام می‌شود و موجب کاهش آسیب پذیری زیرساخت‌های فرهنگی کشور در مقابل هر نوع تهاجم فرهنگی دشمن صورت می‌گیرد. امروزه تهدیدات فرهنگی در اولویت بسیاری از کشورهای قرار گرفته و لازم است که در برابر این تهدیدات اقداماتی توسط کشورهایی که مورد تهاجم قرار می‌گیرند انجام شود. پدافند فرهنگی در واقع منجر به تاب‌آوری فرهنگی خواهد شد. در پدافند غیرعامل فرهنگی انتظار می‌رود تمامی امکانات فرهنگی شامل مولفه‌های تنوع فرهنگی، هنر، ادبیات، مذهب و آداب و رسوم دینی، فیلم و سینما، مد، صنایع دستی و فرهنگی، روشنفکران، موسیقی، نشاط و تفریح و سرگرمی مانند بازی و نظیر آن، برای مقابله با تهدیدهای فرهنگی دشمن در فضای اجتماعی به کار گرفته شود. چنانچه سلسله اقدامات اقناعی بر پایه باورهای دینی اسلامی و ایرانی در جامعه شکل بگیرد، دشمن نخواهد توانست به جامعه هدف نگاه پذیرش شکست و ضعف را تحمیل کند.

به عقیده صاحب نظران، آموزش

عمومی و ارتقای آمادگی‌های مردمی

سهم بسزایی در موضوعات

تاب‌آوری فرهنگی دارند؛ این

ظرفیت (آموزش عمومی و

ارتقای آمادگی‌های مردمی)

بالتوجه چگونه بالفعل

خواهد شد؟

آموزش‌های عموم مردم و

ارتقاء آمادگی‌های مردمی در

تاب‌آوری فرهنگی نقش اصلی را

توانایی مقابله به بحران، اصلی‌ترین مهارت در تاب‌آوری فرهنگی است

جامعه‌ای که از تاب‌آوری فرهنگی بالایی برخوردار نباشد به مرور زمان در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه تسلیم خواهد شد

بهترین راهبرد برای مقابله با آسیب‌های ناشی از عدم وجود تاب‌آوری فرهنگی توجه دادن جوانان و واحاد مردم به پاسداشت مولفه‌های فرهنگ بومی و اسلامی است

در پدافند غیرعامل فرهنگی انتظار می‌رود تمامی امکانات فرهنگی برای مقابله با تهدیدهای فرهنگی دشمن در فضای اجتماعی به کار گرفته شود

بازی می‌کنند. فرهنگ مانند امور نظامی و مرزبانی نیست. فرهنگ، یک مقوله زمان بروقعی در جامعه است. به همین دلیل به شدت توصیه می‌کنیم آموزش‌های پایه در وزارت آموزش و پرورش زمینه تاب‌آوری فرهنگی در جامعه را فراهم سازد. اگر دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل با جلوه‌های فرهنگی بومی، ملی و اسلامی جامعه خود آشنا شوند و فلسفه وجودی این آداب و رسوم را بدانند قطعاً به کشور، آداب و رسوم و پیشینه ملت خود افتخار خواهند کرد و هویت دینی مذهبی و ملی خود را حفظ خواهند کرد. ملتی که تاب‌آور باشد در برابر توطئه‌های فرهنگی دشمنان و جنگ نرم مقاوم و پایدار خواهد بود.

به نظر شما کدام نهادها بیشترین سهم را در ارتقای تاب‌آوری فرهنگی به خود اختصاص داده‌اند؟

یکی از بزرگترین نهادهایی که در تاب‌آوری فرهنگی می‌تواند نقش ایفا کند دستگاه رسمی تعلیم و تربیت کشور یعنی وزارت آموزش و پرورش است. وزارت آموزش و پرورش از سنین پیش دبستانی می‌تواند با آموزش صحیح بنیان‌های فرهنگی را به دانش‌آموزان در سنین مختلف انتقال دهد و آنان را به اقناع فرهنگی برساند

سایر دستگاه‌هایی که می‌توانند هم‌افزایی با وزارت آموزش و پرورش داشته باشند ابتدا صدا و سیما، جمهوری اسلامی و در ادامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی حوزه‌های علمیه وزارت علوم تحقیقات و فناوری می‌توانند یاری بخش و تکمیل‌کننده آموزش‌های وزارت آموزش و پرورش باشند.

مهمترین آسیب‌های بخش فرهنگی ما که تاب‌آوری را نشان رفته است چیست؟

امروز مهمترین آسیب‌های بخش فرهنگی که تاب‌آوری جامعه را کاهش می‌دهد به ناامیدسازی جوانان، سیاه‌نمایی وضع موجود و تبلیغ رکود و تنبلی در بین جوانان برمی‌گردد. متأسفانه امروزه با القاء این حس در بین جوانان، دشمنان توانسته‌اند بسیاری از نخبگان و جوانان را به خود جذب کرده و آنان را مجبور به مهاجرت کنند. عدم خودباوری و عدم اعتماد به نفس، عامل دیگر کاهش تاب‌آوری جامعه است. امروزه با القای ناامیدی به جامعه و مردم در واقع حسن‌نامی فرهنگی و اجتماعی بر بسیاری از افراد حاکم شده است. یکی دیگر از جلوه‌های عدم تاب‌آوری فرهنگی در جامعه که می‌توان به آن اشاره کرد عدم توکل به خدا و کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی و مذهبی است.

سازمان پدافند غیرعامل کشور در زمینه ارتقای تاب‌آوری فرهنگی و مباحث مربوط به پدافند فرهنگی چه راهبردی را در پیش گرفته است؟

مهمترین راهبرد سازمان پدافند غیرعامل در زمینه ارتقاء تاب‌آوری فرهنگی آموزش واحاد مردم است. آموزش واحاد مردم در تمام اقشار مشاغل و گروه‌های جمعیتی از روستایی و عشایری شهری تا زنان خانه‌دار، سربازان و دانش‌آموزان در دستور کار قرار گرفته است. تولید مواد رسانه‌های آموزشی از جمله کتاب‌های آموزش پدافند غیرعامل که تاب‌آوری فرهنگی هم‌بخشی از آن است از جمله اقدامات سازمان پدافند غیرعامل در این زمینه بوده است که رنگ اجرا به خود گرفته است. همچنین تولید محتوای ۱۰۰ فیلم آموزشی از مردم، تولید فیلم‌های آموزشی و ایجاد زیرساخت‌های آموزشی مجازی نیز از دیگر اقدامات سازمان پدافند غیرعامل برای ارتقاء تاب‌آوری فرهنگی است که در دستور کار سازمان پدافند غیرعامل کشور قرار گرفته است. این اقدامات در چارچوب رایزنی، تفاهم و همکاری با حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت ورزش و جوانان تولید خواهد شد. تا با این همکاری و هم‌افزایی بتوانیم در امر افزایش تاب‌آوری فرهنگی جامعه موثر و موفق عمل کنیم.



پایه و اساس پایداری یک جامعه در برابر بحران ها و هجومه های دشمن، در میزان تاب آوری اجتماعی آن جامعه نهفته است. بی شک جامعه های را میتوان تاب آور دانست، که مردم با اتحاد و همدلی در کنار رهبران خود قرار گرفته، و تلاش کنند تا فشارهای متعدد و چند جانبه ای را که از طرق مختلف و به صورت ترکیبی به آن ها وارد می شود، از راه های متعدد خنثی نمایند. پس جامعه ای می تواند با این تهدیدات مقابله کند،

و به بستر فرهنگ و رفتار جامعه وارد خواهد کرد، و به صورت ناخواسته سربازان و مدافعان و اهداف آن نیز، از قشر نظامی به قشر فرهنگی جامعه تغییر خواهند نمود.

در این مدل دیگر از خون و سلاح و خاک ریز خبری نیست. بلکه این نوع از هجوم، آرام و زیبا، بالباس هنر، رسانه و فرهنگ، و با شعارهای عوام فریب در بین افکار و ارزشهای یک کشور، علی الخصوص در بین قشر جوان آن رسوخ نموده، و قله های اقتدار یک ملت را یک به یک فتح می نماید، و تا جایی

می دهد، در تحول و کنترل سامانه های جدید ارتباطی با مبنای الکترونیکی، در جهان مدرن نقش اصلی را ایفا کنند. بر اساس این استدلال متوجه می شویم، آمریکا استعمار خود را از نوع سنتی به مدرن تغییر داده، و در راستای این تغییر، ابزار و وسایل استعمارگری او نیز تغییر یافته و بارویکردی متفاوت وارد میدان شده است.

با تغییر رویکردتهاجمی دشمنان، یکی از مواضع مورد هدف که بسیار نیز بر آن تأکید می شود «فرهنگ» است. از مجموع ۱۶۰ تعریفی که از فرهنگ در عرف

مدیریت فرهنگی و افزایش تاب آوری ملی

بین الملل وجود دارد، تقریباً همه به این تعریف اذعان دارند که فرهنگ، مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت ها و به طور خلاصه تمام آموخته ها و عاداتی است، که یک انسان به عنوان عضوی از جامعه اخذ می کند. لذا چندان وجهی و ترکیبی بودن این جنگ نیز، کم و بیش خود را نمایان می کند، و بازیگران این عرصه از تمام ظرفیتهای خود، در همه جهات مختلف،

برای حمله به فرهنگ جامعه بهره خواهند برد. با این تفصیل

جامعه ای می تواند در مقابل تهدیدات تاب آوری لازم

را داشته باشد، که در

مرحله اول، تمامی

درگاه های نفوذ

دشمن را در این

زمینه شناسایی

کرده، و در مرحله

دوم بتواند نقشه

مقابله با این تهدیدات را

طراحی و عملیاتی نماید.

پیش می رود که راسخان را متحجر، و جاهلان را منجی نشان میدهد. بی بندوباری را کمال، و ایمان را بخشی از ذهنیت پوسیده قدیمیان معرفی می کند، و تا آنجا پیش خواهد رفت که فرهنگ یک ملت از درون تهی و بی ارزش شود، و آنگاه است که ارزش ها و باورهای غلط، خود را جایگزین باورهای اصیل یک جامعه مینماید، و مرزهای اعتقادی و فرهنگی یک جامعه را در نور دیده و فتح می کند. این دقیقاً امپریالیسم فرهنگی است! نظریه های که سال ها قبل هربرت شیلر آن را مطرح کرد، و حتی خود دشمنان نیز به این شیوه تهاجمی خود اعتراف می نمایند.

استدلال شیلر این است که مشخصه دوران بعد از جنگ جهانی دوم، سلطه رو به رشد ایالات متحده در عرصه بین المللی است. با کاهش اعتبار امپراتوری های استعمارگر سنتی در قرن نوزدهم، امپراتوری نوپای آمریکا جایگزین آن ها شد. این رژیم جدید امپراتوری و با به تعبیری درست تر «امپریالیستی»، بر پایه دو عامل کلیدی استوار است. عامل اول: قدرت اقتصادی که به طور عمده از فعالیت شرکتهای فراملیتی آمریکانشات می گیرد، و عامل دوم؛ احاطه بر دانش ارتباطات و رسانه، که به سازمان های تجاری و نظامی آمریکا امکان

که از لحاظ اعتقادی و فرهنگی، دارای عزمی راسخ و باوری قوی باشد.

امروزه با وجود ابزارهای متفاوت رسان های و اطلاع رسانی، دشمنان نیز رویکرد خود را در حمله به کشورها، از حالت جنگ مستقیم نظامی به مدل های تهاجمی نرم، مانند تهاجم فرهنگی و جنگ های شناختی تغییر داده اند. تغییری که می تواند خواسته های آن ها را، با هزینه های بسیار پایین و با قدرت بیشتر برآورده سازد، و آن ها را به اهداف خود نزدیک تر نماید. دشمن با نشان رفتن باورهای مردم، قصد ایجاد اختلال در بزرگ ترین سرمایه یک کشور، یعنی مردم و پشتوانه مردمی دارد.

هجوم به باورها، عقاید، افکار و فرهنگ عمومی راهکاری شده است، که دشمن می تواند با استفاده از آن به راحتی پایه های قدرت یک کشور را سست و متزلزل نموده، و بهره برداران از این حوزه را به خواسته های شوم خود نزدیک سازد. حمله اعتقادی و فرهنگی می تواند یک جامعه را از درون تهی و متزلزل نموده، و لشکری از درون علیه حاکمیت ایجاد نماید، و با کمترین هزینه بر یک کشور حاکم گردد. لذا بحث از مهندسی و مدیریت فرهنگی نیز در راستای همین رفتار نظام سلطه، شکل جدیدی به خود خواهد گرفت. موضوعی که جایگاه خود را از ساختار نظامی و جنگی جدا،



از این ظرفیت، خصوصاً در رسانه‌های مجازی مشهود بوده، و ورود همه‌جانبه دشمنان در این حیطه را شاهد بوده و هستیم.

نکته دیگر اینکه، جامعه تاب‌آور، اصولاً در مقابل فشارها به سیستم مشارکت مدنی روی می‌آورد، و از کمک و همدلی مؤمنانه، راهی برای خروج از وضعیت سخت، برای افشار ضعیف جامعه می‌سازد. تلاش می‌کند با ایجاد توازن در سطح عمومی جامعه، به ساختاری پایدار رسیده و برابری اجتماعی را ایجاد نماید. ایجاد برابری اجتماعی می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب برای مقابله با تهدیدات فرهنگی باشد. علاوه بر اینکه این نوع از همدلی، نوعی سازگاری در بین افشار مختلف جامعه به وجود می‌آورد، و باعث همراهی افراد در مواقع فشار عمومی می‌شود. ایجاد این همدلی و مشارکت گروهی، از بستر رسانه نیز قابل بهره‌برداری است، و می‌تواند ایجاد کننده موج همدلی و همراهی، و همچنین سدی در مقابل هجوم دشمنان باشد.

باید متذکر شد در مواقعی که دشمن به یک کشور فشار حداکثری وارد میکند، به‌طور معمول عده‌ای به هر دلیلی از عکس‌العمل درست اجتماعی و هویتی کوتاه آمده، و فشار اقتصادی را بهانه‌ای برای وارد نشدن در این حوزه می‌دانند. این خود یکی از درگاه‌های نفوذ و تغییر در ساختار فرهنگی یک کشور است. شناخت صحیح از امثال این درگاه‌ها و کنترل نفوذ و مقابله با آن، از جمله اهداف مهندسی و مدیریت فرهنگی خواهد بود. افزایش سطح مسئولیت‌پذیری در حیطه رسانه و فرهنگ، باعث افزایش سطح تاب‌آوری، و ایجاد فضای همدلی و همراهی مردم و مسئولین خواهد شد.

امید است مدیران فرهنگی کشور، مسئولین، اساتید و سایر گروه‌هایی که داعیه امور فرهنگی دارند، با شناخت این رویکرد، اقدامی عملیاتی و همه‌جانبه در این زمینه انجام دهند، تا این عرصه، تبدیل به عرصه‌ای بزرگ برای ایجاد تاب‌آوری و پشتیبانی از نظام مقدس گردد. این روزها پشتیبان ولی فقیه بودن، اصلی مهم در میان اصول انقلابی ماست، تا با کمک آن، هرگز به این مملکت آسیب نرسد، و این پشتیبانی نیازمند ارتقای فرهنگ عمومی، شناختی و اعتقادی است.

سخت‌تر می‌کند. افرادی که دارای سطح سواد بالاتری هستند به راحتی مطالب خام، جهت‌دار، یا فیک دشمن را، که به قصد تخریب افکار عمومی تولید می‌شود، نمی‌پذیرند، و در مقابل آنها رفتار یا واکنشی نشان نداده، یا نسبت به آن واکنش دفاعی دارند. برعکس، افرادی که از میزان کمتری از این دانش بهره‌برده‌اند، به راحتی تحت تأثیر آن قرار گرفته، و عکس‌العمل نشان می‌دهند، بدون آنکه از صحت و سقم آن مطلع باشند. این افراد که بیشتر آنان را جوانان تشکیل می‌دهند، بر اساس همین اطلاعات غلط اقدام به انجام کارهایی می‌نمایند، که باعث افزایش تنش در جامعه می‌شود. نمونه بارز این مدل از رفتار را می‌توان در اغتشاشات سال‌های اخیر مشاهده نمود.

با این تفاسیر، می‌توان یکی از ابزارهای بسیار قوی در این رابطه را، رسانه دانست. تمرکز سامانه‌های عملیاتی دشمنان از طریق رسانه، و بهره‌گیری



طراحی این مسیر نیاز به دانش مهندسی و فرهنگی، و مدیریت رسانه‌ای بالا، شناخت کافی

نسبت به نیازهای فرهنگی جامعه، و رصد و پیش‌بینی مستمر و پر قدرت در این حوزه دارد. برای رسیدن به این شاخص، لازم است سازمان‌ها و مراکز متولی فرهنگ در کشور، نسبت به ایجاد ساختاری توانمند در حوزه دفاع فرهنگی، اقدام عملی نموده و با ایجاد گروه‌های رصد و پیش‌بینی، برنامه‌ریزی، آینده‌پژوه و تیم‌های عملیاتی، این اقدامات را شناسایی، معرفی و خنثی نمایند.

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مفید برای مدیریت فرهنگی در جامعه، که بسیاری از تحلیلگران نیز به آن اشاره می‌نمایند، افزایش سطح سواد رسانه‌ای در جامعه است. سواد رسانه‌ای یادانش رسانهای، به اطلاعاتی گفته می‌شود که قوه تحلیل افراد را بالا برده، امکان تشخیص پذیرش بی‌قید و شرط محتوای دریافتی را، برای صاحبان این دانش





سواد رسانه‌ای گمشده فضای مجازی

مرتضی احمدی

مقدمه:

بدون شک طی سالهای اخیر، فضای مجازی به بستری تبدیل شده است که اکثر پدیده‌ها در چارچوب آن، مورد تفسیری صحیح یا کاذب قرار می‌گیرد. فضای مجازی قطعاً ویژگی‌هایی دارد که مخاطبان عام و خاص را نسبت به خود جذب می‌کند. سرعت در انتشار اخبار، کوتاه نویسی و سهولت مخاطب در دسترسی به اخبار و محتواهای تولید شده، از اصلی‌ترین مزیت‌هایی است که باعث محبوبیت رسانه‌های آنلاین و به طور کلی قالب‌های انتشار پیام در فضای مجازی در بین مردم شده است. بسیاری از افراد اخبار را از سایت‌ها و شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند هر چند ممکن است بیشتر وقت‌ها تشخیص اینکه داستان‌ها معتبرند یا خیر دشوار باشد. تعداد زیاد خبرها و نداشتن درک عمومی از نحوه کار اینترنت از سوی مردم هم به افزایش اخبار و مطلب‌های جعلی کمک کرده است.

انتخابات، عرصه‌ای است که در آن، شاهد پمپاژ و مانور گسترده اخبار، اطلاعات، تصاویر و ویدئوها و دیگر محتواهای تولیدی هستیم. در این میان، مخاطبان، در یک لحظه، با ده‌ها خبر، برداشت و تحلیل مواجه می‌شوند که جملگی در قالب "اخبار موثق" یا "صحیح" در فضای مجازی به گردش در می‌آیند. سوال اصلی اینجاست که در قبال

این "تکنتر اطلاعات نادرست و درست" چه اقدامی باید صورت داد تا اسیر تأثیرپذیری بازدارنده افکار عمومی در قبال این موارد نشد؟

چرا اخبار جعلی در فضای مجازی زیاد است؟!

اخبار و داده‌های جعلی، نادرست در دوران رقابتهای انتخاباتی به صورت گسترده در فضای مجازی مشاهده می‌شود. اهداف اصلی تولید کنندگان این اخبار و داده‌ها به شرح زیر می‌باشد:

< الف) ایجاد موج هیجانی کاذب به سود یا ضرر یک جریان خاص
< ب) القای مفاهیم بازدارنده به جامعه در مواجهه با اصل برگزاری انتخابات
< ج) ایجاد یاس و ناامیدی عمومی در جامعه در قبال شرایط کشور

< د) ترسیم تصویری تلخ و تاریک از آینده کشور
< ه) لاپوشانی یا تحریف حقایق که توجه به آنها می‌تواند در تصمیم‌گیری شهروندان در عرصه انتخابات موثر باشد

فراموش نکنیم که در انتخاباتی که گذشت، فضای مجازی به اصلی‌ترین بستری رقابتهای انتخاباتی تبدیل شده بود. با توجه به ممنوعیت تجمعات عمومی در شهرهای مختلف (در راستای جلوگیری از انتقال ویروس کرونا)، نامزدهای انتخاباتی نیز تمرکز اصلی خود جهت ارائه برنامه‌های انتخاباتی

و دیدگاه‌های خود را بر روی فضای مجازی گذاشته بودند. در مقابل، جریانهای معاند نظام و کسانی که عامدانه و مغرضانه خواستار عدم مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری بودند نیز فعالیت‌های گسترده‌ای را در فضای مجازی جهت ایجاد مولفه‌های بازدارنده در مقابل مشارکت عمومی در انتخابات صورت دادند.

چه کسی روایت اول را ارائه می‌دهد؟

یکی از تکنیک‌هایی که در فضای مجازی و خصوصاً در دوران انتخابات اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، ارائه روایت اول در قبال یک پدیده یا خبر می‌باشد. تولید کنندگان اخبار جعلی در خصوص انتخابات و متعلقات آن، در وهله اول سعی دارند خود "نخستین روایت کاذب" را از آنچه می‌خواهند به جامعه القا کنند، در فضای مجازی ارائه کنند، به گونه‌ای که مخاطب این خبر را بپذیرد و فرصتی نیز برای بررسی صحت و سقم آن پیدا نکند. باید توجه داشت که شناختن اخبار دروغ کار چندان آسانی نیست. باینکه بعضی از این خبرها به راحتی تشخیص داده می‌شوند، بعضی دیگر از خبرهای جعلی حتی می‌توانند افرادی را که با حوزه خبرآشنایی دارند هم فریب دهند. همان گونه که اشاره شد، هدف از این اقدام، ارائه روایتی مغرضانه و کاذب (با هدف مواجهه با اصل انتخابات و مشارکت عمومی) می‌باشد.

تکنیک دیگری که در این خصوص باید مورد توجه قرار



66

مجازی"، باید به "پیشگیری از تاثیرگذاری این توطئه ها در فضای مجازی" روی آورد.

▲ ترویج تکنیک های دیده بانی اخبار

تکنیکهای زیادی برای دیده بانی اخبار در فضای مجازی وجود دارد که لازم است آنها را خطاب به شهروندان، بیان کرد. مهم ترین مولفه های دیده بانی مؤثر اخبار موارد زیر را شامل می شود:

- به عنوان خبرها با کمی شک نگاه کنید. هرچه عنوان خبری دورتر از ذهن باشد، با احتمال جعلی بودن بیشتر دقت کنید. در فضای انتخابات، معمولاً میان تیتراخبر و متن آنها، تفاوتی وجود دارد!

- به منبع و مصدر خبر توجه کنیم. حتی این مسئله در قبال ویسایتهای نیز صدق می کند. بسیاری از وبسایت هایی که خبرهای جعلی منتشر می کنند از نشانی اینترنتی مشابه منابع موثق استفاده می کنند. آن هانشانی وبسایت های معتبر را کمی تغییر می دهند. شماری توانید با مقایسه نشانی وبسایت ها این نکته را متوجه شوید.

- به ساختار های (فرمت های) نامعارف توجه کنید. بسیاری از خبرهای جعلی در خود خطاهای املائی و گرامری دارند و فرمت ظاهری شان هم غیرعادی است.

- به عکس ها توجه کنید. گزارش های خبری جعلی معمولاً با عکس های ویدئوهای دستکاری شده همراه هستند. گاهی عکس مورد نظر معتبر است اما در جایی غیر از موضوع خودش به کار رفته است.

- به تاریخ اخبار توجه کنید. گزارش های خبری جعلی ممکن است زمان بندی هایی داشته باشند که بی معنا باشد یا ممکن است در آن ها زمان رخدادها تغییر داده شده باشد. در ایام انتخابات، معمولاً از این دست اقدامات صورت می گیرد و اظهار نظرهای قبلی (که مربوط به زمان خود بیان شده اند) به مثابه موضع فعلی افراد در نظر گرفته می شود.

- شواهد را بررسی کنید. نبود هیچ منبعی یا بی نام بودن نویسنده می تواند نشانه خوبی از جعلی بودن خبر باشد. در خصوص می توان به دیگر گزارش های موثق هم توجه کرد. اینکه هیچ منبع دیگری آن خبر را گزارش نکرده است می تواند نشان دهنده جعلی بودن خبر باشد.

- پرسشهای اساسی در خصوص انتشار یک محتوای ضد انقلابی یا ضد انتخاباتی، باید در اذهان پرسیده شود. به عنوان مثال، اگر با ویدئویی مواجه شویم که در آن، سعی در ترویج "یاس و ناامیدی در آینده کشور" شده است، باید این سوالات را به صورت فوری مطرح نماییم:

۱- چه منبعی این محتوا را به اشتراک گذاشته است؟
۲- انتشار این محتوا با کدام هدف اعلامی یا پنهان صورت گرفته است؟

۳- چه جریانها یا افرادی از انتشار این محتوا سود می برند؟

طرح این سه سوال اساسی، می تواند سهم به سزایی در دیده بانی مؤثر اخبار و محتواهای تولید شده در فضای مجازی و جلوگیری از تاثیرگذاری مخرب آن بر روی اذهان داشته باشد. بدیهی است که اصول مربوط به "دیده بانی اخبار" نه تنها از سوی خود ما باید مدنظر قرار گیرد، بلکه باید بتوانیم این اصول را به جامعه نیز منتقل کنیم تا مانع از تاثیرگذاری مخرب جریانات معاند بر فضای ذهنی شهروندان خود از طریق فضای مجازی شویم.

▲ سواد رسانه ای "در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می توان انواع رسانه ها و انواع تولیدات آن ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد

تفکیک و شناسایی کرد.

این درک به چه کاری می آید؟ سواد رسانه ای هوشمندانه مراقب است که کدام محتوای رسانه ای صحیح، کدام غیر صحیح، کدام مناسب و کدام نامناسب است. سواد رسانه ای می تواند به مخاطبان رسانه ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه ای کمک می کند تا از سفره ی رسانه ها به گونه ای هوشمندانه و مفید بهره مند شویم. سواد رسانه ای آمیزه ای از تکنیک های بهره وری مؤثر از رسانه ها و کسب بینش و درک برای تشخیص رسانه ها از یکدیگر است. بر همین اساس، می توان دریافت که کدام محتوای خبری، از اصالت برخوردار است و کدام خیر! خواننده یا بیننده یا شنونده ی یک مضمون رسانه ای بهتر است رابطه و نسبت محتوای یک رسانه با عدالت و واقعیت را در نظر گرفته و نزدیکی یا دوری محتوای یک رسانه از عدالت را مورد توجه قرار دهد تا همیشه در ارتباط با رسانه به جای تسلیم بودن و یا تسلیم شدن به رابطه ی یک سو به و انفعالی، رابطه ای فعال تر و تعاملی تر داشته باشد.

▲ باید در موضع کنشگر باشیم

یکی از آسیب هایی که طی سالهای اخیر در فضای مجازی شاهد آن بوده ایم، مربوط به "واکنشگری مطلق" در این فضا است. بدون شک در مواجهه با توطئه های مستمر دشمنان در فضای مجازی، در بسیاری از موارد باید در کسوت یک "کنشگر اولیه" ظاهر شد. این کنشگری، ناظر بر "پیشگیری از مانور کاذب خبری دشمنان در قبال موضوعات مهم انتخاباتی" باید صورت گیرد. به عبارت بهتر، فراتر از "مقابله با توطئه تبلیغاتی دشمنان در فضای

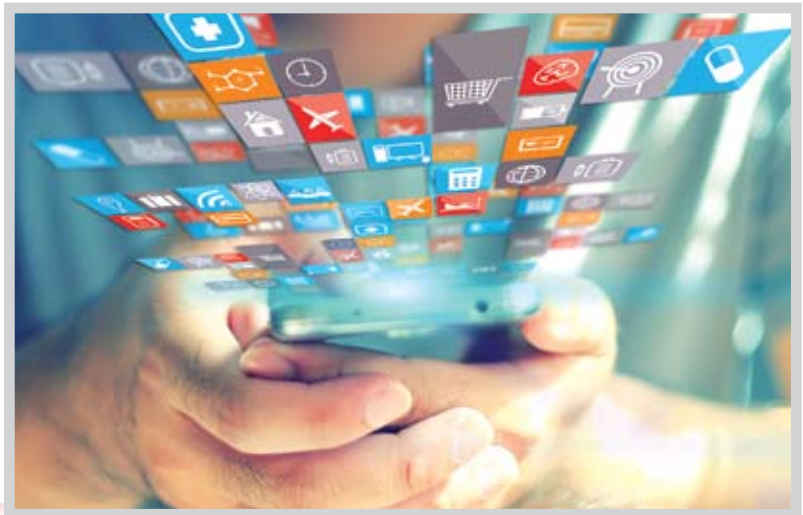
گردد، مربوط به "پروپاگاندا کاذب" است. برخی از شبکه ها، گروه های تعریف شده در فضای مجازی، وبسایت ها و حساب های شبکه های اجتماعی اخبار جعلی را در قالب هجویا سرگرمی منتشر می کنند اما همین مدل خبرهای طنز هم گاهی از طرف بعضی کاربران جدی گرفته می شوند. گاهی بعضی بنگاه های خبری نیز ممکن است مطلبی را با اطلاعات غیر قابل اعتماد یا بدون بررسی همه حقایق موجود منتشر کنند که می تواند مخاطبان را گمراه کند.

تکنیک دیگری که از سوی دشمنان در فضای مجازی در دوران انتخابات به کار گرفته شد، استفاده از عناوین گمراه کننده در دل اخبار صحیح بود. به عبارت بهتر، آنها اخبار صحیح و گویا را به گونه ای در ذیل عناوین گمراه کننده مطرح می کنند که تاثیر سلبی خود را بر ذهن مخاطب ایجاد کنند. بر این تکنیک، دشمنان درصدد حقایق مسلم را نیز می توان با استفاده از عناوین گمراه کننده تحریف کرد. این نوع اخبار می تواند به سرعت در سایت های رسانه های اجتماعی پخش شوند، جایی که فقط عناوین و تکه های کوچک مقاله کامل در فید های خبری مخاطبان نمایش داده می شود. برای نمونه، مدتی پیش خبری درباره تشکیل یک استان جدید به مرکزیت یکی از شهرهای بزرگ در خراسان منتشر شده بود اما زمانی که خبر را باز می کردید، می دیدید در متن خبر تنها گفته شده است که تشکیل استان جدید فعلاً امکان پذیر نیست. در این تکنیک، دشمنان به بخشی از ماجرا به عنوان "کل ماجرا" اشاره کرده و با ارائه روایتی ناقص و هدفمند از یک پدیده، آن را به صورتی ماهرانه تحریف می کنند.

▲ دروازه بانی خبر یا دیده بانی خبر؟

باتوجه به کثرت و تعدد اخبار در فضای مجازی، باید میان دو مفهوم "دروازه بانی اخبار" و "دیده بانی اخبار" تفکیک و تمایز قائل شویم. در این برهه زمانی نمی توان جلوی مانور اخبار جعلی، هدفمند، تحریف شده یا بازنه رادر فضای مجازی گرفت اما قطعاً می توان با استناد به اصول "سواد رسانه ای"، اخبار را "دیده بانی" کرد. در راستای دیده بانی مؤثر اخبار، با مفهومی کلیدی به نام "سواد رسانه ای" آشنا می شویم.

سواد رسانه ای "در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می توان انواع رسانه ها و انواع تولیدات آن ها را شناخت و از یکدیگر





گفتگو با عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

لزوم ایجاد رصدخانه مقابله با تهدیدات فرهنگی

مشارکت همه جانبه مردم و مسئولان است. بخش عمده‌ای از موضوعات تاب آوری فرهنگی، به حوزه‌های آموزش عمومی و ارتقای آمادگی‌های مردمی برمی‌گردد. چه برنامه عملیاتی برای این حوزه و از طریق چه نهادهایی باید در دستور کار قرار گیرد؟

یکی از حوزه‌های مهم فرهنگی که سازمانهای متولی از جمله سازمان پدافند غیرعامل کشور، وزارت بهداشت و حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به آن ورود کنند، مسئله «پیری جمعیت» است که ضربه کاری به نظام ما خواهد زد.

استراتژی درازمدت دشمن برای نابودی نظام در موضوع جمعیت خلاصه می‌شود؛ با توجه به نرخ باروری پتولد در کشور تمام جمعیت شناس هلسقوط یک تمدن را در آینده پیش بینی می‌کنند.

بر اساس نقشه‌ها و پیش بینی‌های سازمان ملل سال‌های آینده در تمام خاورمیانه تنها کشور ایران پیرو کشورهای اطراف جوان هستند و این بزرگترین تهدید و خطر خواهد بود؛ بدون شک بحرانی بالاتر از پیری جمعیت در قرن ۱۵ در کشور

شود. در همین زمینه امیرحسین بانکی پور فرد نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با خبرنگار ما به گفت و گو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

در شرایط فعلی که کشور درگیر یک جنگ تمام عیار و فشار فزاینده فرهنگی دشمن است، چه اقداماتی برای ارتقای تاب آوری باید انجام شود؟

«جنگ نرم» که امروز کشور درگیر آن است در واقع مقدمه و زمینه‌ای برای جنگ سخت است؛ اگر حفره‌های فرهنگی ایجاد شده در حوزه شناختی، اعتقادی و همچنین حوزه رفتاری جامعه را برطرف نکند، نه تنها حس مقاومت درونی کشور ضعیف شده بلکه در حملات دشمن نیز دچار مشکلات جدی خواهیم شد. اینجاست که لزوم ضرورت مکانیسمی تحت عنوان پدافند غیرعامل فرهنگی احساس می‌شود. پدافند غیرعامل فرهنگی بدان معناست که باید تمامی امکانات فرهنگی برای مقابله با تهدیدات دشمن در فضای فرهنگی جامعه به کار گرفته شود و تحقق این مهم در گرو تعامل و

امروز کشور درگیر جنگ نرم تمام عیار با ابزار فرهنگی است که اثرات مخربی را به همراه دارد و تعریف سامانه دفاعی مقابله با این تهدیدات از سوی مسئولان ذیربط امری ضروری است. از آنجایی که دشمن بر اساس تجربه دریافته است که تغییر نظام و افکار عمومی، دیگر به هیچ عنوان باروش‌هایی از قبیل جنگ نظامی و سخت تحقق نمی‌یابد؛ به طراحی جبهه‌های برابری بر سر تهدیدات نوین شناختی پرداخته است که جنگ نرم یکی از مصادیق آن است. واقعیت این است که در چنین جنگی که هنوز بسیاری از جوانان آن شناخته نشده است و اکثر حتی بسیاری از مسئولان به خطرات این جریان واقف نیستند، نیازمندان هستیم که نهادهایی به رصد و کشف این تهدیدات پرداخته و اقدامات لازم را برای رفع تهدیدات عملیاتی کنند. اجرای سیاست‌ها و اهداف پدافند غیرعامل در حوزه فرهنگ که در قالب پدافند فرهنگی بدان پرداخته می‌شود یکی از کم‌هزینه‌ترین شیوه‌های دفاعی در مقابل حمله دشمنان است که در شرایط کنونی اهمیت بررسی و تبیین آن دوچندان احساس می‌



نخواهیم داشت. برای غلبه بر این بحران، مهمتر از بسترهای اقتصادی، مسائل فرهنگی است که نهاد‌های متولی باید ریشه‌های این بحران شناسایی کند؛ متأسفانه براساس ارزیابی‌ها امروزه ۲ درصد زوج‌ها نابارور شدند که این درصد در جهان و تاریخ کشور کم سابقه است.

عوامل ایجاد ناباروری اولیه و ثانویه باید مورد بررسی قرار گیرد، به طور مثال در حال حاضر موضوع ناهنجار غربالگری سبب شده دوران بارداری پرهزینه و پراسترس باشد.

امروز نسبت به کل تاریخ کشور، بیشترین تعداد زنان با امکان باروری و سرمایه اولیه رشد جمعیت را در کشور داریم اما میزان تولد نسبت به چند سال گذشته ۳ درصد کاهش یافته است؛ از طرفی افزایش سقط جنین یک مسئله بسیار خطرناک است که تعداد آن از ولادت‌های بیشتر شده و سازمان‌های متولی باید این موضوع را ریشه‌یابی کند.

روزانه یک تادو هزار سقط جنایی و معادل همین آمار سقط غیرجنایی در کشور رخ می‌دهد که متأسفانه آمار سقط از تولد‌ها در حال پیشی گرفتن است. از سوی دیگر در بخش فرهنگی شاهد برخی محصولات دیگر در حوزه فرهنگی مورد بحث است. برای مثال برخی کتب از جمله کتاب‌های رمان بوده که بیشترین خواننده را دارد و از فیلم‌های مستهجن بسیار مبتذل تراست.

این کتاب‌ها فرهنگ و لنگاری را در جامعه نشرداده و آسیب اجتماعی جدی در پی دارند؛ این موارد نیازمند احصای تهدیدات و مخاطرات و مقابله با آنهاست. باید بررسی کنند که چه خوراک فرهنگی به جوانان و نوجوانان ارائه می‌شود. برای مثال باشگاه‌های ورزشی ممکن است یکی از مکان‌هایی باشد که به جهت حضور جوانان، اهداف خوبی برای دشمنان باشد تا توطئه‌های پلیدشان را به ویژه در حوزه تغییر در سبک زندگی و ترویج فرهنگ غربی در آن دنبال کنند.

انتظار از سازمان‌هایی مانند سازمان پدافند غیرعامل کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌ها و نهادهایی که متولی بحث رصد تهدیدات به ویژه در حوزه فرهنگ هستند این است که مانند کارآگاهی باشد که در صحنه جنایت، مواردی که از دید مردم مغفول و مخفی بوده را کشف کند.

❖ یکی از مفاهیمی که اخیراً در حوزه پدافند غیرعامل مطرح شده، موضوع تاب آوری فرهنگی است. تعریف این موضوع چیست و چگونه می‌توان موجبات ارتقای تاب آوری فرهنگی را فراهم کرد؟

تاب آوری فرهنگی به معنای مقاومت انسان در برابر حوادث تلخ و امواج مسموم فرهنگی است در حالی که فضای مجازی یکی از نقاط مورد هدف دشمنان به شمار می‌رود. متأسفانه امروز افکار جوانان رانسبت به گذشته می‌توان با برونیک شبهه دچار لطمه و ذه‌نیت آنها نسبت به نظام و انقلاب مختل کرد. برنامه‌های فرهنگی مغفول مانده در

جامعه کاهش تاب آوری فرهنگی را به دنبال دارد به طوری که این مسئله یکی از موضوعات مهم و جزو اولویت‌های دستگاه‌های متولی قرار گرفته است. ایجاد الگوهای فرهنگی نوعی سیاست‌گذاری در این حوزه و یکی از بهترین راهکارهای مقابله با جنگ نرم محسوب می‌شود.

❖ مقام معظم رهبری همواره نسبت به هوشیاری در مقابل شیوه‌های پیچیده تهاجم دشمنان، به صورت علمی، دقیق، به روز و همه‌جانبه و مقابله با نفوذ هشدار می‌دهند. تحلیل و ارزیابی شما از این بیانات رهبری در بحث پدافند فرهنگی چیست؟

پیروی از فرامین مقام معظم رهبری در عرصه‌های مختلف به ویژه حوزه اجتماعی و فرهنگی باید در دستور کار قرار گیرد؛ هوشیاری در سیاست‌های پدافند غیرعامل به ویژه پدافند فرهنگی اصلی اساسی است و نوع نگاه نسبت به مسائل جامعه باید دقیق باشد.

امروز برخی آفت‌هایی که در بدنه جامعه وجود دارد، به نوع دیگری در بین مسئولان دیده می‌شود؛ اخلاق‌های زشت و منفی سیاسی در بین برخی مسئولان و حتی در افرادی که تفکر انقلابی دارند در بعد اجتماعی آثاری سوء در پی خواهد داشت.

یکی از مواردی مورد توجه در این موضوع، شناسایی نقاط ضعف و رویه‌های غلط در سیستم مدیریتی جامعه است؛ به طور مثال مجلس انقلابی اگرچه مورد رضایت رهبری است اما گاهی بداخلاقی و رویه‌هایی نادرستی در ساختار مجلس وجود دارد که در آینده آسیب جدی فرهنگی در پی دارد؛ به طور مثال ویژگی نفوذ منفی برخی افراد در ذات مجلس وجود داشته که این امر در اخلاق سیاسی جامعه موثر خواهد بود.

از دیگر اخلاق‌های منفی جامعه در حوزه سیاست، عرضه افراد برای دستیابی به منصب‌های مسئولیتی

بوده که با منطق دینی سازگار نیست و جاه‌طلبی را رواج و زمینه ایجاد فساد را فراهم می‌کند؛ افراد اصلاح باید به اصرار مردم مسئولیتی را بپذیرند که به ندرت این مهم در کشور رخ داده است.

❖ ارزیابی و تحلیل شما از موضوع جنگ شناختی که امروز علیه ملت ایران تحمیل شده است چیست و چگونه می‌توان در برابر این جنگ شناختی صفوف دفاعی ایجاد کرد؟

در یک کلمه باید روحیه جهادی زنده شود و اخلاص، مقاومت و تلاش مضاعف در ذات روحیه جهادی است. در مقابله با جنگ شناختی دشمنان در حوزه فرهنگ، هیچ راهی جز تقویت روحیه جهادی وجود ندارد و امروز در معیارهای مدیران انقلابی نیز باید روحیه جهادی را جستجو کرد.

❖ با تشکر از شما من هم سپاسگزارم.

66

❖ ایجاد الگوهای فرهنگی، نوعی سیاست‌گذاری در حوزه تاب آوری فرهنگی و یکی از بهترین راهکارهای مقابله با جنگ نرم است

❖ هوشیاری در سیاست‌های پدافند فرهنگی اصلی اساسی است

❖ انتظار از سازمان‌های متولی بحث رصد تهدیدات به ویژه در حوزه فرهنگ این است که مانند کارآگاهان در صحنه جنایت، مواردی که از دید مردم مغفول و مخفی بوده را کشف کند

❖ باید روحیه جهادی در حوزه فرهنگ زنده شود و اخلاص، مقاومت و تلاش مضاعف در ذات روحیه جهادی است

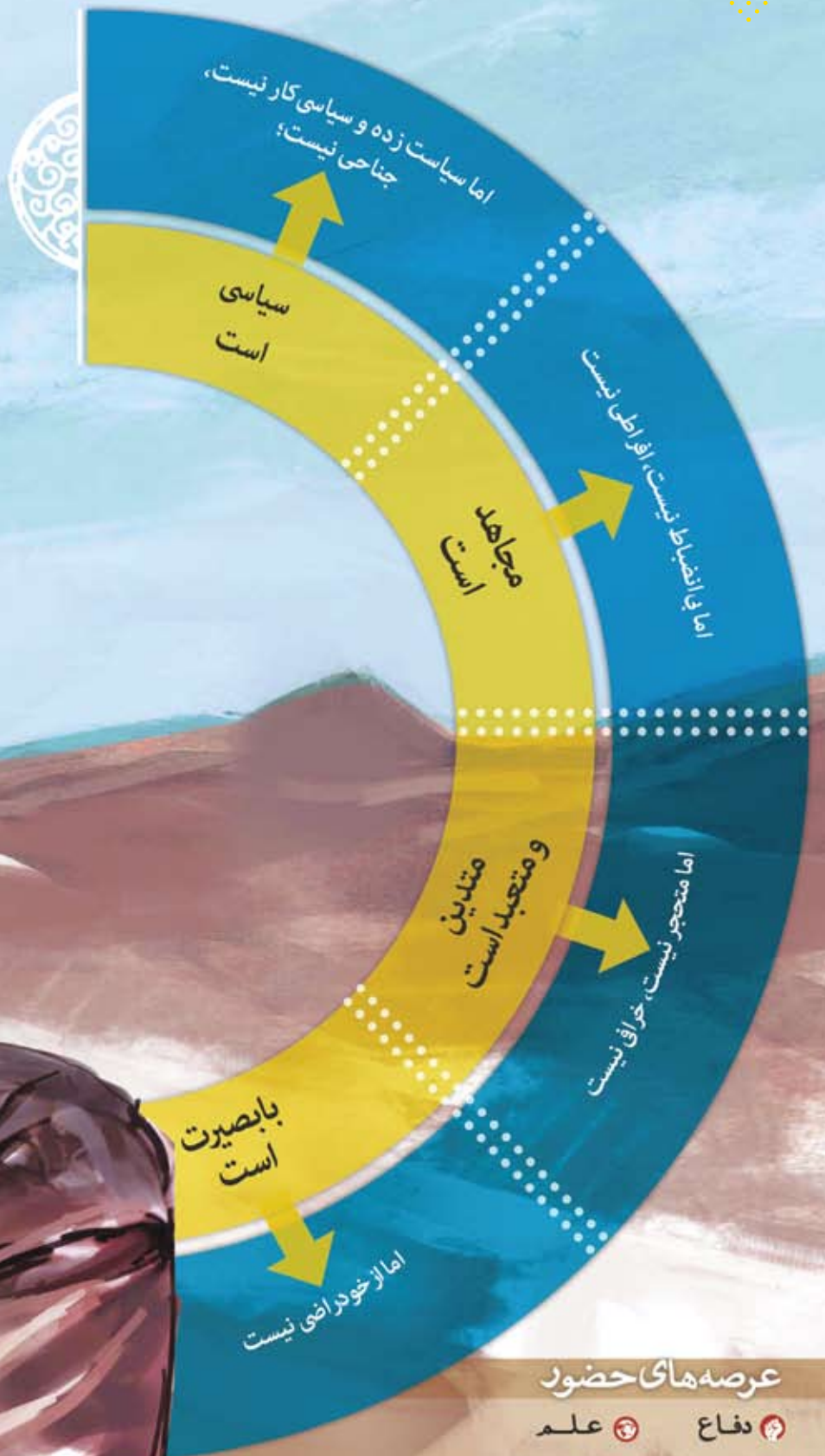


ویژگی‌ها

فرهنگ

فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفتها و روش‌ها
ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم

بیانات در دیدار افشار نمونه بسیج براس کشور ۱۳۹۰/۹/۶



بابصیرت
است

اما از خود راضی نیست

ومتعجب
است

اما متعجب نیست، خرافاتی نیست

مجاهد
است

اما فاخر است، افراطی نیست

اما سیاست زده و سیاسی کار نیست،
جناحی نیست؛

سیاسی
است

عرصه‌های حضور

دفاع ۵ علم ۵

هنر ۵ سازندگی ۵

سیاست ۵ درخشش‌های بین‌المللی ۵

کبک به درماندگان و مستضعفان ۵



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



فای فرهنگ بسیجی در بیانات رهبر انقلاب

بسیجی

با و منشهائی که میتواند مجموعه‌های عظیمی را در هم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است.



عرصه‌های حضور

- فرهنگ 📖 تولید
- ورزش 🏃 فناوری
- پیشبرد مسائل گوناگون ✖
- حضور در هر کار خیر 🤝



شبکه‌های اجتماعی؛ ستادهای فرماندهی جنگ‌های نوین

سیده مهناز حسینی

مفهوم قدرت نرم، نخستین بار توسط ژوزف نای بالگوگیری از قیام مردم در انقلاب اسلامی ایران، تئوریزه و در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (نای، ۱۳۹۳) و خیلی زود این تقسیم‌بندی قدرت، به سخت و نرم، وارد حوزه مطالعات جنگ شد و جنگ‌ها را بر اساس مبنای ابزار و روش تحمیل اراده به جنگ سخت و جنگ نرم تقسیم کردند (نائینی، ۱۳۸۹، ۵). رویکرد جنگ نرم در سیاست‌های نظام امنیتی معاصر، برخاسته از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و مشاهدات تاریخی نیز بر اهمیت آن تأکید دارد. به طور اصولی، هر نوع اقدام در حوزه تأمین منافع ملی که با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همراه است، مستلزم متقاعد نمودن افکار عمومی داخل و خارج از کشور است (متقی دستنایی، ۱۳۹۴).

به طور معمول، دستیابی به نتیجه موفقیت‌آمیز در یک جنگ، مستلزم حمایت افکار عمومی جهانی و کشور در حال جنگ است تا دولت‌های حاضر در نبرد بتوانند به اقدام نظامی خود مشروعیت و مقبولیت بخشند. در چنین شرایطی است که اهمیت عوامل منتقل‌کننده وقایع نبرد به افکار عمومی، که همان رسانه‌ها اعم از دیداری و شنیداری هستند، به مراتب بیشتر می‌شود. تسلیحات نظامی، تنها پنجاه درصد موفقیت در جنگ‌های جدید را تأمین می‌کنند و پنجاه

درصد دیگر آن، از سوی جنگ نرم، که بخش عمده آن توسط رسانه‌های مختلف اجرا می‌شود، تعمین میشود (مقدم و جمالی، ۱۳۹۲). عملکرد رسانه‌ها در شرایط کنونی (با توجه به تغییر کارکردها و نقش‌های کنونی رسانه از نقش‌های مسالمت‌آمیز به رویکردهای خصمانه و جنگ طلبانه) به تهدیدی جدی برای کشورها تبدیل شده است. بسیاری از دولت‌های غربی، به خصوص آمریکا، از رسانه‌ها به عنوان ابزاری جنگی برای به کرسی نشاندن منویات و مقاصد خود بهره‌بردار می‌کنند. به عبارتی، تهدیدهای دنیای امروز، تهدیدهای رسانه‌ای است که به جنگ‌افزاری پر قدرت برای تحت‌استیلاء در آوردن کشورها تبدیل شده است. در این میان، کشوری برنده میدان خواهد بود که هم ساز و برگ تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی بزرگ‌تر و پیشرفته‌تری را فراهم کرده باشد (آمدادی سخت‌افزاری) و هم در زمینه ارتباطات و متقاعدسازی و تولید فرهنگی، خبری، هنری و تبلیغاتی جلوتر از رقیبان خود حرکت کند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۹، صص ۸۴-۸۳). در همین راستا، با پایان یافتن صورت نظامی جنگ و شکست راهبردی نظامی (کودتا، شورش، تجزیه‌طلبی، ترور و حمله گسترده)، رویکرد نظام سلطه و در رأس آن آمریکا، برای رویارویی با نظام جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییر شد و براندازی نرم با دو راهبرد "تغییر ساختار" و "تغییر رفتار" از درون، دستور کار سران کاخ سفید

قرار گرفت (سراج، ۱۳۹۲).

پدیده جنگ نرم، که هم‌اکنون به عنوان پروژه‌ای عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است، در شاخص‌هایی مانند ایجاد نابہسامانی اقتصادی، شکل دادن به نارضایتی در جامعه، تأسیس سازمان‌های غیردولتی در حجم گسترده، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی برای ناکارآمد جلوه دادن دستگاه‌های اداری و اجرایی دولت، تضعیف حاکمیت ایران از طریق روش‌های مدنی و ایجاد ناتوی فرهنگی، متبلور می‌شود. در برآیند جنگ نرم، عوامل براندازی یا از زمینه‌های موجود در جامعه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند یا به طور مجازی سعی در ایجاد نارضایتی در افکار عمومی و سپس بهره‌برداری از آن دارند. استفاده از مشکلات اقتصادی، تنوع کثرت‌قومی ایران، ایجاد و دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکل‌های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، تلاش در نزدیکی به مردم تحت پوشش حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ایجاد شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی فارسی زبان حمایت از اپوزیسیون (سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد با آمریکا به ایران تحت عناوین جهانگرد که در صورت نیاز، به جنبش‌های مدنی و نافرمانی‌ها بپیوندند)، تسهیل فعالیت ان‌جی‌ا. آمریکا برای در ایران، دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در سمینارهای کوچک (این افراد باید از



میدهند و این نقاط از طریق اطلاعات و اخباری که در شبکه جریان می‌یابد، به هم متصل می‌شود. شبکه ارتباطات جهانی زمینه مناسبی را برای به چالش کشیدن حاکمیت دولت‌ها از سوی گروه‌های اجتماعی و سیاسی و سازمان‌های غیردولتی فراهم می‌کند. در واقع، رسانه‌های جهان شمولی (همچون اینترنت و فضای اطلاعاتی سایبر) موجب پیوند نهاد‌های مدنی ملی به یکدیگر شده است.

شاخص‌های جنگ نرم

جنگ نرم، اغلب معطوف به سه مؤلفه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه هدف است. بنابراین، با بهره‌گیری از یافته‌های محققان، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های جنگ نرم را به شرح مندرج در جدول زیر خلاصه کرد (نائینی، ۱۳۸۹، صص ۲۴-۲۳):

جنگ رسانه‌ای

دشمنان نظام جمهوری اسلامی، برای تسخیر قلب‌ها و ذهن‌های مردم و جایگزین کردن باورها و ارزش‌های غربی، به جای باورها و ارزش‌های اسلامی، از ابزارهای

ازبای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف می‌باشند تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن راسست کند و با مبارزان خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. از جمله مباحثی است که از دیرباز، در دنیا شکل گرفته است. این موضوع، علیه ایران از گستره و عملکرد وسیعی برخوردار می‌باشد. چرا که دشمنان قسم خورده این آب و خاک، که دست‌پلیدشان از منابع این مملکت بریده شده است، می‌خواهند جامعه ما را به بنیست کشیده تا از این رهگذر به اهداف شوم خود دست یابند. از آنجا که امروزه ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل به قدرتی کم نظیر تبدیل شده است، با وقوع انقلاب ارتباطات در ربع آخر قرن بیستم، نوعی جامعه اطلاعاتی و شبکه‌های شکل گرفته است که نقطه اتصال این شبکه‌ها را گروه‌ها و نهاد‌های مدنی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی شکل

سوی مقامات آمریکایی انتخاب شوند؛ نه نهاد‌های ایرانی)، استفاده از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر و به طور کلی تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران، از جمله راه کارهای اجرای این استراتژی به شمار می‌آیند. در حال حاضر و در قرن کنونی، با توجه به رخدادها و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی پیش آمده در نقاط مختلف جهان با استفاده از شیوه تهدید نرم، که یکی از انواع آن جنگ نرم است، کمتر صاحب نظری درباره نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی در این تحولات تردید دارد. همچنین پژوهش‌های علمی نیز بر این نکته تأکید دارند که با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، قرن بیست و یکم به ندرت شاهد جنگ سخت خواهد بود و با توجه به مزایای جنگ نرم، کشورها و دولت‌ها برای پیگیری اهداف و منافع خود در قالب‌های تازه به جنگ نرم و کاربرد حرفه‌ای رسانه‌ها رو آورده‌اند.

با توجه به این امر و نگرش خصمانه استخبار علیه جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد تهدید‌های رسانه‌ای علیه امنیت ملی ایران در حال تشدید است. رسانه‌ها می‌توانند بستری مناسب برای جنگ‌های روانی و تهدید‌های دشمنان باشند. مشاهده مخاطبان رسانه‌های خارجی، نظیر ماهواره و اینترنت، که به شدت متأثر از طراحان و مجریان تهدید‌های رسانه‌ای هستند، باعث می‌شود تا با درک آسیب‌پذیری‌های خود و تهدید‌های خارجی، بهترین راهبردها را برای مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها استخراج کنیم (نک: نصیری و دیگران، ۱۳۸۷).

بیان موضوع

اگر ایجاد دگرگونی در جوامع با تکیه بر تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های حاکمان مردم، بحث اصلی جنگ نرم باشد، در آن صورت، این جنگ، شیوه‌های نوین از فعل و انفعالات دولت‌ها برای سلطه بر کشورهای مختلف را نمایش می‌دهد. زیرا سلطه و استیلا با تعاریفی از قدرت، بسط و توسعه یافته که قدرت را توانایی تمرکز، تنظیم یا هدایت رفتار می‌داند. جنگ نرم، یک جنگ بدون خونریزی، مبتنی بر راه کارهای اجتماعی و فرهنگی است. زیرا در فرآیند آن، قدرت‌های مهاجم از مرعوب‌سازی و ایجاد بحران‌های فرهنگی و اجتماعی بهره می‌گیرند تا با یک شوک دلتنبار، قدرت و فرهنگ خود را بر جامعه هدف غالب کنند. در این جنگ، به مقدمات و اعتقادات فرهنگی جوامع حمله و فرهنگ غرب (همان سبک زندگی آمریکایی) از طرق مختلف به مردم جامعه القاء می‌شود. در حقیقت، در این جنگ به جای عملیات نظامی بحران‌های اجتماعی و فرهنگی برای جامعه مورد نظر به گونه‌ای

مهندسی می‌شود که برداشت ذهنی فرد از هنجارها، ارزش‌های خود و جامعه‌اش، دچار تزلزل و بی‌ثباتی شده، به راحتی آماده پذیرش هر عقیده‌ای شود. به طور کلی، در این جنگ تلاش می‌شود فرهنگ غربی، به عنوان فرهنگ غالب جهانی، ترویج و از رشد و نمو فرهنگ‌های اصیل و قدرتمندی همچون فرهنگ اسلامی جلوگیری شود. جنگ نرم که در پی

ردیف	شاخص‌های فرهنگی	شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های سیاسی
۱	تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های پایه	از خود بینگانی و بحران هویت	تغییر ترجیحات سیاسی
۲	تغییر الگوهای شناختی	کاهش انسجام اجتماعی	رواج بی‌تفاوتی سیاسی
۳	گرایش به الگوهای غربی	کاهش روحیه ملی	افزایش مطالبات سیاسی
۴	گرایش به رسانه‌های غربی	افزایش گسست ملی	افزایش واگرایی ملی
۵	رواج گرایش‌های خرافی	القای احساس ناامنی اجتماعی	آمادگی برای نافرمانی مدنی
۶	ترویج نسبی‌گرایی	تشدید آسیب‌های اجتماعی	رواج لیبرالیسم
۷	القای ناآرامی دین در جامعه	تغییر آداب و رسوم	بحران مشروعیت سیاسی
۸	کاهش خودباوری ملی	رواج فمینیسم	
۹	افزایش سلفی‌گری	افزایش بی‌اعتمادی عمومی	
۱۰	ترویج محصولات فرهنگی غرب	کاهش رضایت از زندگی	
۱۱	ترویج سبک زندگی غربی	رواج احساس تبعیض و بی‌عدالتی	رواج ونشر شایعه و شبهات سیاسی
۱۲	کاهش رفتارهای مذهبی	ترویج واگرایی قومی	افزایش تنش‌های سیاسی
۱۳	تغییر نگرش به پوشش	کاهش سرمایه‌های اجتماعی	کاهش اعتماد بر رسانه ملی



فراوانی استفاده می‌کنند. روشن است که شناخت ابزار و ادوات دشمن در جنگ نرم، شرط ضروری و ابتدایی ورود به میدان این مبارزه است. بدون شناخت دقیق امکانات، ابزارها و شگردهای دشمن، هرگز نمی‌توان امیدوی به مقابله درست و نتیجه بخش با آن داشت. در عین حال، همان گونه که از تعریف جنگ نرم به دست می‌آید، ماهیت این جنگ به گونه‌ای است که نمی‌توان ابزارهای آن را محدود و منحصر به ابزارهایی خاص دانست. یکی از مهم‌ترین ابزارها در جنگ نرم،



رسانه است. نقش رسانه‌ها در جنگ نرم تا آنجاست که به گمان عده‌ای، جنگ نرم همان جنگ رسانه‌ای است (البته این دو از هم تفکیک پذیرند) (شریفی، ۱۳۸۹، صص ۹۰-۸۹).

با توجه به اینکه رسانه‌ها ابزاری مؤثر و توانمند برای نفوذ در افکار عمومی هستند، بهره‌برداری از آنها، در عرصه‌های مختلف، در هیچ دوره‌ای به اندازه وضعیت کنونی مهم نبوده است (ریاحی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۴). جنگ رسانه‌ای، استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها، به منظور دفاع از منافع ملی، است (محمدی، ۱۳۸۹، صص ۸۲). جنگ رسانه‌ای به ظاهر میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جلال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست‌های رسانه‌ای یک کشور» نهفته است که به طور مستقیم توسط بودجه‌های رسمی

مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود. مردمی که



تحت بمباران جنگ رسانه‌ای قرار دارند، حتی ممکن است خود از وجود جنگ سنگینی که بر فضای تنفسی آنها جریان دارد، بی‌اطلاع باشند. اگرچه در نهایت هدف جنگ رسانه‌ای تغییر کارکرد و عملکرد دولت هاست، اما به گونه‌ای ملموس به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد. جنگ رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه‌ای غرب علیه کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوع هستند که می‌توان آن را به «جنگ جهانی رسانه‌ای» تعبیر کرد (ضیایی‌پور، ۱۳۹۶، صص ۱۳-۱۲). مواردی از این دست سبب شکل‌گیری نظریه‌های رسانه محوری شود که بر تأثیر رسانه‌ها، بیش از حد، تأکید دارند.

▶ نظریه تأثیر قدرت‌مند رسانه‌ها

از اوایل دهه ۱۹۳۰، یک رشته تحقیقات توسط مؤسسه مطالعات بین‌درومی آمریکا انجام شد و تا اوایل ۱۹۶۰ ادامه یافت. در این تحقیقات، که به طور جداگانه صورت گرفته است، مطالعات درباره انواع مختلف تأثیر محتوای رسانه‌ها (بعضی فیلم و برنامه‌ها و مبارزات کامل انتخاباتی) انجام شد. توجه اطلاعات بر ارزیابی تأثیرات مخرب رسانه‌ها، با توجه به بزهکاری، تعصب نژادی، تجاوزات تحریکات جنسی، متمرکز بود. در طول این مرحله از مطالعات، به تدریج طبیعت تحقیق به واسطه پیشرفت‌هایی که در متدولوژی و نحوه جمع‌آوری دلایل صورت گرفت، تغییر یافت و محققان متغیرهای جدیدی را که باید در تحلیل اثرگذاری مورد توجه قرار گیرند، پیشنهاد کردند (دهقان طرزجانی، ۱۳۸۷). به مجرد آنکه نظریه‌های جدید، مبنی بر اینکه رسانه‌ها به طور مستقیم فاقد قدرت تأثیرگذاری هستند و تأثیرگذاری آنها به طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد، مطرح شد. بررسی‌های تازه‌تری انجام گرفت که یافته‌های آنها خلاف این نظریه را نشان می‌داد. یکی از دلایل عدم پذیرش نظریه «حداقل تأثیر» رسانه‌ها، ورود تلویزیون (به عنوان یک رسانه جدید) در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. تلویزیون، بیش از رسانه‌های پیشین از

قدرت کشش و جذابیت برخوردار بود و برای زندگی اجتماعی، نتایج اساسی بیشتری به همراه داشت (دهقان طرزجانی، ۱۳۹۶).

در این فاصله، رسانه‌ها به واسطه قدرت خارق‌العاده‌ای که در شکل دادن به نظریات و عقاید، تغییر عادات اجتماعی و رفتار افراد بازی می‌کردند، اعتبار فراوانی یافتند. نظریه پردازان این دوره، برای رسانه‌ها قدرت فراوانی قائل هستند و باور دارند که رسانه‌ها عنصر اصلی تشکیل دهنده جامعه هستند (تاناکارد و ورنر جی، ۱۳۹۵).

▶ جنگ نرم رسانه‌ای علیه ایران

جنگ نرم، با هر تعریف، با رسانه ارتباطی محکم دارد. به واقع، عرصه رسانه‌ها را می‌توان یکی از مهم‌ترین کانون‌های عملیاتی شدن جنگ نرم دانست. عرصه رسانه از چنان قابلیت‌ها و امکاناتی برخوردار است که با در اختیار گرفتن آنها می‌توان به سهولت به اهدافی مانند اقناع، فریب و دست‌کاری افکار و آذهای مخاطبان دست یافت. از این رو، شناخت این عرصه برای مدیریت تهدیدات نرم افزاری نوین و چالش‌های مترتب بر آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. شناخت فضای جنگ نرم رسانه‌ای، چندان سهل و آسان نیست:

نخست اینکه ادبیات نظری جنگ نرم رسانه‌ای نه تنها در داخل ایران، که مبدع این مفهوم شناخته می‌شود، بلکه در سایر کشورها نیز چندان غنی نیست و به تبع تازگی و بداعت مفهومی، مطالعات موردی چندان در خوری در این حوزه انجام نشده است.

دوم، با وجود استمرار فضا سازی تبلیغاتی و جنگ نرم رسانه‌ای بین داخل و خارج، طی سه دهه اخیر، محافل آکادمیک، نهادها و مراکز پژوهشی و حتی سازمان‌های مرتبط با این موضوع نیز اهتمام چندانی به جنگ نرم رسانه‌ای و موضوعات مرتبط با آن نداشته‌اند.

سوم و فراتر از این، حتی داده‌های اولیه، آمار و اطلاعات بنیادین نیز کمتر به شکل متمرکز و مکانیزه گردآوری شده و قابلیت دسترسی اندکی به آنها وجود دارد (گلشن پیژوه، ۱۳۸۹).

مقوله تهدیدها و جنگ نرم رسانه‌ای پس از تغییرات در مشی غرب در شکل استعمار فرانو، در اکثر نقاط دنیا به عنوان یک برنامه جدی دنبال شد. این امر در مورد کشور ما نیز صادق است. در این چارچوب، کشورهای غربی (به خصوص آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا) در سه دهه گذشته، تمام امکانات و قابلیت‌های خود را در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته و به اقتضای عصر جدید، بهره‌گیری از رسانه‌ها را، به منظور ارتقای بیشتر جمهوری اسلامی ایران، در دستور کار خود قرار داده‌اند. از این رو، در کنار فعالیت‌های شبکه‌های رسمی این کشورها، افزایش بی‌سابقه تعداد شبکه‌های دیداری و شنیداری ضد انقلاب در سطوح مختلف ملی و محلی و





راه اندازی سایت های متنوع در شبکه اینترنت (در کنار فعالیت پر حجم آنها در عرصه رسانه های مکتوب) طی سال های اخیر طراحی و اجرا شده است. البته این امر در کنار بالا رفتن ظرفیت های رسانه ای کشورهای غربی در مقیاس جهانی نیز صادق است. درک اهداف فعالیت های رسانه ای یاد شده از سیاست های کلان صاحبان این رسانه ها، کارچندان دشواری نیست. اما شناخت علمی و دقیق تهدید های ناشی از این فعالیت های رسانه ای، مستلزم پژوهش هایی عمیق تر و فراگیر تر در حوزه تکنیک های تهدید، شیوه های نفوذ و غیره است (نقیب السادات، ۱۳۸۹).

شاید بتوان گفت: در حال حاضر، یک جنگ نرم رسانه ای جهانی علیه جمهوری اسلامی و نظام مردم سالاری دینی راه افتاده است. خط مشی کلی و مشترک همه رسانه های استکبار علیه جمهوری اسلامی، این است که هیچ نقطه مثبتی از ایران را منعکس نمی کنند، حتی اخبار مثبت را با هنرمندی های فنی و حرفه ای، به گونه ای منفی جلوه می دهند (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۹۲). به عبارتی از «غلط پردازی های رسانه ای» برای توجیه اقدامات خود و جنگ نرم علیه ایران استفاده می کنند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹، ص ۴۰۸).

▲ جنگ نرم و تهاجم به حوزه فرهنگ

تهاجم فرهنگی، یکی از انواع جنگ نرم و جنگ روانی دشمن است. مدت ها است که دشمن به دنبال روشها و ابزار هایی است که بتواند با حداقل ریسک، بیشترین منافع را به دست آورد.

در تهاجم فرهنگی، دشمن به اقدامات سازمان یافته و پنهانی، که با هدف ضربه و ضرر به منافع ملی کشور (از طریق انحراف در تصمیمات مهم و حیاتی و حمله به مؤلفه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) انجام میشود، دست میزند. نزدیک به سه دهه است که تهاجم فرهنگی علیه کشورها توسط کشورهای خارجی اعمال شده است.

اما همچنان خلاء بررسی های بیشتر و دستیابی به روش های مقابله با آن حس می شود. عدم توجه کافی به این تهدید دشمنان، به دلیل فریب پنهانی پنداشتن قصد و تهدیدات دشمن است. بنابراین، افزایش اطلاعات و آگاهی مردم در خصوص این نوع تهدیدات دشمن ضروری و اساسی است.

تهاجم فرهنگی در دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری، برای اضمحلال خانواده ها، جامعه، کودکان، جوانان و نوجوانان (اعم از زن و مرد) و ایجاد تعارض بین اقوام و خرده فرهنگ ها طراحی شده است.

بسیاری از روشنفکران کشورهای اسلامی، تهاجم فرهنگی را با تبادل فرهنگی اشتباه می گیرند. در تبادل فرهنگی، امکان مذاکره، رقابت صحیح و بررسی عمیق و باور های فرهنگی وجود دارد؛ در حالی که در تهاجم فرهنگی، دشمن همه ارزشها و باورها و اعتقادات و مؤلفه های فرهنگی رقیب را مورد حمله، خدشه و تضعیف قرار می دهد و روحیه ملی مردم و اقشار گوناگون را تخریب می کند. ابزار تبلیغاتی و رسانه ای ارتباطی، نقش ویرانگری را به عهده میگیرند که در آن مردم، به عنوان اولین عامل ایستادگی و قدرت یک کشور، مورد تخریب و آسیب فرارمی گیرند (مهدی

آقا پور، ۱۳۹۰؛ ۴۲).

در تهاجم فرهنگی، دشمن فرصت گزینش، شناخت و تجزیه و تحلیل را از مردم میگیرد و با تبلیغ و اطلاع رسانی غلط و با ایجاد هیجانانگیز کاذب و برانگیختن احساسات، بر افکار عمومی سلطه میافکند و معیارها و ارزشهای خود را بر مردم تحمیل میکند.

به کارگیری جذابیت های صوتی و تصویری، رنگ، گرافیک، موسیقی، انواع ابزارهای لهو و لعب، فیلم سینمایی و تبلیغات گسترده، برای ترویج ارزش های غربی و تخریب دارائیهای فکری ملل جهان، به کار گرفته شده است.

آنها تلاش می کنند روحیه ملی و هویت ملی ملت ها را زیر سؤال ببرند. به نحوی که آحاد مردم احساس کنند هیچ افکار، الگوی اساسی و ارزشی از جانب خود ندارند و الگوهای غربی بهترین الگوی جایگزین است. از خود بیگانگی، به معنی فراموشی خود و دارایی های فکری و ارزش های خودی است. برای فرهنگ سازی، باید فرهنگ و عناصر تشکیل دهنده آن را شناخت. فرهنگ، از پرکاربردترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی است و به عنوان مهمترین مفهوم در رشته های گوناگون علمی و در نظام فکری متعددی مورد استفاده قرار می گیرد. امروزه، تعریف از فرهنگ، به عنوان شیوه زندگی بشری، امری پذیرفته شده بوده و وجه تمایز نوع بشر با سایر موجودات به شمار می رود (حجاریان، ۱۳۸۰).

اولاً، فرهنگ در زمینه جامعه معنای یابد و مفهومی اجتماعی است. دوماً، فرهنگ برונدهای رفتاری قابل مشاهده است. سوماً، فرهنگ به صورت اکتسابی، آگاهانه و آموزشی و یا طریق غیرمستقیم منتقل می شود. چهارماً، فرهنگ مفهومی ارزشی، که به گروه یا تمدنی خاص و فاخر اختصاص دارد، نیست. بلکه هر گروه اجتماعی، دارای نوعی فرهنگ مختص خود است.

آنچه فرهنگ اسلامی را از دیگر فرهنگها جداوارزشمند می سازد، ساختار ارزشی و عناصر فرهنگی است که

از دین مبین اسلام گرفته شده است و پشتوانه آن تعالیم و آموزه های دینی و الهی است و به همین دلیل ما برای فرهنگ اسلامی ارزش و احترامی خاص قائل هستیم. فرهنگ اسلامی، جهان را در قالب نام معنادار الهی تقسیم می کند و رفتار افراد جامعه را نیز در قالب همین نظام معنا مینماید.

آنچه شکل دهنده شیوه زندگی مسلمانان در طول تاریخ است، در حقیقت تجلی و تلاش دائمی مسلمانان برای معنا بخشیدن به چارچوب زندگی (بر اساس همین فرهنگ) است.

▲ راهکارهای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران

پدیده جنگ نرم، که هم اکنون به عنوان پروژه ای عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است، در شاخص هایی مانند ایجاد نابه سامانی اقتصادی، شکل دادن به نارضایتی در جامعه، تأسیس سازمان های غیردولتی در حجم گسترده، جنگ رسانه ای، عملیات روانی برای ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اداری و اجرایی دولت، تضعیف حاکمیت ایران (از طریق روش های مدنی و ایجاد ناتوی فرهنگی) متبلور می شود. در برآیند جنگ نرم، از عوامل براندازی یا زمینه های موجود در جامعه، برای پیشبرد اهداف خود بهره می برند یا به طور مجازی، سعی در ایجاد نارضایتی نزد افکار عمومی و سپس بهره برداری از آن دارند.

به طور کلی، تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در برهه زمانی کنونی را می توان به دو گروه تهدیدات نظامی و تهدیدات نرم تقسیم بندی کرد (برنز، ۱۳۸۵).

در همین راستا، کمیته صلح جاری برای مقامات آمریکایی، نیز تنها راه تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران را بیگیری جنگ نرم (به جای جنگ سخت) می داند. سه محور اصلی این استراتژی، که دلتانام دارد، استفاده از تاکتیک های دکترین مهار، نبرد رسانه ای و ساماندهی نافرمانی مدنی می باشد.

استفاده از مشکلات اقتصادی، کثرت تنوع قومی ایران،



ایجاد و دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکل های دانشجویی و نهاد های غیر دولتی و صنفی، تلاش در نزدیکی به مردم تحت پوشش حمایت از حقوق بشرو دمکراسی در ایران، ایجاد شبکه های متعدد رادیویی- تلویزیونی فارسی زبان، حمایت از اپوزیسیون (سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد با آمریکا به ایران (تحت عناوین جهانگرد که در صورت نیاز، به جنبش های مدنی و نافرمانی ها پیوندند)، تسهیل فعالیت ان. جی. آمریکایی در ایران، دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در سمینار های کوچک (این افراد باید از سوی مقامات آمریکایی انتخاب شوند، نه نهاد های ایرانی)، استفاده از سفارتخانه های کشورهای دیگر و به طور کلی، تضعیف ستون های حمایتی حکومت ایران، از جمله راهکار های اجرای استراتژی دلتا به شمار می آیند.

رژیم صهیونیستی نیز با همکاری آمریکا در راستای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، چندی پیش در نظر داشت که با درج آگهی در روزنامه های وابسته به خود، تعدادی جاسوس فارسی زبان را بعنوان انتخاب شغلی جالب و چالش برانگیز، به استخدام موساد درآورد. علاوه بر این، این رژیم ها با همکاری اتحادیه اروپا و آمریکا در نظر دارند یک شبکه رادیویی-تلویزیونی برای ایرانیان راه اندازی کنند.

طرح یاد شده، شامل راه اندازی یک کانال تلویزیونی، یک ایستگاه رادیویی و یک وب سایت اینترنتی است که اخبار فوری، برنامه های زنده و تکراری را به صورت ۲۴ ساعته برای ایرانیان پخش می کنند. هدف از این طرح، تأثیر گذاری بر افکار عمومی جامعه ایران و فراهم نمودن زمینه جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است (برنز، ۱۳۸۵).

جنگ نرم، در برابر جنگ سخت، در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی دارد. جنگ روانی، جنگ رایانه ای،

اینترنتی، براندازی نرم، راه اندازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی و شبکه سازی، از اشکال جنگ نرم هستند. جنگ نرم به دنبال از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم تزلزل و بی ثباتی تزریق کند. جنگ نرم، توسط کمیته خطر جاری، در سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ طراحی شد. کمیته خطر جاری در اوج جنگ سرد و در دهه ۱۹۷۰، با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه دار سازمان سیا و پنتاگون، تأسیس شد (رنجبران، ۱۳۸۸: ۸۳).

در آن مقطع و در پی اصلاحات گورباچف (مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و تغییر در قوانین اقتصادی (پروسترویکا)) این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت و رودر رو با اتحاد جماهیر شوروی تنها راه به زانو درآوردن بلوک شرق را جنگ نرم و فروپاشی از درون معرفی کرد. سیاستگذاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه ای و سامان دهی نافرمانی مدنی اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند.

ایران نیز امروزه به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاور میانه و هارتلند نظام بین الملل، به قدرتی کم نظیر تبدیل شده است که از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی دیگر نمی توان بایورش نظامی و جنگ سخت آن را سرتگون کرد. بلکه تنها راه سرتگونی نظام جمهوری اسلامی پیگیری مکانیسم های جنگ نرم و به کارگیری تکنیک های عملیات روانی (با استفاده از سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه ای و سامان دهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی) است. راه اندازی پروژه جنگ نرم علیه ایران در مقطع کنونی را باید ناشی از گسترش حس تنفر از آمریکا در جهان دانست که به نظر سران کاخ سفید، ایران، مرکز اصلی ایجاد این تنفر و گسترش آن است. در آمریکا، برای مقابله با این موج، نیروی واکنش سریع تشکیل شد تا اولاً در قالب پروژه دموکراتیزه کردن کشورها به خنثی سازی نفوذ معنوی ایران در کشورهای اسلامی و منطقه خاور میانه بپردازد و ثانیاً، با القای خطرناک بودن ایران برای امنیت همسایگان، اذهان عمومی از اقدامات و نقشه های ایالات متحده منحرف شود (سایت تبیان، ۱۳۸۸: ۲۳/۲۴).

نکته مهم این است که آخرین نظرسنجی، که توسط شورای روابط خارجی آمریکا در بیشتر کشورهای خاور میانه مانند مصر، عربستان سعودی، اردن، لبنان و امارات متحده عربی صورت گرفته، حاکی از آن است که کمترین درصد مردم این کشورها طرفدار دموکراسی به سبک آمریکایی هستند. اکثریت مردم این کشورها معتقدند هدف اصلی آمریکا از پروژه دموکراسی سازی در خاور میانه، دستیابی آسان به نفت، امنیت اسرائیل و تضعیف مسلمانان است. نوشتار حاضر بر این اعتقاد است که استراتژی آمریکایی برای مقابله با جمهوری اسلامی

ایران در شرایط کنونی مبتنی بر اقدامات غیر نظامی و نرم، در کنار تهدید به اقدام نظامی، است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸).

▶ ناتوی فرهنگی، چهره ای دیگر از جنگ نرم

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان یافتن جنگ سرد (۱۹۹۱-۱۹۴۵) دنیا به سمت تک قطبی شدن پیش رفت. بنابراین، آمریکا، که رقیب اصلی اش (اتحاد جماهیر شوروی) دیگر توان مقابله با او را نداشت، احساس کرد رقیب ممتازی ندارد. به همین علت تلاش کرد سیطره خود را در عرصه های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر جهان تحمیل کند. بنابراین، به فرهنگ سازی جهانی مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی، متوسل شد. از همین روابط عمومی، به یک مجموعه مقتدر فرهنگی نیاز بود و شاید از این زمان به بعد عملاً ناتوی فرهنگی موجودیت یافت. در همین راستا، اندکی پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه پایان تاریخ فوکویاما، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه جان هاپکینز، در سال ۱۹۸۹ در سطح جهان مطرح گردید. وی در مقاله اش خاطر نشان می کند: «واقعیتی که اینک شاهد عینی آن هستیم، تنها پایان جنگ سرد یا عبور از یک دوران تاریخی جنگ سرد نیست، بلکه این واقعه نقطه پایان تحول اپیدئولوژیکی بشری و جهانی سازی لیبرالیسم غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت بشری، است.» همچنین، همزمان با نظریه مذکور، نظریات دیگری مانند موج سوم آلون تافلر، دهکده جهانی جرج اورول و مک لوهان، برخورد تمدن های ساموئل هانتینگتون، جهانی شدن و جهانی سازی رابرتسون هابرماس و گیدنز و نظریه عدالت جهان راولز، به عنوان مکمل های نظریه پایان تاریخ فوکویاما، مطرح شدند. در نتیجه، حس جهانشمولی و به تعبیر دیگر احساس کد خدا بودن برای دنیایی که در چارچوب دهکده جهانی گنجانده شده است، سبب گردید که ناتوی فرهنگی عینیت یابد. همچنین، می توان دلایل روی آوردن به ناتوی فرهنگی را نسبت به ناتو با رویکرد نظامی به شرح ذیل بیان نمود:

- گستره و دوربرد ناتوی فرهنگی فراتر از مرزهای



جغرافیایی، بلکه مرزهای فکر، اندیشه و فرهنگ ملت هاست؛ لکن دوربرد ناتوی نظامی مرزهای جغرافیایی یک یا چند کشور است.

- استراتژی و رهیافت ناتوی فرهنگی قبضه کردن باورها، ایدئولوژی و جهان بینی ملت ها و فرهنگ هاست؛ لکن استراتژی ناتو با رویکرد نظامی، تصرف زمین و کسب منابع و مراکز مهم اقتصادی است.

- ویرانی ها، تلفات و خرابی هادر کارکرد نظامی و جنگ سخت، محسوس و ملموس است. ضمن آنکه با هزینه کردن، قابل بازسازی است. ولی در ناتوی فرهنگی، ویرانی ها و تلفات و به تعبیر بهتر آسیب ها، نامحسوس است. بنابراین، تخریب فکری و فرهنگی به آسانی بازسازی نمی شود (سایت تبیان، ۱۳۸۸).

- ناتوی فرهنگی جنگ نرم، بدون خاکریز و بی سروصداست. اما ناتو با رویکرد نظامی درگیر جنگ سخت و پیرسرد است.

- کارکرد ناتوی فرهنگی بلندمدت، پرجاذبه، پربازده، کم درد سرو کم هزینه تر است. ولی ناتو با رویکرد نظامی کوتاه مدت، خشک و سخت، کم بازده و پردرد سرو پرهزینه تر است.

- تلفات انسانی در جبهه نظامی مقدس، با ارزش و ماندنی است و به خصوص در فرهنگی دینی تحت عنوان شهادت از آن یاد می شود. اما در عرصه فرهنگی، ذهن ها و اندیشه ها آسیب می بیند.

به طور کلی، فرهنگ هر قوم و آیینی و به تعبیر دیگر فرهنگ هر ملت و کشوری در برگیرنده باورها، ارزش ها، آداب، رسوم و باید ها و نبایدهایی است که به عنوان زیربنای اصلی هویت هر کشوری به شمار می آید. بنابراین، به حاشیه راندن فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملت ها، از جمله اهداف ناتوی فرهنگی است تا با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی، در راستای فرهنگ سازی جهانی، خواسته های خود را در تمام ابعاد تأمین کنند و در عمل اداره کشورها و به تعبیر صحیح تر اداره امور جهان را به دست گیرند.

آمریکا و جریان صهیونیسم بین المللی برای عملیاتی ساختن و جنگ نرم در قالب ناتوی فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران، طی سال های گذشته و همچنین برای سال های آینده راهبردها و شیوه های زیر طراحی کرده اند:

- پیگیری پرونده هسته ای ایران و القای غیر صلح آمیز بودن این فناوری تبلیغ و اینکه ایرانی ها

تلاش دارند بمب اتمی بسازند که نه تنها برای امنیت و ثبات منطقه و جهان خطرناک است، بلکه موجب تقویت جبهه تروریست ها و جریان بنیادگرایی افراطی در جهان خواهد شد.

- سرمایه گذاری در رسانه های دیداری و شنیداری، سازمان های تبلیغاتی و خبری و کمپانی های فیلم سازی برای ارائه تصویری سیاه و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی جهان که آخرین نمونه آن ساخت و پخش فیلم ضد ایرانی «۳۰۰» بوده است. فیلم دیگری نیز تحت عنوان «فرار از تهران» توسط کمپانی برادران وارنر در حال تولید است.

- ایجاد فضای رسانه ای درباره دخالت ایران در عراق، لبنان و... (در نقش بزرگ ترین مدافع تروریسم که به عوامل نامنی در این کشورها تسلیحات می رساند و آنها را آموزش نظامی می دهد).

- تقویت و ایده جنبش دموکراسی به سبک آمریکایی و مستمسک قرار دادن مقوله حقوق بشر، حقوق زنان و دامن زدن به مطالبات صنفی و اجتماعی، همچنین سازمان دهی نارضایتی ها و نا فرمانی به اصطلاح مدنی به وسیله مطبوعات خاکستری، احزاب و...

- راه اندازی سایت های اینترنتی و ارائه نرم افزارهای جاسوسی به عوامل خود در داخل کشور تا ابعاد مختلف جنگ رسانه ای به شکل اثربخش تر طراحی و اجرا شود.

- تلاش برای تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت زا و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن.

- سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای طرح هایی چون طرح امنیت اجتماعی، به عنوان محدود کننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی.

- ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای اینکه جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف در جریان است و در نهایت فلان طیف یا فلان گروه پیروز شده و یا شکست می خورد.

▲ جنگ رسانه ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

بنیادی ترین تعریف از جنگ رسانه ای، استفاده از رسانه ها برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و

ظرفیت رسانه ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منابع ملی است. جنگ رسانه ای، یکی از بر جسته ترین جنبه های جنگ نرم و جنگ های جدید بین المللی است. اگرچه جنگ رسانه ای عمدتاً به هنگام جنگ های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می کند، اما این به آن مفهوم نیست که در سایر مواقع جنگ رسانه ای در جریان نبوده و یا مورد استفاده قرار نمی گیرد. جنگ رسانه ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه ها، بهره برداری می کند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

جنگ رسانه ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری ها، شبکه های خبری و سایت های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام سیاست رسانه ای یک کشور نهفته است که به طور مستقیم توسط بودجه های رسمی مصوب پارلمان ها یا بودجه های سری سازمان های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس های جاسوسی تغذیه می شود. سربازان جنگ رسانه ای، متخصصان تبلیغات، استراتژیست های تبلیغات بین المللی و کارگزاران رسانه ها هستند.

پیچیدگی های ابعاد مختلف جنگ رسانه ای موجب شده تا تصمیم گیری درباره طراحی، تدوین استراتژی، چارچوب ها، تکنیک های کاربردی، نحوه عملیاتی کردن اهداف و مأموریت های تعریف شده، استفاده از حداکثر توان هر رسانه با توجه به امکانات انتشار مکتوب، چاپی، صوتی، تصویری، چند رسانه ای، اینترنتی و سرانجام انتشار آنلاین تنها به ژنرال های نظامی واگذار نشود. جنگ رسانه ای مقوله ای است که همکاری هماهنگ و نزدیک بخش های نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه ای و تبلیغاتی یک کشور را می طلبد. طراحان جنگ رسانه ای نه لزوماً ژنرال های یادگان نشین، بلکه ممکن است پروفیسورهای کالج ها و دپارتمان های رسانه ای در دانشگاه های معتبر هر کشور باشند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

جنگ رسانه ای برخلاف جنگ های نظامی که عمدتاً میان دو یا چند کشور به عنوان ائتلاف بایک کشور جریان می یابند، می تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی های مشخص جریان یابد. جنگ رسانه ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه ای غرب علیه کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می توانیم آن را به جنگ جهانی رسانه ای تعبیر کنیم. بهره برداری چند منظوره از فناوری جدید ارتباطی، یکی از شیوه های جنگ رسانه ای علیه ایران است. از سویی شبکه تلویزیون ماهواره ای مخصوص کامپیوتر و اینترنت راه اندازی می کنند و از سوی دیگر، با استفاده از اینترنت، سایت ها و وبلاگ ها، به تشریح روش استفاده از آنتن ها و رسیورهای ماهواره ای و نحوه عبور از پارازیت های پرازدند. در تعدادی از سایت ها و وبلاگ های مخصوص ماهواره آنچنان از جزئیات فنی کانال ها فرکانس ها سیگنال ها



و مشخصات آنتن ها و آل انبی سخن به میان آمده که هر مخاطبی با داشتن سطح اطلاعات اندکی می تواند تشخیص دهد که در پشت چنین سایت یا وبلاگی یک طراح حرفه ای و یک برنامه از پیش تعیین شده برای گسترش فرهنگ استفاده از ماهواره در ایران و حل مسائل و مشکلات فنی استفاده کنندگان وجود دارد. اگرچه توجه مطبوعاتی آمریکایی به مسائل ایران بسیار اندک بوده و به ندرت رویدادهای جاری ایران در این رسانه ها بازتاب می یابد، اما یک خط مشی کلان و محوری بر این رسانه ها حاکم است که بر اساس آن، فقط اخبار منفی از ایران بر روی صفحات این نشریات نقش می بندد و عمده گزارش های خبرنگاران مطبوعات غربی از ایران، یا مربوط به بحران های سیاسی، اجتماعات، زد و خورد ها و تضاد حاکمیت با مردم بوده و یا مربوط به موضوعات کلیشه ای و تکراری (مانند نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای و کشتار جمعی و نقض آزادی های سیاسی و مدنی) است. این رسانه ها، همچنین با انتشار اخبار سری و محرمانه یا اخبار هدایت شده از سوی دستگاه های سیاست خارجی و اطلاعاتی کشور متبوع خود، به ایجاد فضا و جوسازی علیه ایران می پردازند. ریشه یابی بسیاری از جریان سازی های رسانه ای علیه ایران، برای اولین بار، نشان می دهد که این رسانه ها، که عمدتاً وابسته به محافل صهیونیستی بوده اند، با جعل یا انتشار عامدانه برخی اطلاعات، اقدام به ایجاد محور فشار علیه ایران کرده و بیشتر رسانه های بین المللی تحت تأثیر فضای ایجاد شده، به دنباله روی از آن مسئله و دامن زدن به بحران خبری و سیاسی پرداخته اند. در سال های اخیر، با محوریت یافتن مسائل سیاسی ایران، بسیاری از مطبوعات آمریکا، اقدام به اعزام خبرنگار یا تأسیس و تقویت دفاتر نمایندگی در ایران کرده اند. این مسئله، عیناً در مورد خبرنگاری هایی نظیر روتترز، آسوشیتد پرس، یونایتد پرس، فرانس پرس و شبکه های تلویزیونی بی.بی.سی، سی.ان.ان نیز مصداق دارد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

تأثیرات شبکه های اجتماعی در جنگ نرم غرب علیه ایران

شبکه سازی، فرهنگ سازی، جریان سازی، گردش آزاد اطلاعات، کنترل و نظارت از کارکردهای اینترنت است. در این بخش، این بحث ارائه می شود که هر یک از این کارکردها به صورت عینی چگونه بر جنگ نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران تأثیر می گذارند و نحوه تأثیرگذاری آنها در عرصه های سیاسی، امنیتی و فرهنگی چگونه است؟ در ادامه، به ترتیب کارکردهای اینترنت و تأثیرات آن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد:

شبکه سازی های مجازی و جنگ نرم

روزنامه کویتی السیاسه، در گزارش تحلیلی به قلم «محمود حنفی» نوشت: «رژیم صهیونیستی بیش از ۲۰ هزار پایگاه شبکه های اجتماعی ایجاد کرده تا جوانان ایرانی را مخاطب قرار دهند. همه دستگاه های اطلاعاتی غرب توان خود را به کار بستند تا در ایام تبلیغات، توجه هارابه سوی کاندیداهای طرفدار غرب و پس از برگزاری انتخابات، آتش آشوب هاراشعله و رتر کنند. آنان در هفته های منتهی به انتخابات و وقایع

بعدی، از طریق شبکه های اجتماعی فیسبوک، توئیتر و یوتیوب حمله تبلیغی وسیعی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداختند.» محمد حسین هیکل، تحلیل گر برجسته و روزنامه نگار مصری، در خصوص دخالت غرب در انتخابات ایران می نویسد: «تنها دو روز مانده به انتخابات ایران، ۱۸ هزار پیام با موضوع تقلب و ضرورت اعتراض به آن

فرهنگی) توسط غرب انجام می شود. تاکیس فوتو پولوس، در سال ۱۹۸۷ میلادی، در مقاله «رسانه های جمعی، فرهنگ و دموکراسی» می نویسد: «امروز با فرآیند جامعی از همگون سازی فرهنگی مواجه هستیم که در نتیجه آن، شهرها بیشتر و بیشتر به هم شبیه شده اند؛ مردم در همه نقاط جهان به موسیقی یکسانی گوش می دهند و بر روی صفحه های تلویزیون های خود اپراهای یکسانی را می بینند و کالاهای مصرفی مشابهی را می خرند. ظهور و فاق نتولیبیرالسم در دو دهه اخیر، که به دنبال شکست سوسیال دموکراسی بود،



در شبکه های اجتماعی توئیتر

منتشر شد که بعداً مشخص شد این پیام ها از سوی کاربران رژیم صهیونیستی ارسال شده است.» وی افزود: «هزاران سایت و شبکه های اجتماعی در روزهای پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران فعال شدند که کارشان دستپاچه کردن نظام و تحریک مردم به ابراز خشم نسبت به نتایج انتخابات بود» (مجله گذر از فتنه ۸۸، ۱۳۸۸: ۴۸۲).

بر اساس آماری در مورد درصد دسترسی کشورهای مختلف و استفاده کاربران از اینترنت، آمریکا و کانادا ۶۳ درصد، اروپا ۲۲/۴ درصد و استرالیا، ژاپن و نیوزلند ۴/۶ درصد از رایانه های متصل به اینترنت را در اختیار دارند. در حالی که کشورهای آسیایی و آفریقایی تنها ۹/۵ درصد از این رایانه ها را در خود جای داده اند. همچنین ۸۳ درصد کاربران اینترنت در آمریکا، ۶ درصد در اروپا، ۳ درصد در اقیانوسیه و ۸ درصد در بقیه قاره های دنیا قرار دارند. این آمار، معنی و مفهوم این سخن است که بیشتر فعالیت های مختلف (از جمله

همگون سازی فرهنگی را تقویت کرده است. این نتیجه اجتناب ناپذیر لیبرالیته کردن بازار و برداشتن نظارت دولتی از آن و نتیجه تشدید تجاری کردن فرهنگ بوده است. در نتیجه، جوامع سنتی و فرهنگ های آنان در سراسر جهان در حال ناپدید شدن هستند و مردم آنها به مصرف کنندگان فرهنگی که در کشورهای پیشرفته صنعتی، به ویژه آمریکا، تولید شده، تبدیل شده اند» (جهانگیر، ۱۳۸۳: ۸).

راهبردهای مقابله با جنگ نرم رسانه ای

راهبردها نوعی برنامه ریزی کلان هستند که هدفی مشخص داشته و با توجه به امکانات، می کوشد با تهدیدات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران مقابله کند. راهبردهای ارائه شده در دو بعد داخلی و بین المللی ارائه می شوند:

۱- راهبردهای داخلی

برای مهار و مدیریت جنگ نرم رسانه ای، باید به اقداماتی



در سطح داخلی پرداخت. از جمله:

- ۱- راهبردهای داخلی اقتصادی
- بهره‌برداری رسانه‌های تبلیغاتی از دستاوردهای علمی و اقتصادی کشور،
- تبلیغ خودکفایی کشور در عرصه‌های مختلف،
- بهره‌برداری از رسانه‌ها برای تقویت روحیه ملی و تشویق مردم به خرید کالاهای ساخت ایران و سرمایه‌گذاری‌های ملی و
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه مالی و اقتصادی، برای تقویت توان رسانه‌ای کشور.

این امر منجر به ایجاد یک دستگاه قوی تبلیغاتی برای نظام می‌شود،

- پارازیت و فیلترینگ اغلب رسانه‌های بیگانه. اگرچه در فضای سایبر بهترین راه حل، تولید برنامه و پاسخ به شبهات است، لیکن باید در کنار این آمادگی، فضای متنسج‌شبهه آلود سایبر و شبکه‌های مجازی را، با اعمالی چون فیلترینگ،



و برنامه‌های تشویقی از این ایشارگران و مجاهدان، با ایجاد روحیه مثبت، بر دامنه توانمندی آنها بیفزایند.

- سوابق شایسته جنگی، پیشرفت‌ها و قدرت تسلیحاتی و موشکی. رسانه‌های داخلی باید با مانور بر روی افزایش توانمندی‌های میهن اسلامی در زمینه‌های نظامی و تسلیحاتی، تهدیدهای دول غربی (مبنی بر حمله نظامی) را کاهش دهند و به مثابه یک عامل بازدارندگی عمل کنند و با این کار مانع فروپاشی اعتماد عمومی شوند.

- وجود روحیه عزت‌طلبی، اقتدارجویی و بیگانه‌ستیزی در مردم و نظامیان. این موارد روحیاتی هستند که همیشه ابزارهای سخت دشمنان را تسلیم می‌کنند. پس، رسانه باید بر دامنه آنها بیفزاید و سعی کند روحیاتی از این دست را، که ریشه در فرهنگ اسلامی-ایرانی دارد، گسترش دهد.

- ایستادگی در برابر بیگانگان در وضعیت‌های بحرانی. رسانه‌ها باید بر مقاومت ایرانیان در فراز تاریخی اشاره داشته باشند و آگاهی لازم را در این زمینه به‌آحاد ملت بدهند تا آنها بدانند که گذشتگان نشان چگونه در شرایط وخیم و بحرانی، در مقابل دشمنان ایستادگی کردند (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸).

▲ نظام مقابله با جنگ نرم دشمن

پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سرمست از پیروزی لیبرال دموکراسی در غرب را با چالش جدی مواجه ساخت. غرب برای برنورفت از شکست‌های احتمالی خود، حجم وسیعی از سه طیف تهدیدات نظامی، امنیتی و فرهنگی را علیه جهان اسلام، به ویژه انقلاب اسلامی، طراحی و اجرا نمود.

جنگ نرم، گسترده‌ترین تلاشی است که علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، در قالب طرح‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... به‌فاز اجرا درآمده است.

تعاریف مختلفی از جنگ نرم ارائه گردیده است. برخی، جنگ نرم را با قدرت نرم و یا عملیات روانی هم‌تراز دانسته‌اند. در حالی که تفاوت بسیار بین جنگ نرم و دیگر مقوله‌های مطرح وجود دارد.

جنگ نرم، نه قدرت نرم است نه عملیات روانی. بلکه پدیده‌ای پیچیده و بسیار فزاینده است که باید مدلی برای مقابله با این پدیده، باید مدل و راه کارهای فراگیر و همه جانبه ارائه نمود. البته ظرفیت پرداختن به این مقوله وجود دارد.

در این مقاله، ضمن ارائه مدل مفهومی، به جنبه‌های مختلف مقابله پرداخته خواهد شد. برای ورود به اقدامات مقابله‌ای باید به دکنترین نظام مقابله با جنگ نرم و راهبردهای محوری آن، که به نوعی از ضروریات تهیه و تدوین یک نظام مباحث، پرداخته شود، اهداف و سیاست‌های حاکم بر نظام مقابله مورد بررسی قرار گرفته و مدل مقابله با جنگ نرم دشمن (شامل محورهای اشراف بر وضعیت، فضا سازی مخاطبین و محیط، ارتباط گیری هوشمند، اثرگذاری سیاسی، معنوی و اعتقادی، انگیزش، عمل صالح و گسترش آن و سازماندهی هسته‌های فرهنگی) ارائه شود.

همچنین، در این مقاله، محورهایی در خصوص اصول حاکم بر فرماندهان، افسران و سربازان جنگ نرم، برای مقابله با جنگ نرم دشمن، مورد ملاحظه قرار گرفته است.

۱-۲- راهبردهای داخلی فرهنگی و اجتماعی

- بهره‌گیری از رسانه‌های ملی و گسترش برنامه‌های بین‌المللی (برای تقویت وحدت دینی و اتحاد ملی)،
- تبلیغ جایگاه و کرامت زن در اسلام. در این زمینه، رسانه‌ها باید به سیاه‌نمایی‌های تبلیغاتی ماهواره‌های بین‌المللی، در باب زن و پوشش وی، پاسخ دهند.
- بهره‌گیری از شبکه‌های اسلامی سنتی (مانند حج، نماز جمعه، مساجد، هیئت‌ها، جشن‌ها، خیریه‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه) به مثابه رسانه،
- بهره‌برداری از سرمایه‌های اجتماعی (از قبیل وفاق ملی، انسجام اجتماعی، ارزش‌های دینی و...) در جهت بالا بردن روحیه ملی و
- جلوگیری از وقوع شکاف بین تشکل‌ها و نهادهای مردمی پیونددهنده حکومت و جامعه.

۱-۳. راهبردهای داخلی در خصوص فناوری و زیرساخت‌ها

- برنامه‌ریزی برای به کار گرفتن شبکه‌های متعدد صدا و سیما و رسانه‌های مختلف در حوزه‌های بین‌المللی، ملی، استانی و محلی (برای فعالیت‌های رسانه‌ای).

به کنترل درآورد و در عین حال قابلیت‌های مدیریت این شبکه‌ها را گسترش داد.

۱-۴. راهبردهای دفاعی-امنیتی

- نقش و اهمیت اقوام مختلف در تحولات مثبت داخلی، دفاع از کشور و داشتن خاطرات و تجارب مشترک تاریخی (مثل مشروطه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) و وفاداری بسیاری از اقوام به مرکز با توجه به ارزش‌های اسلامی و ایرانی. در این راستا، رسانه‌ها باید با تأکید بر مؤلفه‌های یاد شده، بر اتحاد اقوام و انسجام میان آنها تلاش ورزند و تلاش‌های دشمنان برای ایجاد تفرقه میان اقوام و ایجاد اندیشه تجزیه‌طلبی میان آنها را خنثی کنند.

- وجود توانمندی‌های روحی و معنوی کارکنان و فرماندهان نیروهای مسلح. در این راستا باید تلاش کرد تا اخلاقیات و توانمندی‌های نیروهای مسلح را با ایجاد بینش عمیق، از طریق رسانه‌ها، افزایش داد. به عنوان مثال، رسانه‌می‌تواند با نمایش دستاوردهای آنها



سعید جابری انصاری در نشست هم‌اندیشی «نقش و جایگاه مادران در مدیریت بحران‌ها» مطرح کرد

برنامه‌های وزارت ارشاد برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و فرهنگی با محوریت زنان

مکتب پیامبر اکرم (ص) در پرورش و تربیت حضرت زهرا سلام‌الله به عنوان الگوی زنان اسلام پرداخته و گفت: بررسی ابعاد شیوه صحیح تربیتی رمز موفقیت جامعه اسلامی در مسیر رشد و تعالی است. وی با تاکید بر نقش خانواده‌ها در پرورش انسان‌های متعادل و تاثیرگذار در جامعه، یادآور شد: در همه حوزه‌ها، به ویژه مباحث مرتبط با موضوع پدافند غیرعامل باید به مسیر تربیتی و آموزشی افراد در طول زندگی توجه و با ارائه آموزش‌های مورد نیاز، کاستی‌ها را تا حدودی مرتفع و بر مقاومت‌سازی و تاب‌آوری مجموعه‌های کشور افزود.

جابری انصاری، همکاری دو جانبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان پدافند غیرعامل کشور را نقطه عطفی در گسترش فرهنگ تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری‌های حوزه فرهنگ و هنر برشمرد. وی تاکید کرد: با توجه به نقش اساسی بانوان در کانون خانواده و به تبع آن در اجتماع و با عنایت به سیاست‌های اجرایی، پدافند غیرعامل فرهنگی به دنبال شناسایی، ارزش‌گذاری سرمایه‌ها و دارایی‌های فرهنگی هنری کشور در چارچوب اسناد بالادستی فرهنگی، بررسی علل آسیب و چالش‌های فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام فرهنگی کشور و همچنین رصد، پایش، تشخیص و هشدار تهدیدات، ارتقای هوشمندانه و توانمندسازی ظرفیت‌های موجود است. گفتنی است، این نشست با همکاری کمیته پدافند غیرعامل و دفتر امور زنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

مسئولیتی بودن نقش بانوان سعی کردیم با اتخاذ راه کارهایی چون دورکاری و کاهش حضورشان در ادارات تابعه به آنها کمک کنیم. حیدری در ادامه به مبحث بحران و نقشی که بانوان در این مهم می‌توانند داشته باشند اشاره و از تلاش‌های کمیته پدافند غیرعامل برای توجه به اینگونه مباحث قدردانی کرد.

در ادامه این جلسه مهناز طهرانی و شاداب مهرآز اساتید دانشگاهی کشور، به صورت جداگانه به بیان مفاهیم بحران و نقش زنان در قالب مادر،



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همسر، خواهر، سرپرست خانواده پرداخته و از منظر روانشناسی به ابعاد موضوع و ارائه راه کارها پرداختند.

سعید جابری انصاری مشاور معاون وزیر و دبیر کمیته پدافند غیرعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در ادامه این جلسه، ضمن تریک فرارسیدن دهه فجر و نقش ارزنده حضرت امام خمینی (ره) در پاسداشت مقام زن در جمهوری اسلامی، به تشریح

در نشست هم‌اندیشی «نقش و جایگاه مادران در مدیریت بحران‌ها» مقرر شد از سال آینده آموزش پدافندی خانواده‌های کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اصحاب فرهنگ و هنر در دستور کار کمیته پدافند غیرعامل قرار گیرد. به گزارش پایداری ملی به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشست هم‌اندیشی «نقش و جایگاه مادران در مدیریت بحران‌ها» با حضور لادن حیدری معاون مدیریت توسعه و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سمیه صفاری مشاور دفتر امور زنان وزارتخانه متبوع، سعید جابری انصاری مشاور معاون وزیر در امور پدافند غیرعامل و اساتید دانشگاهی به صورت بیناری برگزار شد.

در ابتدا این نشست لادن حیدری معاون مدیریت توسعه و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تشریح اقدامات دستگاهی در امور زنان و مشارکت بانوان در بدنه مدیریتی حوزه فرهنگ و هنر پرداخت و گفت: بهره‌گیری از الگوی دین مبین اسلام در ارزش‌گذاری نقش و جایگاه زنان در جامعه مهم است و حضور موفق زنان در مواقع بحرانی همچون بیماری کرونا نقطه قوتی در کنار دیگر مسولیت‌های این قشر به شمار می‌رود.

وی با اشاره به پتانسیل‌های موجود برای ارتقاء جایگاه بانوان در رده‌های بالای تصمیم‌گیری خاطر نشان کرد: از میزان رعایت همکاران خانم در امور بهداشتی به ویژه در ایام بیماری کرونا در سطح وزارتخانه قدردانی می‌کنم و با توجه به چند







عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی معتقد است در مدیریت فرهنگی تصمیم‌گیری‌ها باید با روح ایمان و روحیه انقلابی منطبق باشد چرا این امر تضمین‌کننده مدیریت صحیح، جامع‌نگر و دقیق در تصمیم‌گیری‌های مدیران فرهنگی است. از همین رو هدایت فرهنگی جامعه منطبق بر گرایش‌های انقلابی، ضرورتی انکارناپذیر است. سید احسان قاضی‌زاده هاشمی، نماینده مردم سرخس، فریمان و بخش‌های احمدآباد و رضویه و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی ضمن پاسخ به سوالات خبرنگار ما به تشریح الزامات هدایت فرهنگی جامعه پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

توجه به مسائل فرهنگی کشور، همواره جزو مطالبات مقام معظم رهبری بوده است، به نظر شما دلیل توجه حضرت آقا نسبت به این مسائل چیست؟

واقعیت این است که فرهنگ و مسائل فرهنگی از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است به طوری که می‌توان آن را جزو مسائل نخست کشور به حساب آورد. دلیل این امر نیز، ضرورت تدوین راهبردی برای مقابله برنامه‌ریزی شده با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و هدایت نهادهای متولی کشور در مسائل فرهنگی است. باید دانست که قوام و دوام یک ملت، با فرهنگ آن رابطه مستقیم دارد. بطوری که هرچه فرهنگ از غنای بیشتر برخوردار باشد، از کوران حوادثی که بر آن خواهد گذشت راحت‌تر عبور خواهد کرد و به نوعی تاب آور خواهد بود.

مقام معظم رهبری همواره بر سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی با هدف حفظ استقلال، رسیدن به خودکفایی، تأمین رفاه عمومی، تحکیم تدین مردم و تحقق یک تمدن بزرگ اسلامی تأکید دارند. بدون شک دغدغه ایشان نیز در بحث فرهنگ به خاطر اشراف معظم له بر این موضوع است که اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه آن استوار نشود، برنامه‌ریزی سایر اقدامات در کشور به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

به نظر شما در عرصه مدیریت فرهنگی توجه به چه مواردی ضروری است؟

نکته اساسی در مدیریت فرهنگی این است که در تمامی تصمیم‌گیری‌ها، باید روح ایمان و روحیه انقلابی حاکم باشد. گرایش انقلابی و حرکت در مسیر اسلام نیز تضمین‌کننده مدیریت صحیح، جامع‌نگر و دقیق در تصمیم‌گیری‌های مدیران فرهنگی است. از همین رو هدایت فرهنگی جامعه منطبق بر گرایش‌های انقلابی، ضرورتی انکارناپذیر است.

▲ امروز دشمن، جنگی تمام‌عیار را با کشور مادر جبهه‌های مختلف گشوده است. حوزه فرهنگی ما در این زمینه با چه تهدیداتی روبه‌رو است؟

هجمه و شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام علیه انقلاب اسلامی و ملت ایرانی، یک واقعیت جدی و انکارناپذیر است که متأسفانه علی‌رغم تمام نشانه‌های و عوارض ناشی از همچنان از سوی برخی مسئولان پذیرفته نشده است. واقعیت این است که باورها اعتقادی و سیاسی ما به پشتوانه فرهنگ ناب ایرانی-اسلامی است و از قضا دشمن با ابزارهای شبیخون فرهنگی این ستونها را بسیار پیچیده و البته دقیق هدف قرار داده است. آنچه اکنون در معرض هجمه است فرهنگ اسلام ناب محمدی است که بنیان‌های انقلاب اسلامی بر پایه آن بنا شده است. حال چه باید کرد؟ باید به دنبال برنامه‌ریزی دقیق و اصولی برای مقابله با این تهاجم دشمن باشد. نکته اینجاست که در این مبارزه نیازمند یک تمرکز و انسجام مدیریتی هستیم چرا که در عرصه فرهنگی، فعالیت‌ها باید هم‌افزا و مکمل هم باشد. در غیر این صورت ممکن است شاهد نوعی آشفتگی در مدیریت فرهنگی کشور باشیم. اما باید دانست که تنها یک مدیریت هدایت‌گر و متمرکز در سیاست‌های فرهنگی است که می‌تواند از بنیان‌های فرهنگی ما در برابر تهاجم دشمن محافظت کند.

در مبارزه با شبیخون فرهنگی نیازمند چه ابزار هستیم؟

بعد از مدیریت منسجم، هدایتگر و متمرکز، نیازمند بکارگیری نیروهای جوان و ارزشمند فرهنگی هستیم. در این زمینه باید نیرو جوانی را در کنار تجربه ریش سفیدان و استخوان خرد کرده‌های عرصه فرهنگی کشور قرار داد تا سرچشمه‌ای جوشان برای تغذیه جامعه و دستگاه‌های متولی فراهم شد.

در کار فرهنگی، تعصب، تحجر و افراط و تفریط کاری از پیش نخواهد برد بلکه باید برای رشد و اعتلای تفکر و اندیشه‌های ناب مبتنی بر ارزش‌های ایرانی-اسلامی تلاش کرد. نکته دیگر اینکه همانگونه که ممکن است

اثر شبیخون فرهنگی دیرا آثار آن ماندگار باشد، کار و اقدام فرهنگی نیز همین گونه است. بعضادیده شده که با تغییر مدیران فرهنگی سیاست‌های کلی تغییر می‌کند. این یک آسیب جدی است. اگر سیاست‌های فرهنگی ما کارآمد و مبتنی بر کار کارشناسی و مطالعه است نباید با تغییر مدیران در انجام آن خللی ایجاد شود بلکه مدیر جدید باید به تکمیل اقدامات مدیر قبلی در راستای سیاست‌ها بپردازد. در غیر این صورت، اقدامات ابتر مانده و درون یک دور باطل خواهیم افتاد.

از نظر شما مهمترین نیاز مدیریت فرهنگی کشور در حال حاضر چیست؟

من برای پاسخ به این سوال از بیات مقام معظم رهبری بهره می‌گیرم که ضرورت بکار انداختن قدرت ابتکار و بروز شجاعت و شهامت در انجام کارهای بزرگ را به عنوان یک نیاز فرهنگی به معنای عام آن مورد تأکید قرار دادند. به فرموده ایشان کشور نیازمند یک تصحیح فرهنگی است و علاج مشکلات آن نیز تنها با اصلاح فرهنگی امکان پذیر است. این نگاه نشان می‌دهد که باید دید بسط و عمیق باید مسائل فرهنگی را مورد توجه قرار داد. فراموش نکنیم که تعهد و روحیه اسلامی و انقلابی ملت ایران یک فرصت و ظرفیت ناب برای اصلاح فرهنگی و به دنبال آن رشد و تعالی کشور است.

تاثیر تاب‌آوری فرهنگی را در مسیر توسعه کشور و عبور از بزنگاه‌های تاریخی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تاب‌آوری فرهنگی بخش مهم و تغییرپذیری در هر نظام اجتماعی است. بدان معنی که عوامل مختلفی بر میزان تاب‌آوری جامعه موثر است. در این میان سرمایه اجتماعی و ظرفیت تطابق‌پذیری به عنوان مولفه‌های کلیدی در تاب‌آوری فرهنگی اجتماع موثر هستند. هرچه تاب‌آوری فرهنگی بیشتر باشد، کیفیت روابط اجتماعی مانند مشارکت در رویدادهای سیاسی و اجتماعی در جامعه بیشتر نمود خواهد یافت. جامعه هرچه تاب‌آوری بیشتری داشته باشد، توان و قدرت بیشتری در برابر هجوم بحران و برگشت‌پذیری خواهد داشت. ملت ایران نمونه بارز یک جامعه با تاب‌آوری فرهنگی بالاست. همین قدرت نیز سبب شده است که ایران اسلامی بتواند در برابر امواج عظیم و سهمگین تحریم‌های ظالمانه و همه‌جانبه به سلامت عبور کرده و به ساحل آرامش برسد. سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی ما باید تاب‌آوری فرهنگی ملت ایران را که زمینه‌ساز تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را فراهم آورده است قدر بدانند و تمام تلاش خود را برای ارتقا فرهنگی و دوام و پایداری یک جامعه پویا، شاداب، ارزشی با تکیه بر اخلاق اسلامی بکار گیرند.





گفت و گو با دکتر سید احسان قاضی زاده هاشمی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

بایسته‌های مدیریت فرهنگی در تراز انقلاب اسلامی

- ▶ مقام معظم رهبری همواره بر سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی با هدف حفظ استقلال، رسیدن به خودکفایی، تأمین رفاه عمومی، تحکیم تدین مردم و تحقق یک تمدن بزرگ اسلامی تأکید دارند
- ▶ گرایش انقلابی و حرکت در مسیر اسلام، تضمین‌کننده مدیریت صحیح، جامع‌نگر و دقیق در تصمیم‌گیری‌های مدیران فرهنگی است
- ▶ واقعیت این است که باورها اعتقادی و سیاسی ما به پشتوانه فرهنگ ناب ایرانی-اسلامی است و از قضا دشمن این ستون‌ها را بسیار پیچیده و البته دقیق هدف قرار داده است
- ▶ تنها یک مدیریت‌گر و متمرکز در سیاست‌های فرهنگی است که می‌تواند از بنیان‌های فرهنگی مادر برابر تهاجم دشمن محافظت کند
- ▶ تعهد و روحیه اسلامی و انقلابی ملت ایران یک فرصت و ظرفیت ناب برای اصلاح فرهنگی و به دنبال آن رشد و تعالی کشور است



نکته بعدی که بسیار هم موثر است، مروری بر سیره، روش و سبک زندگی شهدای عزیزه و ویژه سرداران شهید و سردار دل‌هاست. باید بررسی کنیم و ببینیم که نگاه آنها به سبک زندگی در مقابل دشمنان چگونه بوده است. در نگاه این بزرگواران استقامت و پایداری تنها راه نجات، عزت و سربلندی کشور به شمار می‌آید. لذا اگر مقام معظم رهبری فرمودند مکتب شهید سلیمانی؛ آن مکتب در حقیقت حکم یک راهنمای زندگی و دستورالعملی است که هر کسی می‌تواند با توجه به ظرفیت و استعداد خود از آن سود ببرد و در عرصه‌های مختلف زندگی به کار گیرد. نوع نگاه سردار سلیمانی نسبت به آمریکا و رژیم صهیونیستی چگونه بوده است؟ آیا باید سازش را در پیش بگیریم و تسلیم شویم یا استقامت داشته باشیم؟ آشنایی با نوع نگاه این چهره‌ها، تاب‌آوری جامعه را افزایش خواهد داد.

یکی از مفاهیمی که اخیراً در ادبیات دفاعی ما به ویژه در حوزه پدافند غیرعامل مطرح شده است موضوع تاب‌آوری فرهنگی است. چگونه می‌توان موجبات ارتقای تاب‌آوری فرهنگی را فراهم آورد؟

بامطالعه سرنوشت جوامع، دولت‌ها و ملت‌هایی



گفتگو با نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

کشورها بدون تاب‌آوری فرهنگی مجبور به تسلیم هستند

که تاب‌آوری نداشته‌اند و در برابر دشمنان تسلیم شده‌اند متوجه می‌شویم که این اتفاق نتیجه‌ای جز وابستگی و عقب‌ماندگی برای این کشورها نداشته است. عربستان سعودی را ببینید که نقطه اوج سازش و تسلیم در برابر ایالات متحده آمریکا است. به اندازه‌ای جایگاهشان در نگاه آمریکایی‌ها کاهش و تنزل پیدا کرده است که رئیس‌جمهور وقت آمریکا بالحنی جسارت‌آمیز عربستان را گاو شیرده قلمداد می‌کند. این اتفاق پایان سازش و ظرف تاب‌آوری است. لذا اگر ما به عزت و اقتدار خود علاقه‌مند هستیم باید راهی در پیش بگیریم که شهیدان عزیز، آزادگان سربلند و پیشگامان عرصه دفاع از حرم حرم در پیش روی ما قرار داده‌اند.

بخش عمده‌ای از موضوعات تاب‌آوری فرهنگی، به حوزه‌های آموزش عمومی و ارتقای آمادگی‌های مردمی برمی‌گردد. به نظر شما چه برنامه عملیاتی برای این حوزه و از طریق چه نهادهایی باید در دستور کار قرار گیرد؟

راهکار غلبه بر هجمه‌های فرهنگی که فشار مضاعفی را بر پیکره فرهنگی ما وارد کرده است از نظر شما چیست؟

یکی از مباحث مهم در این زمینه ارتقای تاب‌آوری فرهنگی، تلاش و کوشش در جهت ارتقاء سطح دانش و بینش عمومی است. به ویژه اینکه این ارتقاء در حوزه فرهنگ عمومی برای مواجهه منطقی و موثر با تهدیدات و سیاست‌هایی که دشمنان در مقابل نظام جمهوری اسلامی انجام می‌دهند، صورت گیرد. نکته دوم ترسیم چهره واقعی دشمنان و آشکار کردن هویت خبیث آنها در گام اول انقلاب اسلامی برای نسل جوان است تا از توطئه‌ها، روش‌های مختلف و هجمه‌هایی که دشمنان به ارزش‌های اهدافی و اعتقادی ما داشته‌اند، آگاه شده و شرایط را درک کنند. باید این مسئله را بپذیریم که دشمن دست از شیطنت و همجه خود بر نمی‌دارد. چون به هردلیلی آنها از آثار و پیامدهای انقلاب اسلامی به ویژه در حوزه جبهه مقاومت و جهان اسلام احساس خطر می‌کنند و هرزگانه‌ی تیرها توطئه‌های سمی را به سمت انقلاب اسلامی نشانه می‌گیرند.

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و مزیت رقابتی اش نسبت به غرب و شرق، شهدایی است که چون کارخانه انسان‌سازی، تربیت و کادرسازی در تمامی سطوح کودک تا بزرگسال جامعه خصوصاً نسل نوجوان و جوان را به ارمغان آوردند. این الگوهایکی از جلوه‌ها و مصادیق تاب‌آوری فرهنگی است که به جامعه کمک می‌کند با تاسی به آنها به آرامی و با کمترین خطر از گردنه‌های پریپیچ و خم توسعه عبور کنند.

غلامرضا منتظری، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی معتقد است، در بحث تاب‌آوری فرهنگی مکتب شهید سلیمانی در حقیقت حکم یک راهنمای زندگی و دستورالعملی است که هر کسی می‌تواند با توجه به ظرفیت و استعداد خود از آن سود ببرد و در عرصه‌های مختلف زندگی به کار گیرد. در واقع مکتب سلیمانی، الگویی برای ارتقای تاب‌آوری جامعه است.

گفت و گوی غلامرضا منتظری، نماینده مردم گرگان و آق‌قلا و نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی را در ادامه می‌خوانید؛
برای ارتقای تاب‌آوری فرهنگی چه باید کرد؟



قهر
ت
اف



شود. واقعیت این است که پرسش و پاسخ از هر جهت زمینه ارتقاء سطح دانش، بینش، اطلاعات و اندیشه‌ها را در پی خواهد داشت.

وسایل ارتباط جمعی، خبرگزاری‌ها و صداوسیما باید جلوه‌های استقامت و پایداری را به زیباترین وجه به تصویر بکشند تا مردم نتیجه این استقامت و پایداری را مشاهده کنند. ملت مظلوم فلسطین را در این چندین دهه‌ای که با رژیم صهیونیستی در جنگ هستند را ببینید، تاب‌آوری، استقامت و پایداری آنها الهام‌گرفته از برنامه‌ها و آثار انقلاب اسلامی است. این ملت مظلوم کار را به جایی رساند که رژیم صهیونیستی بر خلاف تاریخ گذشته اش تقاضای آتش بس می‌کند و راه‌های جنگی اش زمین‌گیر می‌شود و این جبهه مقاومت است که حرف اول را می‌زند. کار رسانه، عملی فرهنگی است و به نوع نگاه بستگی دارد. اگر نوع نگاه را نتوانستیم تغییر دهیم ضرب استقامت و پایداری مان افزایش پیدا می‌کند. بیان آثار و پیامدهای مثبت استقامت و پایداری در رسانه‌ها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. همانطور که در ابتدا عنوان شد مسئله تاب‌آوری در فرجام دولت‌ها و ملت‌ها دیده می‌شود. رسانه، سیاست‌گفتمان‌ها و پرسش و پاسخ است. باید باب گفت‌وگو با شخصیت‌ها، چهره‌ها و نخبگان در یک فضای کاملاً صمیمانه و عالمانه باز شود. همچنین نقدها عنوان شود و پرسش‌ها شنیده



**آشنایی
با نوع نگاه چهره
مان انقلاب اسلامی،
تاب‌آوری جامعه را
تقویت خواهد داد**

**ارتقای
تاب‌آوری فرهنگی،
تلاش و کوشش در جهت ارتقاء
سطح دانش و بینش عمومی یکی از
مباحث مهم در این زمینه ارتقای
تاب‌آوری فرهنگی است**





تاب آوری فرهنگی پایه ها و بنیادها



پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که بدون بکارگیری سلاح و تجهیزات نظامی باعث کاهش آسیب پذیری، افزایش پایداری ملی، تسهیل مدیریت بحران، تدوام کارکرد فعالیت‌های ضروری و تولید بازدارندگی دفاعی در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.

بند ششم اساسنامه سازمان پدافند غیرعامل نیز «فرهنگ سازی و آماده سازی دستگاه‌های اجرایی و استان‌های کشور برای کمک و اداره و هدایت مردم در شرایط بحرانی» را از جمله وظایف عملیاتی این سازمان قرار داده است.

سیاست‌های کلی نظام دامور «پدافند غیرعامل» ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیز در بند هفتم «فرهنگ سازی و آموزش عمومی در زمینه به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پیش‌بینی مواد درسی در سطوح مختلف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل» را مورد تأیید و تأکید قرار داده است.

براین مبنای توان استدلال کرد یکی از مهمترین اهداف و برنامه‌های سازمان پدافند غیرعامل ارتقای تاب‌آوری ملی است و این مهم جز با بهبود تاب‌آوری فرهنگی رقم نخواهد خورد.

تاب‌آوری چیست؟!

مفهوم تاب‌آوری از جمله مفاهیم چندبعدی است که در بسیاری از رشته‌های علمی مورد توجه و کاربرد است. دراکولوژی یا بوم‌شناسی تاب‌آوری به معنای ظرفیت اکوسیستم برای مقابله با تهدیدات محسوب می‌شود. تاب‌آوری اقلیمی و تاب‌آوری خاک از جمله مفاهیم پایه در این حوزه است. در علوم اجتماعی تاب‌آوری بیشتر معطوف به نظریه سیستم‌ها و توانایی نظامات برای انعطاف پذیری در مقطعی که دروندادها دچار تغییر و تحول می‌گردند تعریف می‌شود. تاب‌آوری شهری، تاب‌آوری روانی از جمله مفاهیم به کار رفته در حوزه علوم اجتماعی است. در حوزه فناوری و مهندسی نیز تاب‌آوری به معنای بهره‌وری، ظرفیت شبکه، استمرار اطلاعات و... به کار گرفته شده است.

آنچه رکن همه تعاریف فوق‌الذکر است توانایی و ظرفیت پدیده‌ها برای بازگشت به شرایط عادی پس از وقوع یک تغییر قابل ملاحظه است. به یک تعبیر سیستم‌ها باید دارای چنان ظرفیتی باشند که اگر در درونداد آنها دچار تغییر و تحول شگرف شدیم بتوانند خود را با وضع موجود وفق داده و به مسیر پردازش همچنان ادامه دهند و دچار فروپاشی از درون نشوند.

براین مبنای یکی از مهمترین مفاهیم حوزه تاب‌آوری، کلیدواژه آستانه تاب‌آوری است. منظور از آستانه تاب‌آوری آن سطح مقطعی است که سیستم‌ورای آن نمی‌تواند به کارکرد خود ادامه داد و دچار اختلال

و یا فروپاشی می‌گردد. به طبع هر چه سطح آستانه تاب‌آوری یک نظام و سیستم بالاتر باشد توانایی انعطاف بیشتر در برابر تغییرات محیطی از خود نشان می‌دهد و به هر میزان این آستانه پائین بیاید ما شاهد اختلال کارکردی سیستم در شرایط سریعتری از منظر زمانی خواهیم بود.

هرچند در حوزه علوم فنی و مهندسی سنجش آستانه تاب‌آوری سیستم‌ها امکان پذیر است اما در علوم اجتماعی عملاً این مفهوم صرفاً یک ذهنیت است و امکان تعیین دقیق آن وجود ندارد. چرا که اساساً در حوزه‌های علوم اجتماعی ما شاهد اندرکنش صدها متغیر مستقل و وابسته به صورت توأمان هستیم. با این حال اگر درک و شناخت صحیحی از شاخه‌های اصلی تاب‌آوری جامعه داشته باشیم می‌توانیم با تقویت آنها سطح و آستانه تاب‌آوری را نیز ارتقا دهیم.

تاب‌آوری فرهنگی

اهمیت تاب‌آوری فرهنگی به عنوان یک مفهوم تحلیلی به نقش فرهنگ و زمینه فرهنگی تأکید دارد. تاب‌آوری فرهنگی در زمینه دستیابی به سیستم معیشتی پایدار در محیط اجتماعی است. در بحث تاب‌آوری فرهنگی باید این امر را تأکید کرد که چگونه فاکتورهای فرهنگی نقش‌رادر موفقیت سازگاری ایفا می‌کند و بر اساس شبکه‌ای از اعمال اقدامات متقابل، تعهدات و درخواست‌ها و دارایی‌ها پویایی سازگاری و تطبیق را بر جسته می‌سازد. به یک معنای موسع تاب‌آوری فرهنگی تأکید بر عنصر و مفهوم فرهنگ در افزایش سطح آستانه تاب‌آوری جوامع، اشخاص، نهادها و سازمان‌ها دارد. عوامل و متغیرهای متعددی می‌توانند بر پویایی و انعطاف پذیری سیستم‌ها و نظامات نقش داشته باشند. ساخت اقتصادی، میزان نهادمندی، کنش‌های فردی و... اما محیط و اتمسفری که تمام فعل و انفعالات سیستم در آن رقم می‌خورد حوزه فرهنگی است و هرگونه بهبود اوضاع فرهنگی ناظر به ارتقای تاب‌آوری می‌تواند در نهایت به پویایی نظام و سیستم مورد بحث کمک کند. در ادامه تلاش داریم تا به بررسی مهمترین ارکان تاب‌آوری فرهنگی در جامعه ایرانی اسلامی بپردازیم.

رکن‌های تاب‌آوری فرهنگی

در بررسی و تحلیل مهمترین ارکان موثر بر تاب‌آوری فرهنگی در جامعه ایرانی اسلامی می‌تواند به چهار مولفه کلیدی دین و مذهب، میزان نهادمندی، هویت ملی و برداشت جامعه از وضعیت خود در آینه افکار عمومی اشاره کرد که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهیم کرد.

فرهنگ دینی:

حتی در جوامعی که سکولاریسم در حوزه‌های

سیاسی و اجتماعی رسوخ پیدا کرده است گرایش به معنویت در سال‌های اخیر روبه‌فزونی گذاشته است. تجربه دنیای مدرن نیز نشان می‌دهد که تعلقات دینی و مذهبی می‌تواند به‌طور چشم‌گیری توانایی تاب‌آوری فرهنگی و روانی افراد و جوامع را در برابر چالش‌ها و بحران‌ها ارتقا دهد.

پژوهش‌های علمی متعددی اثبات کرده است مذهب چارچوب معتبر و پایداری برای افزایش میزان تاب‌آوری و در نتیجه ارتقاء سلامت روان افراد فراهم می‌کند.

جامعه ایرانی نیز با توجه به بهره‌مندی از فرهنگ غنی اسلام بارها توانسته است با استمداد از همین مفاهیم دینی بر غلبه‌ها و بحران‌ها پیروزی کسب کند که نمونه بارز آن به دوران ۸ سال دفاع مقدس بازمی‌گردد که ایران اسلامی توانست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی شیعی و مفاهیم والایی همچون شهادت، ایثار و... کشور را برای مقابله با دشمن بسیج کرده و مانع از هم‌پاشیدگی نظام سیاسی اجتماعی شود.

البته باید در نظر داشت که در سال‌های اخیر ما شاهد یک موج گسترده جنگ فرهنگی و رسانه‌ای از سوی دشمن بر بستر فضای مجازی هستیم که یکی از مهمترین اهداف آن تضعیف بنیان‌ها و باورهای دینی عموم مردم است. این موج گسترده تبلیغاتی و رسانه‌ای تلاش دارد تا در نهایت استحکام و تاب‌آوری فرهنگی ملت ایران را در برابر چالش‌ها کاسته و با فشار اجتماعی مسئولان و نخبگان کشور را در مسیر سازش و تسلیم قرار دهد. لذا پاسداشت بنیان‌های دینی جامعه مهمترین عامل برای حفظ و ارتقای تاب‌آوری فرهنگی محسوب می‌گردد و ضرورت دارد تا با نگاه پدافندی از این سرمایه معنوی صیانت به عمل آورد.

هویت:

هویت از کلیدی‌ترین پایه‌های فرهنگی یک جامعه به حساب می‌آید. هویت به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. به تعبیری دیگر هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن بایکدی‌گرد خالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد.

منظور از هویت اجتماعی نیز ویژگی‌ها، باورها، شخصیت‌ها، مدل‌های ذهنی یا باورهای شخصی افراد نسبت به خود است. روند هویت اجتماعی می‌تواند خلاقانه یا مخرب باشد. عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت اجتماعی انسان‌ها شامل عوامل جغرافیایی، سیاسی و تاریخی، اقتصادی،

عوامل فرهنگی و مؤلفه‌های تربیتی می‌باشند. هویت اجتماعی افراد اغلب از طریق مدل تولید و تغییر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، تاریخ، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز جوامع مختلف را تشکیل می‌دهند، شکل می‌گیرد. هویت اجتماعی مفهومی است که می‌خواهد تعارضات موجود در هویت‌های گروهی را به نوعی کاهش داده و آن‌ها را تحت یک هویت اجتماعی، همگرا سازد و انگیزه همکاری، همدلی و همزیستی را میان افراد جامعه فراهم نماید.

به یک معنا هویت اجتماعی قوام دهنده اجتماع و سیما عالم انسانی است. اما باید در نظر داشت که هویت اگرچه یک پدیده تاریخی و بلند مدت است اما می‌تواند دستخوش تغییرات شود. هویت اجتماعی و فرهنگی ملت ایران برخاسته از یک تاریخ بلند و هزار ساله است. این هویت که می‌توان یکی از اقسام آن را ایرانی بودن خطاب کرد در طول سال‌ها پراکنده شده است و به ملت کمک می‌کند که بتواند هم باشی مسالمت آمیزی داشته باشد. به طبع تقویت این هویت و پاسداری از آن می‌تواند تاب‌آوری فرهنگی جامعه را دستخوش تغییر و تحول کند. جالب اینجاست که مقایسه تطبیقی بین کشورهایی که درگیر چالش‌های بنیادین مانند جنگ شده‌اند نشان می‌دهد آن کشورهایی که دارای هویت فرهنگی و اجتماعی غنی بوده‌اند توانسته‌اند از پس بحران بیرون آیند اما کشورها و به تعبیر بهتر ملت‌هایی که هویت ملی آنها چندان غنی نبوده است نتوانسته‌اند از پس ابربحران‌ها برآیند.

نگاهی به شرایط کشور ما نیز نشان می‌دهد که هویت ملی مهمترین عامل انسجام داخلی کشور در برابر بحران‌ها و چالش‌ها بوده است و اتفاقاً زمانی که دشمن قصد کرده است کشور را برهم بزند در گام نخست هویت ملی ایرانیان را نشانه رفته است. لذا در تقویت و ارتقای تاب‌آوری فرهنگی باید از مرزهای هویتی صیانت کرد چرا که عدم مرزبانی هویتی سبب اضمحلال هویت و در نهایت کاهش توان جامعه برای مقابله با بحران‌ها می‌گردد.

بعد ساختاری:

نهادهای تجلی اندیشه و آرمان‌های انسان‌های بشری در دنیای واقعیات هستند. نهادها قواعد بازی اجتماعی محسوب می‌شوند و قوام دهنده سامان اجتماعی هستند. در نظریات جدید علوم اجتماعی، بسیاری از موفقیت‌ها و یا عدم موفقیت‌ها جوامع را در میزان نهادمندی آن ارزیابی و بررسی می‌کنند. جوامع نظاماتی که دارای سطح بالایی از نهادمندی و ساختارهای اجتماعی هستند عملکرد و کارکرد بسیار بهتری نسبت به جوامعی که فاقد این ظرفیت هستند دارا می‌باشند.

البته در خصوص تعریف نهاد دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد. نهادگرایان قدیم بیشتر به

ابعاد سخت و سازمانی نهادها دقت نظر داشتند اما نهادگرایی جدید مطوف به ابعاد نرم افزاری جامعه هستند و نهادها را ورای سازمان‌ها قلمداد می‌کنند. اما در خصوص نسبت میان سطح نهادمندی جوامع و تاب‌آوری فرهنگی باید گفت که نهادمندی جامع به یک تعبیر فرهنگ مجسم است. بسیاری از صاحب‌نظران اساساً جوامع توسعه یافته از منظر فرهنگی را جوامعی با نرخ بالای نهادمندی قلمداد می‌کنند. در این جوامع کنش‌های فردی و اجتماعی سامان یافته ترویج می‌یابند. پذیرش می‌باشند. افراد و گروه‌ها غالباً بر اساس یک بستر نظری مورد توافق جمعی تصمیم گرفته و کنش‌گری می‌نمایند. این دقیقاً در مقابل جوامعی است که قالب کنشگری آنها احساسی، اقتضائی و تابع زمان‌های مختلف است.

نکته اینجاست که در شرایط بحرانی جوامع دارای سطح بالای نهادمندی توانمندی و ظرفیت بهتری برای واکنش درست به چالش‌ها دارند. اگر بخواهیم به صورت مصداقی در این خصوص بحث کنیم می‌توانیم به نوع واکنش مردم ژاپن در تسونامی بزرگ در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد. با توجه به اینکه نظم و انتظام اجتماعی یکی از مفاهیم پایه سبک زندگی ژاپنی‌هاست حتی در شرایط بحران جدی نیز این نظم در مدل رفتاری ژاپنی‌ها وجود داشت و مردم پس از زلزله نیز برای دریافت کمک‌های غذایی از طریق صف کشیدن اقدام می‌کردند و کسی خارج از صف نمی‌ایستاد.

برداشت جمعی

نقش و اهمیت افکار عمومی با توجه به رشد و گسترش روزافزون رسانه‌ها و رویش نسل جدیدی از رسانه‌های تعاملی مانند شبکه‌های اجتماعی در حال ارتقا است. اگر تا چند دهه قبل حداکثر نقش رسانه‌ها به حوزه‌های هنری و تفریحی خلاصه می‌شد امروز رسانه به عنوان یکی از ارکان حکمرانی مطلوب مورد توجه قرار می‌گیرد. رسانه‌ها تولیدکنندگان افکار عمومی هستند و افکار عمومی در نظام‌های مبتنی بر آرای مردمی جهت‌دهی اصلی به حوزه‌های سیاسی را در دست دارند. بر این مبنا رسانه‌های می‌توانند افسار سیاست و روزی و حکمرانی را در دست خویش بگیرند.

در حوزه تاب‌آوری نقش نقش و اهمیت رسانه‌ها به عنوان متولیان اصلی افکار عمومی حائز اهمیت راهبردی است. اساساً کنش‌های فردی تحت تأثیر کنش‌های گروهی و اجتماعی است. مردم خود را در آئینه رسانه‌ها و افکار عمومی می‌بینند و فهم می‌کنند. این رسانه‌ها هستند که با ترویج منش استاندارد و تزریق روزانه هنجارهای اجتماعی به جوامع نظم و انسجام می‌بخشند. در این اثناسان‌های موفق که بتوانند ارتباط قوی و دوسویه‌ای را با مردم برقرار کرده و مورد اعتماد و اطمینان عموم

مردم واقع شوند نقش ویژه‌ای در ارتقای تاب‌آوری فرهنگی می‌توانند بازی کنند. این رسانه‌ها هستند که در شرایط بحرانی می‌توانند با آگاهی بخشی و آرامش بخشی به عموم مردم، شرایط جامعه را به حدود و ثغور پایداری بازگردانند.

در مقابل اگر رسانه‌ها مدل و الگوی صحیح اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی را در دستور کار خود نداشته باشند می‌توانند به پاشنه آشیل و چشم‌آسند یا تاب‌آوری جوامع تبدیل شوند. گویا اینکه در جوامع مدرن نیز نقش رسانه‌های تابلوید و زرد در برهم زدن امنیت روانی و اجتماعی جامعه اثبات شده است.

در کشور ما نیز بررسی شرایط جنگ رسانه‌ای که عموماً بر بستر رسانه‌های مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی تعاملی در جریان است نشان می‌دهد که دشمنان بخش عمده‌ای از برنامه‌های خود برای تضعیف سرمایه اجتماعی نظام را بر روی رسانه‌ها متمرکز کرده است. لذا در مجموع باید گفت کارکرد و عملکرد رسانه‌ها چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی می‌تواند تأثیر شگرفی بر میزان تاب‌آوری فرهنگی جوامع داشته باشد و در کشور ما نیز که درگیر یک جنگ رسانه‌ای است دست‌یابی به یک مدل جامع دفاع رسانه‌ای یک ضرورت غیرقابل انکار است.

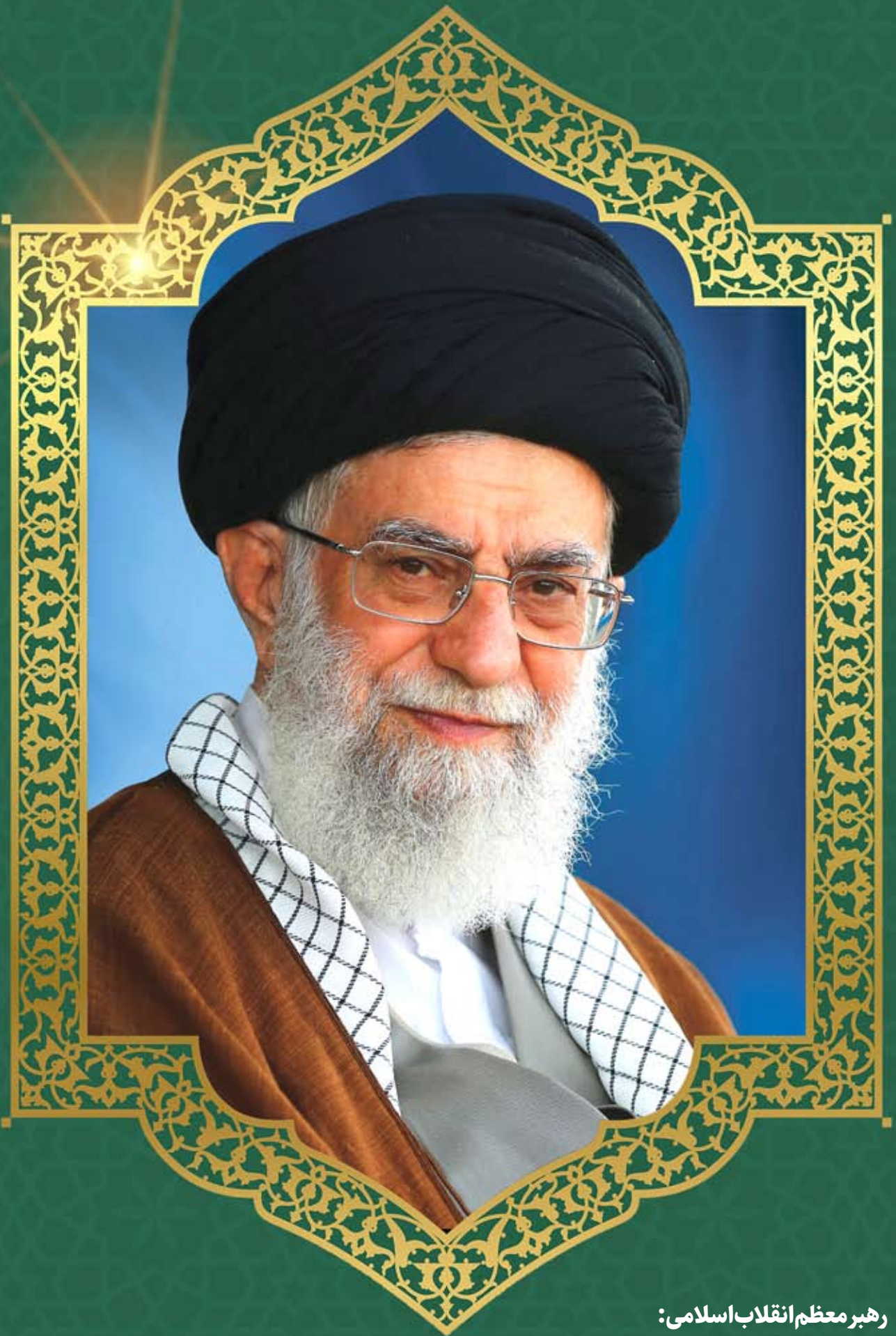
نتیجه‌گیری

مفهوم تاب‌آوری از جمله مفاهیم جدید و چندبعدی است که در عرصه‌های دانشی جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حوزه فرهنگی این مفهوم دچار پیچیدگی‌های مضاعفی می‌گردد که خاصه مربوط به علوم انسانی و اجتماعی است. با این حال در یک نگاه کلان، تاب‌آوری در حوزه‌های فرهنگی را می‌تواند ظرفیت فرهنگی جوامع برای اندرکنش با تغییرات در راستای استمرار کارکردهای نظام اجتماعی قلمداد نمود. در این میان مفهوم آستانه تاب‌آوری فرهنگی می‌تواند واحد و دزدیادی بیانگر وضعیت جوامع از منظر تاب‌آوری باشد اما باید در نظر داشت که برخلاف علوم طبیعی و فیزیکی دست‌یابی به سطح آستانه تاب‌آوری فرهنگی کار بسیار ساده‌ای نیست چرا که ماهیت سیال جوامع و تعامل صدها متغیر مستقل و وابسته شرایط را برای تشخیص و تمییز سخت و دشوار می‌سازد. با این حال همانطور که پیشتر اشاره شد می‌توان با تمرکز بر چهار مولفه کلیدی دین و مذهب، رسانه و افکار عمومی، توسعه نهادی و ساختاری و هویت ملی به ارتقای تاب‌آوری فرهنگی کمک شایانی کرد. نکته بسیار مهم در این میان آن است که اساساً مقوله تاب‌آوری فرهنگی از جمله پدیده‌های با وضعیت تاریخی است که تغییر آنها جز در بستر زمانی بلند مدت میسر و ممکن نمی‌باشد.



آرایش جنگی دشمن

آرایش دشمن آرایش جنگی است؛ از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فضای مجازی آرایش جنگی گرفته؛ فقط از لحاظ نظامی علی الظاهر آرایش جنگی ندارد که آن هم البته حواس نظامی های ما جمع است؛ در مقابل این دشمنی که آرایش جنگی در مقابل ملت ایران گرفته، ملت ایران بایستی آرایش مناسب بگیرد.



رهبر معظم انقلاب اسلامی:

در مقابل شیوه‌های پیچیده تهاجم دشمنان، پدافند غیرعامل نیز باید کاملاً هوشیار و جدی باشد و به صورت علمی، دقیق، به‌روز و همه‌جانبه، عمل و با هرگونه نفوذ مقابله کند. اگر مدیران کشور اهمیت این مسئله را درک نکنند و پدافند غیرعامل به‌طور شایسته توسعه پیدا نکند، کشور در معرض تهدیدهای بعضاً غیر قابل جبران قرار خواهد گرفت؛ بنابراین مسئولان بخش‌های مختلف کشور -چه بخش‌های نظامی و چه بخش‌های غیر نظامی- باید با پدافند غیرعامل همکاری کامل و لازم انجام دهند.